

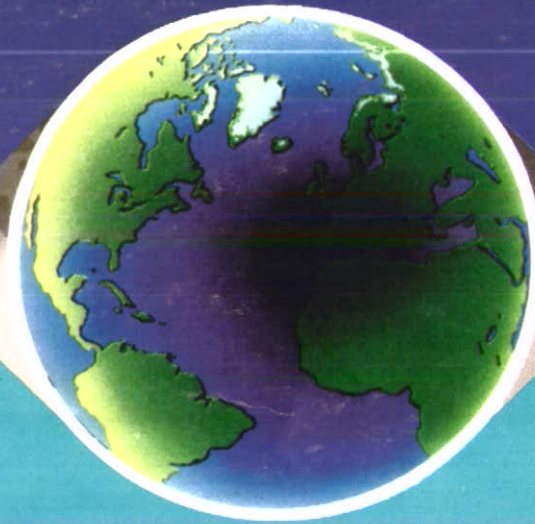
۴۹
شماره

آموزش جغرافیا

رشد

سال سیزدهم ، زمستان ۱۳۷۷ بهاء ۲۰۰۰ ریال

● تحلیلی بر مقایسه کزیده شاخصهای
توسعه انسانی خاورمیانه
● بیابان و بیابان زدایی
● انگلیسی برای دانشجویان جغرافیای طبیعی



● بازتاب محیطه در زندگی مردم کردستان
● آموزش جغرافیا، راهی نو
● یک الگوی تدریس جغرافیا





زمستان در فریدن با دمای ۲۷- درجه سانتی گراد
عکسها از م. شیخی





سرمقاله / دکتر بهلول علیجانی / ۲۰

تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای

همجوار (قسمت اول) / دکتر علی اصغر نظری / ۳

ژئومورفولوژی اقلیمی ایران (قسمت آخر) / دکتر علی خورشید دوست / ۸

بررسی سینوپتیکی بارش مردادماه ۷۴ در جنوب و جنوب شرقی ایران /

محمد نجار سلیقه / ۱۳

نقش اکراد در جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه (قسمت اول) /

حمیدرضا محمدی / ۱۸ بیابان و بیابان زدایی / حمیدرضا مرادی / ۲۲

میزگرد آموزش جغرافیا (قسمت دوم) / گروه جغرافیا / ۲۸

بازتاب محیط در زندگی انسانی مردم کردستان / سعید خضری / ۳۶

آموزش جغرافیا، راهی نو با مشکلات بسیار (قسمت چهارم) / مهدی چوبینه / ۴۳

یک الگوی تدریس جغرافیا برای درس جغرافیای پیش دانشگاهی /

مرضیه سعیدی / ۴۷

درس تخصصی انگلیسی برای رشته جغرافیا (معرفی کتاب) / سیاوش شایان / ۴۸

معرفی کتابهای جدید جغرافیایی / منصور ملک عباسی / ۵۱

آشنایی با کشورهای جهان (بوتسوانا) / سعیدی بختیاری / ۵۶

اخبار جغرافیایی ۵۹

پرسش و پاسخ ۶۳

پیشنهادات خوانندگان ۶۴



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

رشد آموزش جغرافیا
سال سیزدهم - زمستان ۱۳۷۷
شماره مسلسل ۴۹

مدیر مسئول: سید محسن گلدانسانز
هیئت تحریریه: دکتر حسین شکویی،
دکتر بهلول علیجانی، دکتر مصطفی مؤمنی،
مهدی چوبینه، منصور ملک عباسی،
سیاوش شایان،
ناهید فلاحیان

و دکتر شوکت مقیمی
سر دبیر: دکتر بهلول علیجانی
مدیر داخلی: سیاوش شایان
طراح گرافیک: مهدی کریم خانی
چاپ: شرکت انست (سهامی عام)
نشانی مجله:

تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
تلفن دفتر مجله:
۰۹-۸۸۳۱۱۶ داخلی ۲۴۴
تلفن امور مشترکین ۸۸۳۹۱۸۶

دفتر انتشارات کمک آموزشی، این مجلات را نیز منتشر می کند:

رشد کودک (ویژه پیش دبستان و دانش آموزان کلاس اول دبستان) رشد نوآموز (برای دانش آموزان دوم و سوم دبستان) رشد دانش آموز (برای دانش آموزان چهارم و پنجم دبستان) رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معلم، تکنولوژی آموزشی، آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک، آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش راهنمایی، آموزش ریاضی، آموزش زیست شناسی، آموزش زبان (برای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، مدیران مدارس و کارشناسان آموزش پرورش)

● مجله رشد آموزش جغرافیا حاصل تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت، بویژه آموزگاران، دبیران و مدرسان را، در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می پذیرد. ● مطالب باید یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تاپ شود. ● شکل قرار گرفتن جدولها، نمودارها و تصاویر ضمیمه باید در حاشیه مطلب نیز مشخص شود. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول گردد. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه مقاله باشد. ● در منتهای ارسالی باید تا حد امکان از معادلهای فارسی واژه ها و اصطلاحات استفاده شود. ● زیرنویسها و منابع باید کامل و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه مورد استفاده باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ها، ضرورتاً مبنی نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤلیت پاسخگویی به پرسشهای خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از بازگرداندن مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.



سرمقاله

هویت جغرافیا و هویت جغرافیایی

جغرافیا به عنوان علم مکانها انسان را در شناخت مکان و بهره برداری بهینه از آن کمک می کند. به عبارت دیگر انسان موفق انسانی است که قبل از هر اقدام مکان گزینی و یا بهره برداری ویژگی های جغرافیایی مکان را اعم از طبیعی و انسانی به صورت یک مجموعه کامل و منسجم بشناسد؛ یعنی اینکه هویت جغرافیایی مکان کاملاً شناخته شود. بدون شناخت جامع و دقیق این هویت هر نوع برنامه بهره برداری به شکست منجر می شود. برای مثال، آلودگی شهرها به جهت عدم شناخت هویت جغرافیایی مکان و نهایتاً بهره برداری ناسازگار با هویت جغرافیای آنها است. اگر برنامه ریزان بر جهت باد غالب و یا وجود وارونگیهای دمایی واقف شوند فعالیت های شهری را بگونه ای توصیه می کنند که آلودگی را به حداقل برسانند. اگر جاده های بین شهری در بعضی از فصول سال خطرناک و یا بسته می شوند. هیچ دلیلی به غیر از عدم شناخت هویت جغرافیایی مسیر جاده و ساختن آن متناسب با شرایط زمین شناسی و اقلیمی منطقه ندارد.

هویت جغرافیایی مکان باید به طور کامل و جامع شناخته شود. عدم شناخت یکی از ویژگیها و ناتوانی کشف رابطه یکی از عناصر مکان با عناصر دیگر، شناخت ما را ناقص می کند. در نتیجه مطرح کردن مطالعات جغرافیایی طبیعی، انسانی به طور جداگانه و بدون ارتباط با همدیگر شناخت هویت مکان را ناقص می نماید. یعنی اینکه لازمه شناخت هویت جغرافیایی مکان پذیرش هویت واحد و منسجم خود جغرافیا را نیاز دارد. اگرچه همانند علوم دیگر، متخصصین جغرافیا نیز هر کدام به جهت محدودیتهای شخصی و یا تواناییهای فکری در زمینه ای از آن تخصص پیدا می کنند ولی تأکید و توجه بیشتر به یک یا چند شاخه آن بویژه در سطح آموزش ساختار کلی آن را متزلزل می کند و تربیت یافتگان چنین تفکر و مکتبی وسعت فکری کافی برای فهم هویت جغرافیایی مکان پیدا نمی کنند. بر اساس همین استدلال است که امروزه اکثر جغرافیدانان استقرار جغرافیا را در مجموعه رشته های علوم انسانی یا طبیعی غیرمنطقی تلقی می کنند. همانطور که شاهد هستیم نتیجه این وضعیت سنگین تر شدن قسمتی از مطالعات جغرافیایی و ضعف تدریجی قسمت دیگر شده است. به همین ترتیب آموزش آن در سطوح مختلف آموزشی باید به صورت مستقل انجام گیرد و سعی شود که اصل جامعیت و کلیت شناسی جغرافیا از مکان به عنوان پایه اصلی تکامل هویت جغرافیایی مکان آموزش داده شود.

امید است که متخصصین و صاحب نظران جغرافیا با ارسال نظریات و مقالات خود ما یاری و راهنمایی فرمایند و مسئولین محترم برنامه ریزی آموزشی کشور در همه سطوح آموزشی شناخت کامل هویت جغرافیایی مکان و هویت خود علم جغرافیا را مورد توجه قرار دهند.

سردبیر

دکتر علی اصغر نظری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار

(قسمت اول)

مقدمه

موضوع مختلف، مورد ارزیابی قرار گرفته و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی آنها برای بیان توسعه انسانی دقیقاً موشکافی و بررسی شده است، اما به علت اختلاف در اصول و برداشتهای اجتماعی، فرهنگی آنها تعداد چشمگیری از این موضوعات برای همه کشورها قابل انطباق و استناد نیست^۱. هر گروهی از کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه ویژگیهایی دارند که با اختصاصات کشورهای دیگر برابر نیست. از این رو مسائل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به سبب اختلاف در برداشتهای فکری و اصول فرهنگی نمی توان از جنبه های تحقیقی در یک سطح قرار داد.

باورهای اجتماعی، اعتقادات مذهبی، عوامل فرهنگی، سطح زندگی، عوارض محیطی، امکانات رفاهی، راهبردهای سیاسی و در نهایت ساختار خانوادگی غالب کشورها با یکدیگر متفاوت است^۲. از ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه که آنها نیز در سطوح متفاوتی قرار دارند، پائین بودن متوسط درآمد سرانه، مشارکت تعداد قلیل زنان در نیروی کار پاره ای کشورها، نسبت پائین باسوادان، فقر و محرومیت، فراگیر نبودن امکانات مختلف، نسبت بالای سربراری یا وابستگی اقتصادی اکثریت جمعیت به تعداد نه چندان زیاد فعالان اقتصادی، درصد پائین شهرنشینان به کل جمعیت و مسائل گوناگون دیگر است^۳. کشورهای توسعه یافته از شاخصهای مذکور که عنوان محرومیتهای انسانی را دارند به میزان زیادی

شاخصهای توسعه انسانی، اصول و ضوابطی هستند که دانشمندان و متخصصان رشته های مختلف علوم از بین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، برای مقایسه کشورهای جهان، از نظر سطوح کمی و کیفی دستاوردها و استانداردهای زندگی مردم، در نظر گرفته اند^۴.

از میان محققان و دست اندرکاران این امور، پژوهشگران شاغل در مؤسسات تحقیقی وابسته به سازمان ملل متحد و از جمله بنیاد جمعیت (UNFPA) در انتخاب ویژگیهای مربوطه، نقش مهمتری دارند.

این افراد برای نیل به منظور و اهدافی که دارند، شاخصهای انتخابی را در چند گروه طبقه بندی می کنند و در اختیار پژوهندگان رشته های مختلف علوم قرار می دهند تا با توجه به ارتباط و پیوستگی شاخصهای تعیین شده با زمینه مطالعاتی و مورد علاقه خود از آنها استفاده کنند^۵.

قابل ذکر است که اطلاعات و آمارهای گردآوری شده در هر طبقه چنان با یکدیگر در ارتباط اند که با ملاحظه آنها به سادگی می توان قضاوتهایی کرد. این شاخصها از نظر منابع اطلاعاتی برای مطالعه و تحقیق؛ گنجینه گرانبهایی اند که دسترسی به همه آنها توسط افراد و تحقیق شخصی مستلزم صرف وقت زیاد و تا حدودی غیر ممکن است. با آنکه همه کشورهای جهان، با استناد به حدود ۱۸۰

جدول ۱: ویژگیهای جغرافیایی و شاخص های توسعه انسانی (۹۵-۱۹۹۲)

سال	عراق	ترکیه	ترکمنستان	پاکستان	ایران	افغانستان	آذربایجان	نام کشور شاخص
۱۹۹۵	۲۰٫۴	۶۱٫۹	۴٫۱	۱۴۰٫۵	۵۷٫۳	۲۰٫۱	۷٫۶	جمعیت (میلیون نفر)
	۴۳۸۰۰۰	۷۷۹۰۰۰	۴۸۸۰۰۰	۷۷۱۰۰۰	۱۶۴۸۱۹۵	۶۵۲۰۰۰	۸۷۰۰۰	مساحت (کیلومتر مربع)
	کشورهای عربی	آسیای غربی - اروپا	شوروی سابق	آسیای جنوبی	آسیای جنوبی	آسیای جنوبی	شوروی سابق	منطقه
۱۹۹۵	—	۹۵٫۸	—	۴۰٫۲	۹۷	—	—	تولید خالص ملی (میلیون دلار)
۱۹۹۵	متوسط	متوسط	متوسط	پائین	متوسط	پائین	متوسط	گروه درآمد
۱۹۹۵	۱۰۰	۶۸	۸۰	۱۳۲	۸۶	۱۷۱	۷۱	رتبه شاخص توسعه انسانی در بین ۱۷۳ کشور و سرزمین
۱۹۹۲	۰٫۶۱۴	۰٫۷۳۹	۰٫۶۹۷	۰٫۳۹۳	۰٫۶۷۲	۰٫۲۰۸	۰٫۷۳۰	ارزش شاخص توسعه انسانی بر اساس مقیاس صفر تا یک
۱۹۹۲	متوسط	متوسط	متوسط	پائین	متوسط	پائین	متوسط	گروه توسعه انسانی

مآخذ

- 1- Country Human Development Indicators United Nations 1994.
- 2- The State of World Population 1995 UNFPA United Nations Population Fund.

از منابع مختلف و مورد استفاده شاخصهایی اندک انتخاب و برای آنها منظور شود.

مقایسه شاخصهای برگزیده جدول (۱) بسیاری از مسائل پنهان اجتماعی، اقتصادی کشورهای مورد مطالعه را آشکار می سازد. با این حال در ارزیابی و مقایسه هر شاخص برای هر کشور باید به مسائل گوناگونی توجه شود، زیرا هر یک از این کشورها دارای ساختار اجتماعی و اقتصادی مخصوصی اند که آنها را از کشورهای دیگر متمایز می سازد، برای مثال، می توان به کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد که از نظر بنیانهای اقتصادی در زمان حال وضع ناپایداری دارند^۷، در حالی که از نظر نسبت افراد باسواد، دانشمند، متخصص و کاردان فنی از بسیاری کشورها جلوترند.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند آمارهای ارائه شده در جداول مختلف، در سال ۹۵-۱۹۹۴ را سازمان ملل متحد منتشر کرده است، لیکن غالب اطلاعات آماری آن در سال ۱۹۹۲ گردآوری شده است که از آن سال تا کنون کشورهای مورد مطالعه افزایش چشمگیری در تعداد جمعیت داشته اند. ارقام جمعیتی جدول شماره (۱) مربوط به سال ۱۹۹۲ حذف و به جای آن از ارقام جمعیتی نشریه The State of World Population, 1995 که از طرف بنیاد جمعیت سازمان ملل متحد اخیراً منتشر شده، استفاده گردیده است.

فاصله گرفته اند و در مقابل، درصد قابل ملاحظه ای از جمعیت آنها به مسائلی چون: فساد اخلاق، اعتیاد، طلاق، عدم پای بندی به اصول و ارزشهای خانوادگی، ازدواجهای غیرقانونی، نامشروع بودن فرزندان، قتل، تجاوزات جنسی، انتشار بیماریهای مقاربتی و از جمله ایدز، ترک خانواده، سقط جنین و مسائل گوناگون دیگر مبتلا اند که این ویژگیها طبقه مشخصی از ضوابط خاص آنها را تشکیل می دهد.^۶

از آنجا که موضوع این مقاله تحلیلی بر مقایسه گزیده ای از شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار^۸ آن است بنابراین شاخصهای انتخابی در مورد آنها به میزان زیادی مشترک است و این عامل تا حدودی از پیچیدگیهای این مقایسه می کاهد. خوشبختانه آنچه در مورد تعدادی از ویژگیهای کشورهای توسعه یافته بیان شد، در ارتباط با کشورهای همجوار و ایران به ثبت نرسیده است.

در گروه کشورهای مورد مطالعه، ترکمنستان و آذربایجان در نتیجه استقلال تازه به دست آورده خود با بقیه کشورهای همسایه ایران دارای تفاوتهایی اند که محدودیت آماری در مورد آنها این تحقیق را با مشکلاتی روبه رو می سازد. فقدان آمارهای لازم از علل عمده و قابل ذکر در این خصوص است که این کشورها به سبب الحاق و پیوستگی با کشور شوروی سابق فاقد آمارهای جداگانه بوده اند. با این حال برای بررسی و انجام دادن این مقایسه سعی شده است تا

جدول ۲: گروه دوم شاخص های توسعه انسانی

شاخص	سال	آذربایجان	افغانستان	ایران	پاکستان	ترکمنستان	ترکیه	عراق
امید به زندگی در هنگام تولد	۱۹۹۵	۷۱٫۵	۴۵٫۵	۶۹٫۶	۶۴	۶۸	۶۶٫۸	۶۸٫۵
درصد دسترسی به خدمات درمانی	۱۹۸۵-۹۱	—	۴۸	۸۷	۹۰	—	—	۹۹
درصد دسترسی به آب سالم	۱۹۹۵	—	۲۱	۸۹	۵۶	—	۹۲	۹۳
درصد دسترسی به بهداشت	۱۹۸۸-۹۱	—	—	۵۱	۲۴	—	—	۷۰
درصد دسترسی به کالری روزانه از مقدار مورد نیاز	۱۹۸۸-۹۰	—	۷۶	۱۳۴	۱۰۱	—	۱۲۴	۱۳۳
درصد ثبت نام شدگان ابتدایی و متوسطه در مراکز آموزشی	۱۹۹۵	—	۱۵٫۵	۸۵	۳۱٫۵	—	۸۱٫۷	۶۷
درصد باسوادان بزرگسال	۱۹۹۵	—	۲۹	۶۶	۳۴	—	۸۲	۶۳
کل درآمد ناخالص ملی (میلیارد دلار)	۱۹۹۲	۱۲	—	۱۳۳٫۸	۴۹٫۹	۶	۱۰۴	—
تولید سرانه ناخالص (دلار)	۱۹۹۲	۷۳۷	—	۱۹۰۰	۳۹۶	—	۱۹۳۰	۲۵۳۹
درصد رشد سرانه ناخالص در سال	۱۹۹۱	—	—	-۱٫۳	۳٫۲	—	۲٫۹	—
تولید سرانه واقعی به (دلار)	۱۹۹۱	۳۶۷۰	—	۴۶۷۰	۱۹۷۰	۳۵۴۰	۴۸۴۰	—

مآخذ

- 1- The State of World Population 1995, United Nations Population Fund.
2. Country Human Development Indicators, United Nations 1994.

اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار است. سایر کشورهای مورد مطالعه که نام آنها در جدول شماره (۱)، آمده است بخشهای جدا شده ای از کشورهای وسیع و بزرگ امپراطوری های ایران و عثمانی اند که دول استعماری از این دو امپراطوری مجزا کرده اند و از اوایل قرن بیستم تا کنون تدریجاً استقلال یافته اند. با آنکه این کشورها در زمان حال مستقل اند، اما وابستگی سیاسی و اقتصادی آنها به قدرتهای جهانی مانع بزرگی در راه توسعه آنهاست، و از این نظر ناچار به تحمل شداید و محرومیت های زیادی اند. در میان این کشورها پاکستان از حیث جمعیت و ایران از نظر وسعت و درآمد ملی مقام های اول را دارند و دو کشور آذربایجان و ترکمنستان از حیث بهره مندی از خدمات عمومی و توسعه آموزش عالی در بین سایر کشورها جایگاه خاصی دارند. افغانستان و پاکستان از نظر مرتبه توسعه انسانی در بین ۱۷۳ کشور جهان و نیز کشورهای مورد بحث در این مقاله دارای رتبه های پائین و کشورهای آذربایجان، ایران، ترکمنستان، ترکیه و عراق دارای رتبه متوسط اند^۹. کشورهای ترکیه، آذربایجان و ترکمنستان به ترتیب با ۶۸، ۷۱ و ۸۰ امتیاز در ردیف های اول تا سوم و ایران، عراق، پاکستان و افغانستان به ترتیب با ۸۶، ۱۰۰، ۱۳۲ و ۱۷۱ امتیاز ردیف چهارم تا هفتم را به خود اختصاص داده اند^{۱۰}. این وضعیت نشان می دهد که از ۷ کشور مذکور چهار کشور ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و ایران

تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار آن
 شاخصهای گروه اول توسعه انسانی نام می بریم، بیان کننده توسعه حقیقی اقتصاد کشورهای مورد مطالعه نیستند، زیرا هر یک از این کشورها تا گذشته ای نه چندان دور زیر سلطه دول استعمارگر بوده و مجالی برای بهره گیری از امکانات طبیعی و انسانی خود نداشته اند. در بین کشورهای معرفی شده تنها کشور پایدار در طول تاریخ قدیم و جدید، ایران است که تا قبل از اسلام قدرتی بلامنازع در قاره های قدیم بوده و پس از اسلام تا قرن ۱۵ میلادی، دولتی قوی در سطح منطقه بوده است. در بین سایر کشورها، ترکیه نسبت به کشورهای مورد مطالعه دارای سابقه ای طولانی تر است و حیات سیاسی آن از قرن ۱۵ میلادی به بعد شروع می شود و تا ابتدای قرن بیستم که بر اثر سوء سیاست های ملی و نفوذ استعمار انگلیس تجزیه شد، رقیبی متخاصم برای ایران بوده و در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا کشوری متجاوز و توسعه طلب به شمار می آمده است.
 ترکیه کنونی بخش کوچکی از امپراطوری مقتدر عثمانی در پنج قرن گذشته است که اکنون در بین کشورهای همجوار خود از موقعیت

از نظر رتبه توسعه انسانی در نیمه اول مجموع کشورهای جهان و سه کشور عراق، پاکستان و افغانستان در نیمه دوم این مجموعه قرار دارند.

اگر مقیاس صفر تا یک را ملاک توسعه انسانی قرار دهیم، نوسان این کشورها زیادتر خواهد بود و موقع آنها در کسره‌های زیر جای خواهد گرفت. ترکیه با ۰٫۷۳۹، آذربایجان با ۰٫۷۳۰، ترکمنستان با ۰٫۶۹۷، ایران با ۰٫۶۷۲، عراق با ۰٫۶۱۴، پاکستان با ۰٫۳۹۳ و افغانستان با ۰٫۲۰۸ در جایگاه‌های اول تا هفتم قرار گرفته‌اند.^{۱۰}

تولید ناخالص ملی منهای رتبه توسعه انسانی نیز، شاخص دیگری برای ارزیابی کشورها از جهت پیشرفت اقتصادی، اجتماعی محسوب می‌شود. در این مورد نیز کشورهای ذکر شده با یکدیگر هماهنگ نیستند. ایران با ۹۷، ترکیه با ۹۵٫۸، پاکستان با ۴۰٫۲ میلیون دلار در درجه اول اهمیت قرار دارند و برای کشورهای دیگر در این زمینه درآمدی اعلام نشده است.^{۱۱}

وضعیت توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار آن در مقایسه با یکدیگر با گروه دوم شاخصهای توسعه انسانی (جدول ۲) که مبین مسائل بهداشتی، درمانی و موضوعات اقتصادی است آشکارتر خواهد شد.

■ شاخصهای گروه دوم توسعه انسانی

با آنکه در کتب و نشریات گوناگونی که از طرف ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد منتشر می‌شود، آمارهای مفید و دست اول در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد، لیکن به علل گوناگون اطلاعات و آمارهای جمع‌آوری شده فراگیر نیستند و از این نظر موضوعات تحقیقی با مشکلات چندی روبه‌رو می‌شود. چنانکه در جدول (۲) ملاحظه می‌شود بخشی از آمارهای مربوط به کشورهای آذربایجان، افغانستان، ترکیه، عراق و ترکمنستان عرضه نشده است. از آنجا که کشورهای آذربایجان و ترکمنستان اخیراً به جمع کشورهای مستقل پیوسته‌اند، نظام اداری آنها هنوز روال خود را پیدا نکرده‌اند و بنابراین، نمی‌توان چنین وضعی را نشان از عدم همراهی آنها با سازمانهای مختلف دانست. اما در مورد سایر کشورها باید گفته شود که گاهی اوقات آمارهای جمع‌آوری شده کشورها سبب تضعیف موقع آنها در بین کشورها و مجامع مختلف بین‌المللی می‌شود. از این رو کشورهایی که با مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی در درون خود روبرو هستند برای اینکه، مجامع مختلف از وضعیت این کشورها بی‌اطلاع باشند از عرضه آمارهای ناهنجار خود به ارگانهای مسئول خودداری می‌کنند

و به این طریق بر نواقص و نارسائیهای مختلف خود سرپوش می‌گذارند.^{۱۲} در پاره‌ای موارد نیز آمارهای داده شده با غللو و گزافه‌گویی همراهند و وقتی که با ارقام و اطلاعات جانبی سنجیده می‌شوند با حقیقت فاصله زیادی پیدا می‌کنند. با آنکه سعی شده است تا در این زمینه بررسیهای بی‌طرفانه از اطلاعات آماری شاخصهای ارائه شده در جداول به عمل آید، لیکن عدم انطباق داده‌های آماری قضاوت در بررسی را با مشکل روبرو می‌سازد. در این زمینه خوانندگان می‌توانند به ارزیابی ارقام موجود در جداول پردازند و اظهار نظر کنند. (جدول شماره ۲).

■ امید به زندگی در هنگام تولد

از بررسی جدول شماره (۲) معلوم می‌شود که امید به زندگی در هنگام تولد، در بین کشورهای مورد مطالعه دارای نوسان شدیدی است. افغانستان با ۴۵٫۵ سال امید به زندگی دارای پائین‌ترین میزان امید به زندگی در میان کشورهای مورد مطالعه است. چنین طول عمر کوتاهی، نشان‌دهنده وضع نابسامان اقتصادی، پائین بودن امکانات درمانی و بهداشتی، فقر عمومی، کم‌غذایی و سوء تغذیه و سرانجام مرگ و میرهای زودرس در بین توده‌های زیادی از جمعیت این کشور است. پس از افغانستان، پاکستان با حدود ۲۰ سال اختلاف نسبت به آن کشور دارای امید به زندگی بیشتری است. پاکستان نیز نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه سرمایه و امکانات اقتصادی پائین‌تری دارد.

نیروی کار غالب هر دو کشور را کشاورزی و دامپروری سنتی تشکیل می‌دهد. فقدان سرمایه برای تأمین ماشین‌آلات مدرن کشاورزی، و عدم کاربری تکنیک و تخصص، نمک‌زایی وسعت زیادی از زمین و در نتیجه بازده پائین فعالیتهای کشاورزی و دامپروری جمعیت این کشورها را دچار کم‌غذایی، سوء تغذیه و در آخر بی‌غذایی کرده است. اختلافات فرقه‌ای، سیاستهای استعماری و فقر فرهنگی از عوامل مانع در توسعه این کشورهاست.^{۱۳}

آذربایجان، ایران، عراق، ترکمنستان و ترکیه، از دیگر کشورهای مورد بحث هستند که به ترتیب دارای امید به زندگی بیشتری‌اند. درآمدهای نسبتاً کافی، توسعه امور درمانی و بهداشتی، کیفیت نسبتاً مناسب آموزش، تعداد قابل ملاحظه افراد آموزش دیده از عوامل عمده امید به زندگی بالاتر در این کشورهاست.

آذربایجان با متوسط ۷۱٫۵ سال امید به زندگی در هنگام تولد، در بین سایر کشورهای مورد مطالعه، مقام اول را دارد و در مقایسه با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان حدود پنج سال امید به زندگی کمتری دارد. این کشور، که استقلال خود را پس از تجزیه شوروی سابق به دست آورده است، این موفقیت را مدیون دو عامل: (۱) موقعیت جغرافیایی و (۲) بهره‌مندی از برنامه ریزی موفق آموزشی و بهداشتی



است. مردم فقفاز اساساً از نظر طول عمر در بین سرزمینهای همجوار در سطح بالاتری قرار دارند که عوامل مؤثر بر آن در خور بحث و تحقیق دیگری است.^{۱۱}

■ درصد دسترسی به خدمات درمانی

نسبت دسترسی مردم کشورهای مورد مطالعه به خدمات درمانی دارای نوسان زیادی است. افغانستان در مقایسه با شش کشور دیگر با محرومیت‌های بیشتری روبروست. بر اساس آنچه در جدول شماره ۲ منعکس است فقط ۴۸ درصد از جمعیت افغانستان به خدمات درمانی دسترسی دارند. عقب افتادگی فرهنگی، سلطه استعماری، اشغال نظامی توسط شوروی در دو دهه اخیر، و منازعات درون گروهی، از عوامل عمده فقر درمانی در افغانستان است. بعد از افغانستان، ایران با ۸۷ درصد از جمعیت خود که توان دسترسی به خدمات درمانی را دارند، در جایگاه دوم قرار دارد. این سرزمین به رغم وجود بنیانهای فرهنگی استوار که از تاریخ باستان تا سده های اخیر داشته است بر مشکلات درمانی خود فائق نیامده است. نفوذ فرهنگ استعماری، فرار مغزها، عدم توسعه مراکز بهداشتی و درمانی تا این اواخر و بالا بودن هزینه های بهداشت و درمان از موانع عمده فراگیر نبودن خدمات درمانی است.

مطابق جدول شماره ۲، کشورهای پاکستان و عراق در مقایسه با افغانستان و ایران از موقع مناسبتری بهره مندند. شکی نیست که در این زمینه در مورد این دو کشور و مخصوصاً پاکستان اغراق وجود دارد. چنانکه از این جدول برمی آید، پاکستان در تمام زمینه ها از ایران به طور چشمگیر عقب تر است و بنابراین نمی تواند از نظر خدمات درمانی از ایران جلوتر باشد. به هر حال این دو کشور به ترتیب با ۹۰ و ۹۹ درصد از جمعیت قادر به دسترسی به خدمات درمانی نسبت به کشورهای که در مورد آنها آمارهایی عرضه شده است وضع بهتری دارند. هر چند آذربایجان، ترکمنستان و ترکیه در این زمینه آمار ندادند ولی به سبب توسعه آموزش عالی در این کشورها و فراگیر شدن امور آموزشی در بین زنان و مردان، موفقیت آنها در پوشش دادن به جمعیت غیر قابل انکار است.

■ دسترسی به آب سالم

ایران و همسایگان آن از نظر دسترسی به آب سالم نیز با یکدیگر تفاوت‌های آشکاری دارند. در این زمینه آذربایجان و ترکمنستان مانند پاره ای از زمینه های دیگر آماری عرضه نکرده اند^{۱۵}. افغانستان با ۲۱ درصد از جمعیت قادر به دسترسی به منابع آب سالم، در پائین ترین سطح، در میان کشورهای مورد بحث قرار دارد. از علل عمده این نسبت پائین می توان به عدم سرمایه گذاری در توسعه تأسیسات مربوط به سالم سازی آنها، کمبود نزولات جوی در بسیاری از قسمتهای این

کشور و فرو افتادگی عمیق رودهای آن اشاره کرد. پاکستان از این حیث نسبت به افغانستان دارای اهمیت و رتبه بالاتری است. با آنکه این کشور در بخش شمالی خود از منابع بسیار غنی آب برخوردار است، اما وجود نمک در سطوح مختلف خاک آن، منابع آب را به میزان زیادی شور می سازد^{۱۶}. از طرفی این کشور قدرت سرمایه گذاری عظیم در ایجاد تأسیسات گسترده آبرسانی و سالم سازی و بهداشتی کردن آب مورد نیاز جمعیت خود را ندارد. در زمان حال فقط ۵۶ درصد از جمعیت پاکستان به آب سالم دسترسی دارند.

کشورهای ایران، عراق و ترکیه به ترتیب با ۸۹، ۹۲ و ۹۳ درصد از جمعیت خود که دسترسی به آب سالم دارند، بعد از کشورهای افغانستان و پاکستان قرار گرفته اند. در بین سه کشور اخیر بخشهای وسیعی از کشورهای ایران و عراق به سبب موقعیت بیابانی منابع آب کافی ندارند. بنابراین، گسترش تأسیسات آبرسانی به نقاط دور افتاده این دو کشور نیاز به سرمایه گذاری زیاد و صرف زمان بیشتری دارد. با آنکه در ایران در دو دهه اخیر تلاش زیادی برای احداث سد های بزرگ و کوچک به عمل می آید، اما اساساً این کشور به علت موقع جغرافیایی خود از سرزمینهای کم آب جهان محسوب می شود. با این حال تردیدی نیست که با اتمام سد های در دست احداث و تأسیسات آبرسانی در صد بیشتری از جمعیت ایران زیر پوشش شبکه های آبرسانی قرار خواهند گرفت.

به طوری که اشاره شد بخش وسیعی از کشور عراق نیز مانند ایران بیابانی است، لیکن از آنجا که اکثریت جمعیت این کشور در جلگه بین النهرین که آب رود های دجله و فرات آن را مشروب می کنند، ساکن اند، تأسیسات آبرسانی قادر به پوشش دادن غالب آنهاست^{۱۷}. سرزمینهای کوهستانی این کشور، که در شمال و شمال شرقی آن قرار دارند، از نظر دریافت نزولات جوی موقعیت ممتازی دارند و رودهایی هم که از ایران به طرف این کشور جریان می یابند در تأمین آب مورد نیاز ساکنین این نقاط نقش زیادی دارند.

در میان کشورهای مورد مطالعه، ترکیه دارای بالاترین درصد جمعیت استفاده کننده از آب سالم است. بر اساس آمار داده شده از طرف سازمان ملل متحد ۹۳ درصد از مردم این کشور به آب سالم دسترسی دارند. از علل عمده این موضوع باید قرار گرفتن این کشور را در بین دریا های سیاه، مرمره و مدیترانه دانست. از آنجا که مرکز جغرافیایی این کشور با دریا های همجوار فاصله چندانی ندارد، ریزشهای جوی در این کشور در مقایسه با کشورهای همجوار نسبتاً زیادترند و در تأمین منابع آب مورد نیاز آن نقش عمده ای دارند. از طرفی، وسعت ترکیه در حدود $\frac{1}{4}$ مساحت ایران است و تأسیسات بهسازی محیط و تأمین آب سالم برای جمعیت آن در مقایسه با ایران با هزینه بسیار پائین تری امکان پذیر است.

نویسنده: یان. ای. بروکس
ترجمه: دکتر علی خورشید دوست
گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه تبریز

ژئومورفولوژی اقلیمی ایران شواهد ژئومورفولوژیک دگرگونیهای اقلیمی در ایران طی بیست هزار سال گذشته

(قسمت آخر)

پدیده های کارستی

پدیده های کارستی آنهایی هستند که در وهله اول طی فرآیندهایی در سنگهای قابل انحلال به وجود می آیند و در وهله دوم بستگی به انحلال سنگ مادر در حضور آب زیرزمینی فعال از نظر شیمیایی دارند. اشکال و پدیده های مورفولوژیکی نواحی و کارستی عبارتند از غارها، ستونها، گذرگاههای زیرزمینی، مجاری کوچک و سوراخ مانند در سطح زمین برای فرو رفتن آب، و دره های کور و بسته. رسوبات نوع تبخیری، قله سنگهای به وجود آمده در سطح یا در درون غارها و بقایای مواد دانه ریز حاصل از هوازدگی، در اثر سیستم های درونی و بیرونی غارها پدید آمده اند. بیشتر پدیده های مذکور دارای آثار و بقایای محیطهای اقلیمی باستانی می باشند و به ویژه گویای نوسانات اقلیمی و مواد حاصله از آن در خلال اقلیمهای سردتر یعنی پیدایش قله سنگهای سطحی و تشکیل لوم در اثر هوازدگی شیمیایی در طی دوره های اقلیمی گرمتر می باشد. علیرغم گسترده گی و احاطه زمینهای کربناته و آهکی در کوهستانهای غربی و مرکزی زاگرس ایران، و فراوانی دسترسی به

پناهگاههای سنگی و به واسطه کمبود دسترسی به سیستمهای غاری زیرزمینی تنها یک مورد پژوهش (والهم و اد^{۶۱}، ۱۹۷۳) انجام گرفته که به مفهوم اقلیم دیرینه در آن پرداخته شده است. در عین حال پژوهش فوق نیز از فقدان کنترل زمانی بر توالی دوره های زمین شناسی رنج می برد.

میر (۱۹۷۸)^{۶۲} موفق به شناسایی پهنه های بزرگ «دولین» بر فراز فلات آهکی - بلورین کرتاسه در بلندی ۲۴۰۰ متری در نزدیکی روانسر به فاصله ۸۰ کیلومتری شمال کرمانشاه شد. دولین های منفرد به عمق ۴۰ متر تا وسط پوشیده از قله سنگهای دیواره ای (واریخته) و یا مختلط با لوم «تراروزا» بودند. همچنین شکافهایی که رو به آسمان باز شده اند، به موازات شیب یا عمود بر آن در سنگ آهک حل شده اند و رسوبات تبخیری را در کف و سقف تشکیل داده اند. میر (۱۹۷۸) تخمین زد که از زمان تشکیل این ستونها که امروزه یخهای دائمی در عمق ۳۰ تا ۶۰ متری را دربر گرفته اند، سطح کنونی به میزان تقریباً ۳۰ متر کاهش یافته است.

والهم و اد (۱۹۷۳) در همان منطقه پدیده های کارستی سطحی

مرحله	فرآیند تکوین مجاور سطحی	فرآیند تکوین در سطح
۷ (جدیدترین)	رودخانه کوچک و فرسایش نیافته. پیدایش مقداری استلاکیت و شیارهای دیواره‌ای. رسوبگذاری گل و لای مربوط به مرحله ۲ بر دیواره‌ها (احتمالاً همچنین مربوط به مرحله ۳).	غیرفعال
۶	کاهش فرسایش. پرشدگی حفره‌ها و گودبهای تشکیل شده در مراحل ۵ و ۳ با مقداری از رسوبات.	رودخانه پسروی کرده باعث باز شدن دهانه ورودی غار می‌شود.
۵	فرسایش و ایجاد گودال در بخش اعظم قسمتهای پر شده مرحله چهارم. آخرین مرحله فرسایش اساسی.	بریدگی بیشتر سیستم دره‌ای سطحی
۴	رسوبگذاری حواشی رسوبات آواری در چاله‌ای که در مرحله ۳ تشکیل یافته است. در بعضی قسمتها رسوبات دانه ریز به سمت بالا رانده شده‌اند.	تراکم و انباشت مواد آواری و توقف توسعه دولین
۳	فرسایش سوراخها و چاله‌ها توسط رودخانه کم فعاثر	بریدگی بیشتر سیستم دره‌ای سطحی
۲	رسوبگذاری استلاکیت‌های بزرگ و ته نشست رسوبات غاری در مجرای تشکیل یافته پیشین.	تراکم و انباشت مواد آواری و توقف توسعه دولین
۱ (قدیمترین)	فرسایش گذرگاههای بزرگ و بلند در طول تمام سیستم در یک منطقه اشباع نشده	فاز اصلی انحلال دولین و فرسایش دره سطحی

جدول ۶: مراحل توسعه تشکیلات کارستی کوه پرو، کرمانشاه (از: والهیم واد، ۱۹۷۳)

و راس، ۱۹۷۹)^{۶۵} و سواحل مکران (به وسیله پیچ و دیگران، ۱۹۷۹؛ اسپند، ۱۹۷۰؛ ویتافینزی، ۱۹۷۹) مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش ایرانی حوضه خلیج فارس در اثر وجود یک منطقه فعال کوه‌ها در زمینی ناهموار عقب نشینی کرده و به وسیله رودخانه‌های کوتاه تا متوسط (از نظر طول) تغذیه می‌شود که به حوضه‌های خشک و نیمه خشک سرازیر می‌شوند. این رودها رسوبات آواری ناشی از فرسایش را حمل می‌کنند و موجب افزایش رسوب متراکم آهکی می‌گردند که از ویژگیهای تشکیل آن آب و هوای بیابانی حوضه، عمق کم (کمتر از ۱۰۰ متر)، شکل بسته و محصور (مدخل آن در تنگه هرمز دارای ۵۰ کیلومتر پهنا می‌باشد) و چرخه محدود را می‌توان نام برد. علاوه بر این، بادهای قوی و مسلط شمال غربی که از سمت جلگه بین النهرین می‌وزند، مقادیر معتدلی از گردوغبار کربناته و آوار دانه ریز را به حوضه حمل می‌کنند (کوکل و سعدالله، ۱۹۷۳)^{۶۷}. در حالیکه شکل گیری کلی خلیج فارس در اثر حرکات کوهزایی زاگرس در خلال دوره پلیو-پله‌نیستوسن بوده است، عواملی از قبیل فرونشینی مداوم محلی، تمایل و کج شدگی، بر خاستگی (کسلر، ۱۹۷۳)^{۶۸}، بایستی حوادث ثبت شده بعدی مربوط به پله نیستوسن را تحت تأثیر قرار داده باشد و این عوامل در اینجا مرتبط با پژوهش ما می‌باشند. سرانجام، نوسانات سطح دریا در پله نیستوسن که ناشی از انتقال مواد یخچالی و اقیانوسی بین قاره‌ها و اقیانوسها به آن بوده (فارل و کلارک، ۱۹۷۶؛ مورنر، ۱۹۷۶)^{۶۹} تأثیر و نفوذ خود را بر اشکال و رسوبات دریایی اعمال داشتند (کسلر، ۱۹۷۳).

شواهد موجود درباره تپه‌های ماسه‌ای، پرتگاههای ساحلی و رسوبات کم عمق زیر آب و در کف خلیج فارس در عمق ۱۱۰ تا ۱۱۵

و زیر سطحی بزرگ مقیاسی در کوه پرو^{۶۲} واقع در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه را گزارش کرده‌اند. یک سیستم گذرگاهی زیرزمینی متشکل از غارها و ستونها در عمق ۷۵۰ متری یافت شده. ویژگیهای مورفولوژیکی و رسوبی این سیستم و همچنین ویژگیهای موجود در سطح آن نشانگر توسعه هفت مرحله‌ای پیوسته‌ای می‌باشند که در جدول ۶ به طور خلاصه آورده شده‌اند. به خاطر فقدان هر گونه تفسیر مستقیم اقلیم دیرینه درباره توالی و پیوستگی مذکور و عدم انجام تعیین سن به روش رادیو کربن و سری اورانیوم، در اینجا فقط اشاره‌ای به آنها می‌شود.

تولید سطحی یا مجاور سطحی قله سنگها در این اراضی در اثنای دوره‌های دمایی خنک، بیشتر بوده است. در طی دوره‌های سرد، آبهای حاصل از ذوب برفها در سطح نفوذ می‌کرده و فرسایش ستونها و گذرگاههای زیرزمینی را به همراه داشته است. تشکیل خاکهای تراورزا با دماهای گرمتر و پوشش گیاهی پروامت هماهنگ بوده است. بنابراین انتظار می‌رود ارتباطی بین مراحل فرسایش سطحی و مجاور سطحی و پیدایش قله سنگهای آواری با دوره‌های سرد وجود داشته باشد. در کوه پرو (جدول ۶) به نظر می‌رسد.

مراحل ۱، ۳، و ۵ نشانگر دوره‌های اقلیمی سرد و مراحل ۲، ۴، ۶، و ۷ بیانگر دوره‌های اقلیمی گرمتر باشند. از آنجا که مرحله ۵ آخرین فاز فرسایش مؤثر بوده، امکان دارد این مرحله مربوط به دوره یخچالی و ورم فوقانی (یعنی ۱۳ تا ۲۰ هزار سال پیش) باشد.

پدیده‌های دریایی

پدیده‌های دریایی پله نیستوسن فوقانی در ایران در ناحیه خلیج فارس (از جانب پارس، ۱۹۷۳؛ سارنتین، ۱۹۷۲؛ استفاز

متری نشانگر آند که در ۲۰ تا ۳۰ هزار سال پیش، دریا به طور کامل از خلیج جدا شده بود و از آن سطح زمین خشکی باقی مانده بود که به وسیله آبهای حاصل از شعبات دجله و فرات زهکشی می شده است. دریا از شانزده هزار سال پیش به اینطرف در قالب یکسری از امواج کوتاه، از این سطح خشکی پیشروی کرده است و در عین حال پسروی اندکی نیز با آن توأم بوده است. خلیج فارس در ۶ هزار سال قبل تقریباً شکل کنونی خود را یافته بود و سطح استاتیک جهانی^{۲۰} دریاها فقط چند متر با سطح کنونی آن اختلاف داشته است. فرونشینی تکتونیکی کف خلیج فارس موجب کاسته شدن پدیده‌های مربوط به خط ساحلی آن زمان به میزان ۳۳- متر در نزدیکی دهانه آن گشته است (کسلر، ۱۹۷۳)، در صورتیکه در آن هنگام بر اثر فعالیت‌های تکتونیکی، پادگان‌های ساحلی به بلندی تقریباً ۲/۵ تا ۶ متر به موازات ساحل بخش ایرانی مکران می رسیده اند (پیچ و دیگران، ۱۹۷۹).

سارنتین (۱۹۷۲) متصور وجود اقلیمی خشک در حوضه‌های ساحلی آبریز خلیج فارس در اثنای پیشروی دریا در کواترنر فوقانی بوده و دلیل آن را فقدان رسوبات فرسایش یافته حاصل از کوه‌های زاگرس بر روی رسوبات دریایی در کف خلیج فارس می داند. اما تحقیقات انجام گرفته به وسیله ویتافینزی (۱۹۷۳) درباره رسوبات آبرفتی در مکران ایران و شبه جزیره مسندم در عمان نشان می دهد که رسوبات مزبور به جلگه ساحلی حمل می شده اند. عدم وجود آنها در کف خلیج فارس نشانه‌ای از ویژگی‌های جلگه ساحلی به عنوان یک منطقه جمع آوری و انباشت رسوبات می باشد.

از آنجا که این موضوع برای نخستین بار از سوی بک (۱۸۳۵)^{۲۱} مطرح شد، مسئله گسترش آبهای دریا به سمت خشکی در خلیج فارس در زمانهای پیش، پژوهشگران زیادی را به سمت خود جلب کرده است. نخستین باستان شناسان با اشتیاق پذیرفتند که یافته‌های زمین شناسی مربوط به دریا در زیر جلگه سیلابی دجله و فرات دلایلی مستند و قابل قبول از نظر تاریخی در ارتباط با استقرار شهرهای «اور» و «عریدو» در ساحل دریا در هزاره سوم بوده اند (ن. ک. لارسن، ۱۹۷۵ ص ۴۳ و ۴۴).

لیزوفالکون (۱۹۵۲) بر پایه تفسیر باستانشناسی پدیده‌های زمین شناسی به این نکته پی بردند که سطح دریا در هزاره چهارم پیش از میلاد بالاتر بوده است (وولی، ۱۹۳۴)^{۲۲}. آنها مشاهده کردند که منطقه دلتا به عنوان یکی از دلایل فرونشینی مداوم محوری برخاستگی

تکتونیکی محلی در امتداد محورهای جانبی طاقدیسی به شمار می رود و بدین ترتیب به عنوان منطقه ای محسوب می شود که دهانه خلیج فارس در طول تاریخ بارها بر روی آن پیشروی و پسروی نموده است. حتی بقایای جانوران ریز دریایی موجود در رسها و سیلتهای تشکیلات حمار (در زیرآبرفتهای بین النهرین) از سوی تنی چند از محققین با شک و تردید برخورد و غیر قابل استنتاج تلقی شده است، زیرا بسیاری از گونه‌های جانوری نمایانگر شرایط شور آبی می باشند که امروزه تقریباً تمام ناحیه دلتا را دربر می گیرد و از نظر وسعت به تندی دچار نوسان بوده و تغییراتی را در آبدهی آب شیرین به وجود می آورند (مک فیدن و ویتافینزی، ۱۹۷۸).

لارسن (۱۹۷۵) و لارسن و اونز (۱۹۷۸) در مطالعات اخیر خویش درباره این موضوع، تمایل به پذیرفتن شواهد زمین شناسی مبتنی بر گسترش تشکیلات حمار در ۲ متر بالاتر از سطح کنونی دریا ۲ تا ۳ هزار سال پیش از میلاد دارند. این موضوع با شواهد و دلایل جهانی در ارتباط با بالا آمدن زیاد سطح آب دریا در هولوسن میانی مطابقت دارد و بیانگر اوج عقب نشینی یخچالها در سطح جهان در دوره‌های بین یخچالی می باشد. پیشروی آبها به میزان تقریباً ± 2 متر را می توان مرتبط با بسته شدن مجاری پست تر و پیدایش حوضچه‌ها و در نتیجه انباشتگی آبرفتها در مجاری حوضه‌ها دانست. پسروی بعدی دریا و گسترش جلگه آبرفتی به سمت دریا با تسریع رسوبگذاری آبرفتها همراه بوده (و منجر به مدفون شدن مکانهای باستانی گشته) است. علت این رسوبگذاری آبرفتی در خوزستان ایران توسط کرکی (۱۹۷۷) مورد بررسی قرار گرفته و تصور می رود ناشی از افزایش رطوبت از ۱۵۰۰ قبل از میلاد به اینطرف و هماهنگی با نوسانات حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و آمایش زمین در خط تقسیم آب کرخه- کارون باشد.

اینگونه تفسیر یکنواخت وقایع، مغایر با دلایل ارائه شده له استرنج (۱۹۶۶) می باشد که معتقد به سیلابهای شدید و ناگهانی (و نه یکنواخت و مداوم) در ۷-۶۳۶ بعد از میلاد بوده است. مورخین عرب سیلابهای مذکور را منشأ پیدایش زمینهای باتلاقی جلگه پست بین النهرین می دانند. از اینرو در شرایطی که امکان رسوبگذاری در خشکی‌های واقع در مسیر دریا^{۲۳} در اثر جریان‌ات کوتاه رودخانه‌ای دجله و فرات در ۴ تا ۵ هزار سال گذشته در مسافتی به طول ۱۵۰ کیلومتر وجود داشته؛ تحت چنین شرایطی نمی توان احتمال تکمیل این فرآیند را تنها به وسیله چند سیلاب ناگهانی مقدور

دانست .

مطالعه شما بسیار متفاوت است .

نتیجه گیری

شواهد و آثار زمین شناسی مربوط به آب و هوای دیرینه شامل مواد هوازده، فرسایش یافته و رسوب یافته حاصل از فرآیندهایی است که توسط عوامل رسوبگذاری، ذخیره و انباشت و نیز جریان رودخانه ای در چرخه هیدرولوژیکی تکامل یافته اند. از آنجا که معمولاً این آثار و علائم در رابطه با دما و بارش به نوبه خود تغییرپذیرند، مشکل بتوان تفاوت یکایک آنها را در مراحل ثبت شده زمین شناسی از هم باز شناخت. این مشکل با بحث مداوم درباره شرایط «بارانی» در رابطه با شرایط یخچالی در ایران و سایر نواحی خشک پیدا شده است. بدیهی است که مدارک ثبت شده دیگری به غیر از اسناد زمین شناسی مورد نیاز است تا بتوانیم عوامل فوق را کنترل و شناسایی کنیم.

به غیر از مدل‌های ادراکی مشکل و تکنیک‌های تحلیلی که انتظار می رود در تحقیقات آینده مورد استفاده قرار گیرند، تلاش برای بازسازی اقلیم دیرینه در ایران بایستی بیشتر در نواحی ای صورت گیرد که تصور می رود اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد. تیم‌های تخصصی می توانند در این نواحی اطلاعات و داده های سودمندی جمع آوری کنند و به حل مسائل گسترده تری پردازند. البته نباید ملاحظات مربوط به مقیاس را نادیده گرفت. خط تقسیم آنها کاملترین قالب و چهارچوب اکتولوژیکی را برای بازسازی اقلیم دیرینه فراهم می کنند. از این میان، خطوط تقسیم آبی که مساحتی به اندازه ۱۰^۴ کیلومتر مربع دارند، بیشتر از همه به کار می آیند زیرا امکان تأمین امنیت مناطق زیستی ارتفاعات را فراهم نموده اند.

ختم مقال اینکه، تشویق در جهت انجام این پژوهش در ایران نتیجه همکاری مستمر بین المللی بوده است. امید آنست که این تحقیق بتواند بهره ای بیش از پیش به ارمغان بیاورد.

سؤال و جوابها

کنچن: لطفاً بگوئید میزان بارندگی در منطقه مورد تحقیق شما در حال حاضر چقدر است؟

بروکس (نویسنده): ۵۰۰ میلیمتر

کنچن: در زاگرس جنوب شرقی که امروزه بسیار خشکتر است، رسوبات دوران چهارم فرسایش نیافته اند. هیچگونه رسوبگذاری سنگ آهک و خاک وجود ندارد. در واقع این منطقه از منطقه مورد

ویتی: شما ذکر کردید که در سال ۱۰۰۰ پس از میلاد رسوبات سنگ نشده گراول وجود داشته اند. آیا ترکیب رسوبات مذکور چیزی از نظر منشأ آنها آشکار نمی کند، اینکه آیا آنها از یک منبع فرعی دامنه ای می باشند یا رسوب یک رودخانه اصلی به شمار می آیند؟
بروکس: رسوبات سنگ نشده از مرزهای مخروط افکنه ها نشأت گرفته اند و تا ۵ کیلومتر از مجاری رودخانه ای فاصله دارند و می توان آنها را در مجاری رودخانه ای و در محور زمینهای کم ارتفاع یافت.
ویتی: بر اساس تحقیق مختصری که اینجانب در افغانستان و شرق ایران انجام داده ام، و با توجه به اینگونه منبع مخروط افکنه ای، دو مورد متفاوت از لغزش گل ولای دیده ام که به سوی پائین دامنه سرازیر شده بودند. به نظر من منطقی است که این فرآیند را (یعنی لغزش) عامل پیدایش رسوبات سنگ نشده دانست. من البته نمی دانم شما دقیقاً چقدر از رأس مخروط افکنه دورتر بوده اید، اما به نظر می رسد که پدیده زمین لغزه را بتوان توضیحی منطقی برای پیدایش این رسوبات دانست.

بروکس: برای رسوبگذاری در امتداد مخروط افکنه هیچ نشانه و یا مکانی وجود ندارد. رسوب سنگ نشده گراول در هر صورت در یک مجرای قدیمی آزاد شده که به تازگی در دیواره مجرای بریده شده دیده می شود، قرار دارد. رسوب مذکور در حاشیه مجاری کمتر و باریکتر می شود و شما نمی توانید آثاری از آن در خارج از مجرای رودخانه بیابید. در چنین حالتی است که درمی یابید واحد V از میان واحد IVb می گذرد. منشأ رسوب سنگ نشده موجود در واحد IVa را بنده رسوبگذاری بار بستر در طی چندین روز پر جریان و پر آب می دانم. من هیچگونه محاسبه ای در مورد عوامل و عناصر هیدرولیکی که برای حمل و نقل موادی به آن درشتی لازمند، انجام نداده ام. درشت ترین مواد موجود در داخل گراول عبارت از سفالهای شکسته شده می باشد. اما از نظر هیدرودینامیک، آنها با سطوح سنگی بسیار تفاوت دارند. اگر شما تکه ای سفال را در نظر بگیرید، می بینید که همانند تکه ای از سنگ لوح به راحتی در اثر غلطیدن حمل و نقل می شود. لیکن ناپستی آنرا فقط مانند یک تکه سنگ گرد و کروی در نظر گرفت تا بتوان معادلات هیدرولیکی را در مورد آن بکار بست. اما عمق آب در شرایط سیلابی تقریباً به ۳ متر می رسیده است (درست همانند امروز) به استثنای اینکه شما رسوب سنگ نشده ای مانند آنچه که امروزه در اثر جریانات سیلابی به وجود

آمده را پیدا نمی کنید. این بدانجهت است که سرچشمه رسوبات سنگ نشده قطع گردیده و در مراحل بعدی بر روی آبرفت‌های رسی-سیلنتی مخروط افکنه های پایکوهی موجود در واحدهای IVb-III-II قرار گرفته است (آن بخش شماره دار و واحدهای مربوطه آن شامل زمینهای پست آبرفتی است). اگر به سمت پایکوه حرکت کنید می توانید همان واحدها را بر روی مخروط افکنه ها ملاحظه کنید. اما آبرفت‌های دانه ریز کجای منطقه پایکوهی را پوشانده است، بنابراین امروزه دیگر گراولی ایجاد نمی شود که توسط سیلابها به سمت پائین دست دامنه ها حرکت کند.

ج. تورز: یکی از بخشهای تحقیق شما نشانگر تراورزای یافت شده است که اینک دارای قطعات آهکی تازه می باشد و به نظر می رسد بخش فوقانی آن بعدها به خاک قهوه ای رنگی تبدیل شده باشد. سوای دلایل منطقی در یک مقیاس بزرگ، چه دلایلی شما را قادر می سازد که آن را تراورزا تشخیص دهید، کما اینکه در نگاه اول به نظر می رسد با خاک سرخ (رس) اشتباه شود؛ منظورم اینست که مثلاً در این رابطه چه روشهای آزمایشگاهی را به کار گرفته اید؟

بروکس: تنها روش آزمایشگاهی بکار رفته، کانی شناسی رس بوده که دقیقاً در خود مکان، نبوده بلکه در قسمت‌های مجدداً رسوبگذاری کرده آن در زمینهای پست آبرفتی انجام گرفته است. تمام تجزیه و تحلیل‌های آزمایشگاهی می بایستی بر روی بخش جوانتر لایه های متوالی رسوب انجام می گرفت، زیرا به دلیل وجود آثار باستانی، مهمترین قسمت برای مطالعه ما نیز محسوب می شده است.

شولز: اگر با توجه به توالی آبرفتی، خاکهای هولوسن میانی و فوقانی در تحقیق شما را در نظر بگیریم، آیا این امکان وجود ندارد که خاک مزبور تنها ماده خاکی حاصل دامنه هاست که دچار فرسایش شده و در خلال مدت بسیار کوتاهی مجدداً رسوب کرده است و دوباره برخی از فرایندهای خاکسازي آنرا تحت تأثیر قرار داده باشد؟ (به نحوی که این خاک فقط می توانسته دوره بسیار کوتاهی از توالی آبرفتی را دربر بگیرد نه دوره ای طولانی تر از زمان توسعه واقعی خاک را)؟

بروکس: اینجانب اطمینان ندارم که افراد مختلف چه روشی را برای شناسایی این فرایندها و یا منشأ آنها به کار می برند.

بنیتلیف: شما معتقدید که دوره فرسایشی پس از پیدایش لومهای زیرین هولوسن با پرشدگی رسوبات گراول و سپس لومهای فوقانی

همراه بوده که هر دوی آنها امکان دارد در ارتباط با تخریب و غارت اعراب و مغولها در منطقه باشد که با رسوبات گراول آغاز شده باشد. اگر روش تعیین سن تی ال را به جهت تجربی بودنش در این مبحث به کنار بگذاریم و فرض را بر این بگیریم که دقتی در کار نبوده، آثار باستانشناسی شما بدون اشتباه $\frac{2}{3}$ دوره هزاره اول پس از میلاد را برای گراول تعیین می کند. آیا این امکان وجود نداشته که گراول و سری خاکها و آبرفت‌های دانه ریز بعدی نشانگر پرشدگی جدیدتر و موردنظر ویتافیزی در دوره مرطوب و سرد باشد که به وسیله مراحل گرمتر و خشکتر منطبق با تغییرات اقلیمی در دوره پس از امپراطوری رم و عصر کوچک یخ به هم خورده باشد؟

بروکس: گمان نمی کنم لازم باشد که در ارتباط با گراولها مسئله عصر کوچک یخچالی را برای آنچه که حاصل یک هفته فعالیت (سیلابی) بوده به میان آورد؛ به عنوان مثال، تحقیقات انجام گرفته در کلرادو (آمریکا) نشان داده که سیلابها بندرت در یک دوره درازمدت می توانند اثراتی به عظمت و اهمیت پدیده های یک مدت زمان کوتاه به وجود آورند.

(پایان)

زیرنویسها:

62. Waltham and Ede(1973)
63. Maire(1978)
64. Parau
65. Purser(1973); Sarnthein(1972); Stoffers & Ross(1979)
66. Page, et al. (1979); Sneed(1970)
67. Kukal & Saadollah(1973)
68. Kessler(1973)
69. Farrel & Clark(1976); Momer(1976)
70. eustatic
تغییر جهانی سطح آب دریا که گویای بالا آمدگی یا کاهش واقعی سطح آب است و حرکات محلی در آن تأثیر ندارد(به عنوان مثال می توان از اثرات ذوب یخهای یخچالها نام برد. م. م.).
71. Beke(1835)
72. Woolley(1934)
73. Progradation

محمد نجار سلیمان

دانشجوی دکتری - دانشگاه تبریز - تبریز

بررسی سینوپتیکی بارش مردادماه ۱۳۷۴ در جنوب و جنوب شرق ایران

مقدمه

به علت جلوگیری از افزایش حجم مقاله نقشه های سطوح ۷۰۰ میلیبار و بعضی نقشه های سطوح ۸۵۰ میلیبار حذف شده و نتایج حاصل از آنها با استفاده از نقشه های سطوح دیگر جوی مورد استفاده قرار گرفته است.

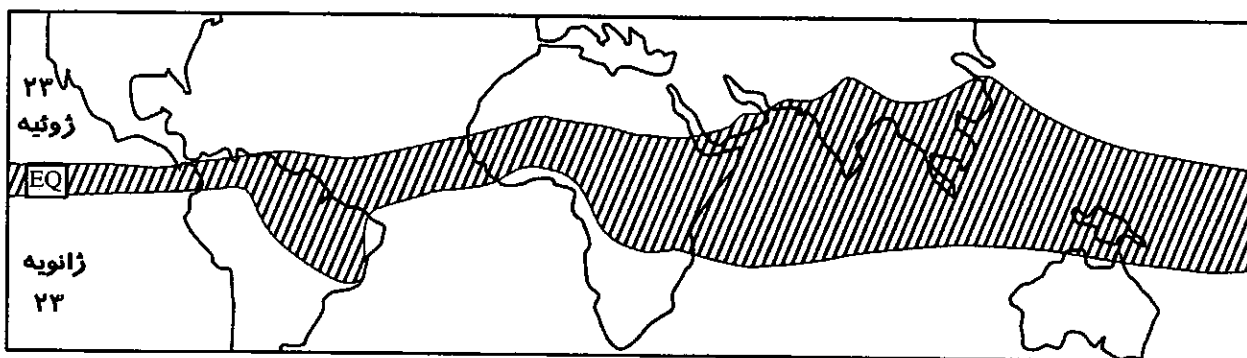
چکیده:

سرزمین ما ایران بین عرضهای جغرافیایی ۲۵ تا ۴۰ درجه شمالی در محدوده منطقه معتدله زمین واقع شده است که سیستمهای فشار جنب حاره ای بر آن اثر می کند. در فصل زمستان سراسر سرزمین ما تحت نفوذ بادهای غربی منطقه برون حاره ای می باشد. در فصل گرم بتدریج فشارهای زیاد جنب حاره ای که با علامت اختصاری STHP مشخص می شوند جایگزین بادهای غربی شده و با خصوصیات ویژه ای که دارند امکان نفوذ توده های هوای سرد را می نمایند. به این دلیل سرزمین ما در تابستانها با آسمانی صاف و بدون ابر و بارش روبرو است. با این حال جنوب شرق کشور، به دلیل مجاورت با منطقه هندوستان از امتیاز نفوذ سیستمهای موسمی (مونسون) تابستانه نیز برخوردار است. سیستمهای موسمی تابستانه از سمت جنوب از روی اقیانوس

موقعیت خاص جغرافیایی جنوب شرق ایران، باعث شده این منطقه از کشور بدلیل دوری از منابع رطوبتی و مسیر جریانات جوی کمتر از نعمت بارندگی برخوردار باشد. آب در این ناحیه از حیاتی ترین عناصر زندگی محسوب می شود. استثنائاً، نزدیکی جنوب شرق ایران به منطقه آسیای جنوب شرقی باعث شده هر از چندگاهی سیستم های مؤثر فشار به این منطقه نفوذ کند این سیستمها که به مونسون یا موسمی ها معروف است با خود رطوبت و بارندگی به همراه داشته و با نفوذ به جنوب شرق ایران اثرات عمیقی بجای می گذارند.

یکی از فعالترین مونسونهای نفوذی به ایران، در تاریخ مرداد ماه ۱۳۷۴ رخ داده است که اثرات بارندگی آن در شمال سیستان و بلوچستان مشهود است. برای بررسی مونسونهای نفوذی به ایران به این نتیجه رسیدم که این سیستم نفوذی را در تاریخ ذکر شده بررسی و مطالعه نمایم.

در این بررسی از نقشه های فشار سطح زمین و سطوح ۸۵۰ و ۵۰۰ هکتوپاسکال استفاده شده است. همچنین در این گزارش آمار بارش از نشریه هفتگی سازمان هواشناسی (موجود در سازمان هواشناسی) استخراج شده است.



موقعیت متوسط ITCZ در ماههای ژانویه و ژوئیه (از فلان (Flohn))

خود در روی رودخانه گنگ در جنوب آسیا قرار می گیرد و دنباله آن در روی دریای عمان و خلیج فارس واقع می شود. بادهای بسامان نیمکره جنوبی برای رسیدن به این کمربند از استوا عبور می نمایند. جهت اولیه آنها جنوب شرقی شمال غربی است که بعد از عبور از استوا در نیمکره شمالی جهت جنوب غربی پیدا می کند و به سمت خشکیهای آسیا برای رسیدن به کمربند همگرایی حاره ای می وزند.^۱ کمربند همگرایی حاره ای به علت صعود هوا در منطقه حاره از سطح زمین تا سطوح بالای اتمسفری به صورت یک منطقه فروبار ادامه دارد ولی در عرضهای بالاتر بر بالای آن نزول هوای زیر پرفشار جنب حاره ای نیمکره شمالی غلبه دارد و بادهای مونسون مجبورند از فضای کم فشار زیر پرفشارهای جنب حاره ای به سمت خشکیها بوزند.

موقعیت متوسط ITCZ در ماههای ژانویه و ژوئیه (از فلان (Flohn))

شمالیترین محل کمربند همگرایی حاره ای در آسیای جنوب شرقی تا مدار ۲۴ درجه شمالی و جنوبی ترین محل آن در اقیانوس هند تا مدار ۲۲ درجه جنوبی است.^۲

موسمی ها در جنوب شرق ایران

سرزمینهای جنوبی کشور به دلیل نزدیکی به خط استوا و منبع رطوبتی اقیانوس هند از سیستمهای موسمی آسیای جنوب شرقی بهره مند می گردد. در فصلی که موسمی ها وارد کشور می شوند سرزمین ما تحت تسلط پرفشار جنب حاره ای قرار گرفته است. ولی بدلیل گرم شدن خشکیها این پرفشار به ارتفاع بالاتر نقل مکان می کند. در میان موسمی هایی که وارد ایران شده اند مردادماه ۱۳۷۴ از ویژگی خاص برخوردار است و آن بدلیل گسترش بارندگی در بیشتر نقاط ایران می باشد. در اینجا به بررسی این سیستم موسمی خواهیم پرداخت.^{۵۲}

هند و دریای عمان به جنوب شرق کشور وارد می شوند و بارندگیهای تابستانه را باعث می گردد. بارندگی مردادماه ۱۳۷۴ منطقه سیستان و بلوچستان از این نوع بارندگیها بوده است. در اینجا ما به بررسی سینوپتیکی موسمی های جنوب شرق ایران به ویژه بارندگی مرداد ۱۳۷۴ خواهیم پرداخت.

مونسون و سیستم گردش موسمی

مونسونهای کره زمین تحت تأثیر جریانهای واقع در مسیرهای بسته ای که در صفحات مداری و نصف النهاری و در مقیاس بزرگ وجود دارند، می باشند. از طریق این جریانات انرژی پتانسیل موجود تبدیل به انرژی جنبشی می شوند. حرکت بزرگ مقیاس مذکور در یک مدار بسته، چنانچه در مسیر نصف النهاری باشند معروف به سلول هدلی (Hadley) است و اگر در صفحه مداری باشد سلول والکر (Walker) معروف است. گرادیانهای حرارتی که در اثر تفاوت بودن مدت لازم برای عکس العمل نشان دادن آب و خشکی نسبت به تابش خورشید به وجود می آیند منجر به ایجاد بادهایی می شوند که در تابستان نیمکره شمالی از دریا به خشکی می وزند و در زمستان نیمکره شمالی از خشکی به دریا.

شاخه های نزولی سلول هدلی، نزدیک و اچرخندهای بزرگ واقع اند. در مورد مونسون تابستانی این شاخه نزدیک پرفشار ماسکارین (۲۰°S - ۵۰°E) در جنوب استوا قرار دارد.

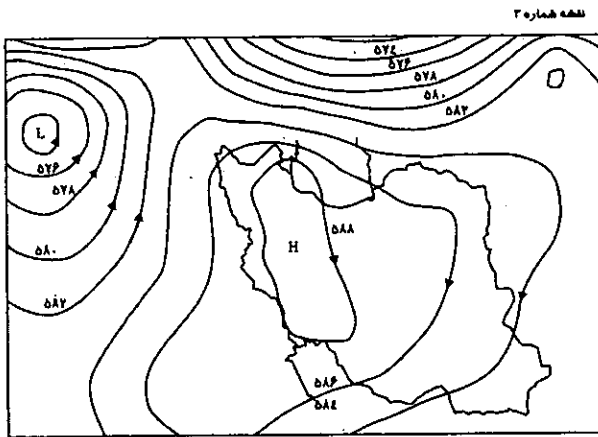
در حالی که شاخه نزولی مونسون زمستانی بر روی یک پرفشار واقع در سبیری می باشد. رژیم موسمی از دریای عمان تا جنوب ژاپن را در برمی گیرد و بارندگیهای تابستانه در این منطقه شدید و طولانی است. مکانیزم ایجاد مونسونها در این ناحیه مربوط به تغییر مکان کمربند همگرایی حاره ای موسوم به ITCZ می باشد. بادهای بسامان از دو نیمکره به طرف استوا می وزند و در منطقه ای نزدیک استوا که به کمربند همگرایی حاره ای موسوم است با هم برخورد می کنند این کمربند در زمستانهای مختلف سال در مکانهای متفاوتی دیده می شود و محدوده نوسان آن ۲۰ درجه عرض جغرافیایی در دو طرف استوا است. در ماه ژوئیه این کمربند در شمالیترین وضعیت

بررسی بارندگی مرداد ماه ۱۳۷۴ در جنوب شرق ایران
جدول زیر میزان بارندگی را که در هفته اول مردادماه ۱۳۷۴ در منطقه سیستان و بلوچستان رخ داده نشان می دهد: ۳

شماره ایستگاه	عاشق	لار	بندرنگه	بم	چابهار	ایرانشهر	بافت	زاهدان	بندریاس	سرفهان
۷۴/۵/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷۴/۵/۲	۱	۲۰	۵/۲	۰	۱۵/۱	۲	۸/۲	۲۳	۰	۰/۱
۷۴/۵/۳	۱/۸	۲/۹	۱/۸	۰	۰	۱/۶	۰	۰	۲/۸	۱/۵
۷۴/۵/۴	۰	۰	۰	۰/۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰

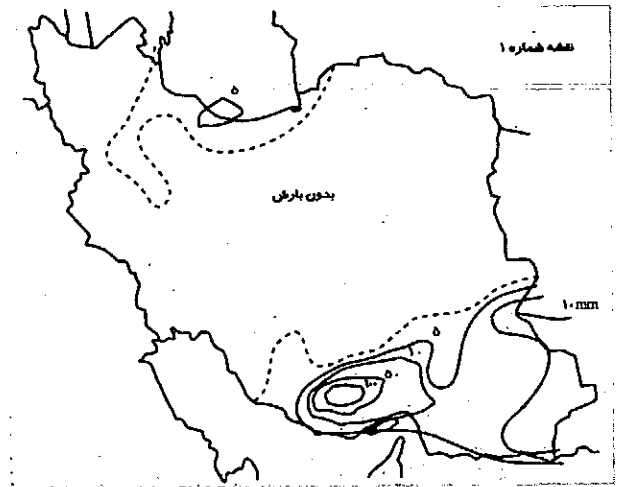
که یک مرکز کم فشار حرارتی بر روی ایران بسته شده است. این سیستم با مرکز ۹۹۴ هکتوپاسکال عامل اصلی صعود هوا بوده است. جریانات هوا در روی نقشه جنوب غربی بوده که از روی دریای سرخ گذشته و پس از عبور از خلیج فارس و دریای عمان رطوبت کافی کسب کرده و از طرف جنوب وارد ایران می شود و با چرخش بر روی ایران صعود می نماید. در شمال ایران یک مرکز پرفشار با کنتور بسته ۱۰۱۰ هکتوپاسکال مشاهده می شود. سیستم فوق هوای سرد عرضهای بالاتر را به سمت جنوب تزریق می نموده است. نفوذ هوای سرد شمال باعث تسریع در صعود هوای مرطوب جنوب غربی می باشد. جریانات جنوب شرقی حاصل از کم فشار ادامه جریان شرقی بر روی پنجاب پاکستان بوده که با جریانات چرخندی جنوب ایران هماهنگ شده و به طرف ایران متمایل شده است. ۲

بررسی نقشه های سطوح مختلف جوی در روزهای فوق، آرایش و مکانیزم مراکز فشار را که باعث این ریزشهای جوی شده نشان می دهد. ۶



نقشه شماره ۳
نقشه سطح ۵۰۰ هکتوپاسکال ۷۴/۵/۱

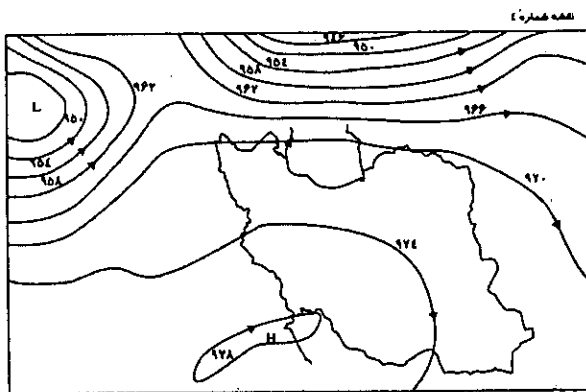
نقشه سطح ۵۰۰ هکتوپاسکال (شماره ۳) یک سیستم پر ارتفاع را با ۵۸۸ دکامتر بر روی غرب ایران نشان می دهد. در قسمت غرب این سیستم روی دریای مدیترانه یک سیستم که ارتفاع شکل گرفته است. نقشه سطح ۳۰۰ هکتوپاسکال نیز (شماره ۴) مانند نقشه ۵۰۰ hP معرف وجود یک سیستم پر ارتفاع در روی منطقه ایران است که مرکز آن نسبت به سطح ۵۰۰ هکتوپاسکال کمی بطرف جنوب غرب



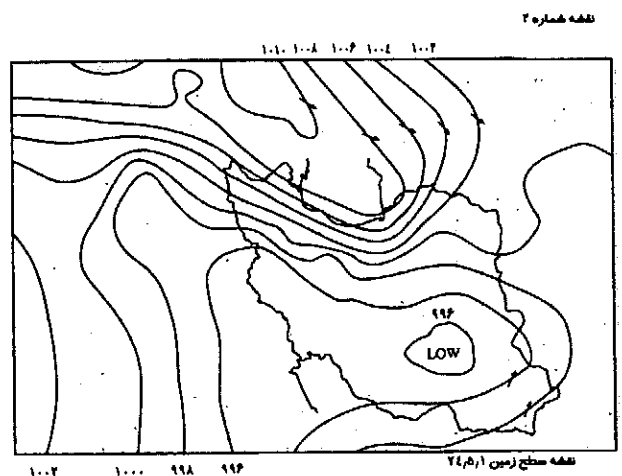
نقشه شماره ۱
توزیع بارش از تاریخ ۷۴/۴/۳۰ لغایت ۷۴/۵/۵

روز ۱۳۷۴/۵/۱

نقشه سطح زمین روز ۱۳۷۴/۵/۱ (نقشه شماره ۲) نشان می دهد



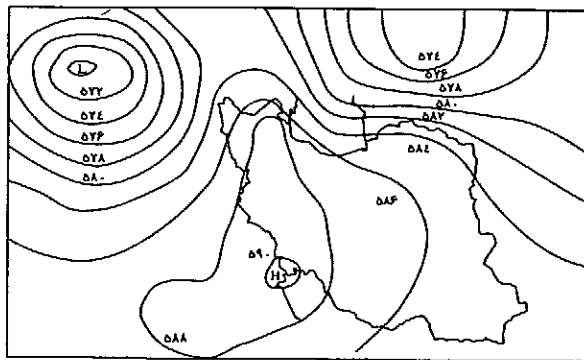
نقشه شماره ۴
نقشه سطح زمین روز ۷۴/۵/۱



نقشه شماره ۲
نقشه سطح زمین ۷۴/۵/۱

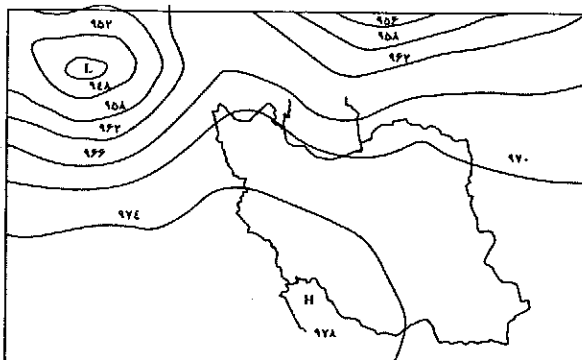
ضعیف تر شده و به طرف عربستان عقب نشینی نموده است. در نتیجه در روز ۷۴/۵/۲ پایداری اتمسفر بالا ضعیف شده و سبب گردیده

کج شده است. استقرار بر ارتفاع در سطوح ۳۰۰ و ۵۰۰ هکتو پاسکالی (حتی پایین تر) مانع صعود هوا و نهایتاً ریزش باران شده است.



نقشه سطح ۵۰۰ هکتوپاسکال روز ۷۴/۵/۲

نقشه شماره ۸



نقشه سطح ۳۰۰ هکتوپاسکال روز ۷۴/۵/۲

است که هوای مرطوب سطح زمین سریعتر صعود نماید و ایجاد بارش کند. مقدار این بارش در داخل خشکی به علت گرمایش بیشتر هوا از ساحل دریا بیشتر است (مقایسه بارش لار با بندرلنگه).

نقشه سطح ۵۰۰ هکتوپاسکال یک مرکز بر ارتفاع را با منحنی مرکزی ۵۹۸ دکامتر در جنوب غربی ایران نشان می دهد و در روی نقشه سطح ۳۰۰ هکتوپاسکالی نیز این بر ارتفاع مشاهده می شود.

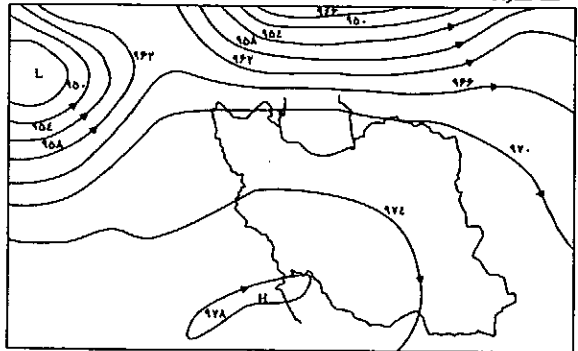
روز ۱۳۷۴/۵/۳

در روی نقشه سطح زمین روز ۷۴/۵/۳ (شماره ۹) مرکز کم فشار گسترده ای جنوب غربی ایران و حتی عربستان را فرا گرفته است. مرکز این کم فشار در جنوب شرقی کشور واقع شده ولی در این بخش از کشور بارندگی در این روز وجود نداشته است. در عوض بندرعباس با ۲۸ میلیمتر بارش و بندرلنگه با ۱۹/۸ میلیمتر شهرستان لار با ۳۹ میلیمتر بارش در خارج از استان سیستان و بلوچستان مشاهده شده اند.

جریانات در سیستان و بلوچستان تقریباً غربی است و ناهمواریهای مقابل آنها در منطقه سراوان باعث ریزش بارش تنها در این شهرستان

روز ۱۳۷۴/۵/۲ بیشترین بارندگی در جنوب شرق کشور رخ

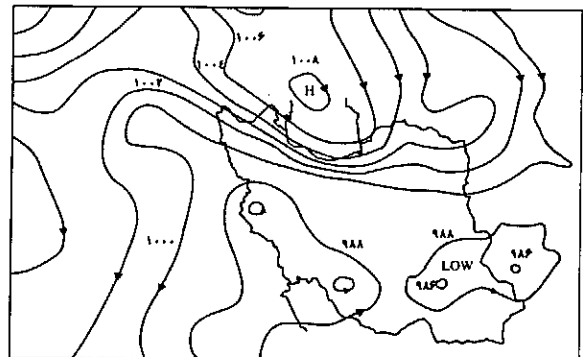
نقشه شماره ۵



نقشه سطح ۳۰۰ هکتوپاسکال روز ۷۵/۵/۱

داده است. بطوریکه ایستگاههای لار ۴۰ میلیمتر، چابهار ۱۵/۱ میلیمتر، ایرانشهر ۴ میلیمتر، زاهدان ۲۳ و بافت ۸/۲ میلیمتر باران را گزارش کرده اند. نقشه فشار سطح زمین (شماره ۶) دو مرکز کم فشار بسته در غرب و شرق ایران را نشان می دهد. مقدار فشار در مرکز کم فشار نسبت به روز گذشته ۲ هکتوپاسکال افزایش داشته و

نقشه شماره ۶



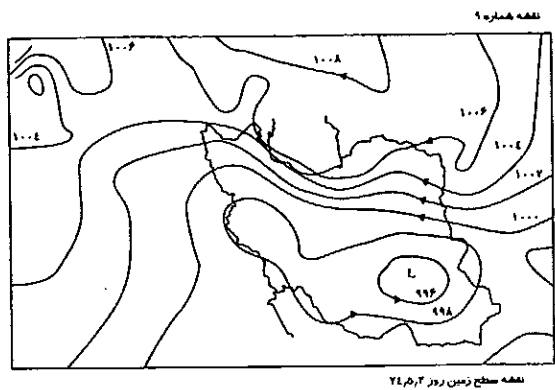
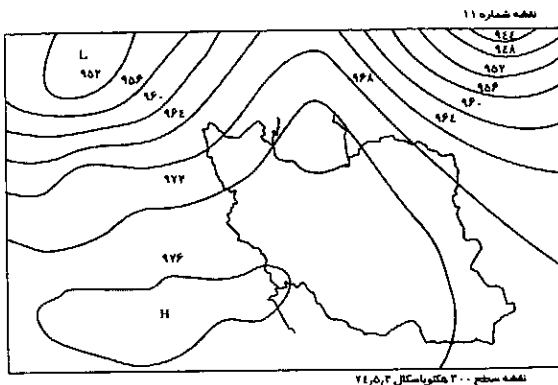
نقشه سطح زمین روز ۷۴/۵/۲

از ۹۹۴ هکتوپاسکال به ۹۹۶ هکتوپاسکال افزایش یافته است. تشکیل این کم فشارها در مجاورت سطح زمین عامل اصلی نفوذ و صعود هوا بوده و به تشکیل ابرهای باران زا منجر شده است.

ریزش باران در روز ۷۴/۵/۲ را می توان به همین علت دانست یعنی هنگامی که بر روی جنوب کشور کم فشار وسیعی شکل می گیرد که تا ارتفاع بالای جو ادامه می یابد. نفوذ هوای مرطوب اقیانوسی به سمت آن فراهم می شود. این نفوذ سبب شده که شهر لار بیشترین میزان بارش را با ۴۰ میلیمتر داشته باشد.

در سطوح ۵۰۰ و ۳۰۰ هکتوپاسکال (نقشه های ۷ و ۸) مرکز بر ارتفاع روز قبلی که در واقع بیانگر بر فشار جنب حاره ای است،

مجله جغرافیای ایران



فلات ایران در استانهای فارس - اصفهان و استانهای جنوبی کشور ایجاد بارندگی نماید. ۷

در فصل گرم سال هرگاه یک سیستم کم فشار حرارتی بر جنوب کشور حاکم می شود می تواند به سیستم کم فشار مونسونی به پیوندد و با کسب رطوبت از جریان هوای منتقل شده از اقیانوس هند و دریای عمان بارندگی ایجاد کند.

بر روی کم فشارهای حرارتی مستقر در منطقه جنوب کشور اثرات پر فشار جنب حاره ای که از سطوح ۷۰۰ هکتوپاسکال به بالا مشخص می شود وجود دارد. این پر فشار مرکز بسته ای در روی ایران داشته است. نفوذ هوای مرطوب موسمی در زیر این پر فشار اتفاق افتاده است. ۳

در دوره مطالعه هجوم موسمی به منطقه ایران ملاحظه شد و بیشترین بارندگی در دامنه سدهای کوهرستانی اتفاق افتاده است. پس از آن در روی جنوب فارس (شهرستان لار) میزان بارندگی بالا بوده است.

ناپایداریهای محلی که در این مناطق اتفاق افتاده به علت وجود ناهمواریها می باشد، که بر اثر برخورد جریانات جوی با آنها ایجاد ناپایداری و صعود هوای می شود، این هوا پس از صعود به حالت اشباع درآمده و بارندگی صورت گرفته است.

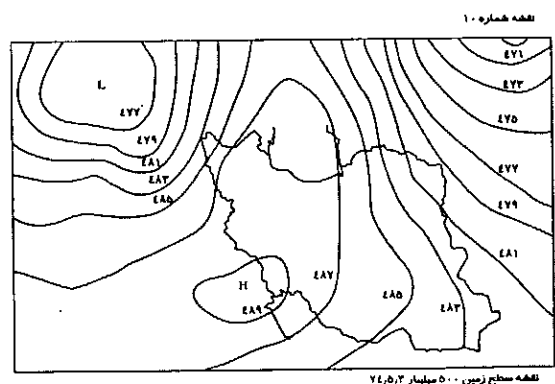
با توجه به جهت وزش باد در روی نقشه ها می توان گفت رطوبت این بارشها خلیج فارس و دریای عمان بوده است.

منابع مورد استفاده:

- ۱- پروند، حسین، اثر مونسون جنوب غربی بر روی ایران - پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران
- ۲- قائمی، هوشنگ، آب و هوای کره زمین جلد اول، ترجمه سال ۱۳۵۷، منطقه حاره ای.
- ۳- نشریه هفتگی سازمان هواشناسی کشور شماره های سریال ۱۱۴۴ و ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲ و ۱۱۴۳.
- ۴- جونیش، حسنعلی، بررسی سینوپتیکی سیل در شهرستان لار در تاریخ ۱۹۹۵/۷/۲۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۴.
- ۵- علیجانی، بهلول، جزوه درسی دانشگاه تربیت معلم یزد، ۱۳۶۸.
- ۶- نقشه های فشار سطوح مختلف جوی سازمان هواشناسی کشور.
- ۷- تقی زاده، حبیب، تحلیلی بر بارندگی مردادماه سال ۱۳۶۶. مجله رشد آموزش زمین شناسی شماره ۱۰، پاییز ۱۳۶۶.

شده است. این جریانات از روی خلیج فارس و دریای عمان عبور کرده و رطوبت اخذ نموده اند. بارش فراوان ایستگاههای ساحلی خلیج فارس این مسأله را تأیید می کند.

نقشه سطح ۵۰۰ هکتوپاسکال (شماره ۱۰) یک پر ارتفاع را با مرکز ۴۸۹ دکامتر بر روی خلیج فارس و جنوب عراق نشان می دهد. گسترش این پر ارتفاع تمام سطح ایران را فرا گرفته است در این روز اولاً ارتفاع پر ارتفاع نسبت به روز قبل کاهش یافته است و ثانیاً خطوط هم ارتفاع بر جنوب ایران فاصله پیدا کرده اند که هر دو عامل سبب پایداری اتمسفری بر بالای منطقه گردیده است این وضعیت در سطح ۳۰۰ هکتوپاسکال تقویت یافته است (شماره ۱۱).



نتیجه گیری:

ITCZ منطقه همگرایی میان حاره ای فصل مشترک دو توده هوای نیمکره شمالی و جنوبی می باشد. در شروع مونسون ITCZ به طرف شمال حرکت کرده و با خط ترف بالای آن همراهی دارد و بهنگام کناره گیری مونسون ITCZ بطرف جنوب حرکت می کند. بارندگی مونسون اساساً با موقعیت ITCZ بستگی دارد. نقاطی نظیر جنوب شرقی ایران که نزدیک به کانون سیستم اصلی کم فشار مونسونی و ITCZ قرار دارند دارای بارندگی تابستانه هستند. هوای خشک حمل شده توسط پر فشارهای عرضهای بالاتر تا نواحی جنوبی کشور در فصل گرم سال می تواند نفوذ کند و به علت وجود ITCZ روی

نقش اکراد



در جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه

(قسمت اول)

(از جنگ اول جهانی تا جنگ خلیج فارس)

حمیدرضا محمدی
دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

در این قسمت بحث عمده در خصوص یکی از مهمترین مسائل جاری خاورمیانه دور می زند، هسته مرکزی این بحث درباره مسأله اکراد جایگاه انسانی و جغرافیایی، جریانات ناسیونالیستی، نیل به استقلال یا حداقل خودگردانی و نقش ابر قدرتها و قدرتهای منطقه ای در بهره برداری از ناسیونالیسم کردی است که در درازمدت تأثیرات عمیقی بر محیط پیرامونی خود بجا خواهد گذاشت.

در حال حاضر بخشهای عمده ای از خاک ترکیه، ایران، عراق و سوریه و قسمتهای پراکنده ای از خاک اتحاد جماهیر شوروی سابق توسط کردها اشغال گردیده است، سرزمینی که اکراد در آن زندگی می کنند تقریباً یک نوار طولانی قوسی شکل با عرض متغیر است که

از شمال‌غربی تا جنوب شرقی یعنی از خلیج اسکندرون تا خلیج فارس امتداد دارد.

* پروفیسور فون مینورسکی یکی از مستشرقین در مطالعات خود دربارهٔ کُرد و کردستان می‌گوید:

قوم کُرد از شرق (یعنی شرق ایران) به محل کنونی کردستان آمده و ساکن شده و همراه با آنها یک یا چند قوم دیگر کوچ کرده باشند، مانند کاردوها که با آنها مهاجرت نموده و در کردستان مرکزی جا گرفته اند و سپس به سایر جاها رفته اند.

* تورودانزین^۱ می‌گوید: این قوم در دو هزار سال پیش از میلاد در اراضی جنوبی دریاچه وان متفرق و به سایر نقاط کردستان آمده اند.

* در آریو^۲ و گزنفون^۳ اظهار می‌دارند، قوم کاردوک که بین دجله تا نزدیک آزارات گسترش یافته اند، آریائیهای اولیه ای هستند که در این ناحیه استقرار یافتند.

غالب مورخین اکراد را در ۲ روایت نگاه می‌کنند:

اکراد غرب یا اکراد آزاراتی و اکراد شرق یا مادایان یا اکراد خاورزمین. لذا اختلافی در بین دو روایت شرقی و شمالی بودن کرد باقی نمی‌ماند و هر دو درست است. اما کدامیک از این دو قسمت زودتر سکنی گزیده اند. هنوز مدرک درستی بدست نیامده است.

ریشه کلمه کُرد (Kurd) مشخص نیست. این کلمه در واقع ایرانی یا فارسی است و در شعر حماسی ساسانیان در کارنامک اردشیر بابکان دیده می‌شود. در میان اعراب نیز، در زمان فتوحات قرن هفتم میلادی، این کلمه را با جمع عربی آن اکراد (Akrad) می‌بینیم. بعضی از محققان عقیده دارند که این کلمه از اسم گوتی (Guti)، یا از کر-د-ک (Kar-da-ka) یا قر-د-ک (Qar-da-ka) ریشه گرفته است.

گزنفون، نام کردوخی (Kard-ukhoi) را برای مردمی که در کردستان کنونی عراق زندگی می‌کنند بکار می‌برد. کردها خود را اخلاف مادها می‌دانند، گرچه بعضی از محققان ادعای کردها را در مورد اینکه از نسل مادها هستند، رد کرده اند، اما مدارک جغرافیایی و زبان شناختی این ادعاها را اثبات می‌کند. با وجود پراکندگی وسیع قبایل، ویژگیهای اساسی زبان کردی در تمام لهجه های این زبان باقی مانده است. این مسئله حکایت از یک زبان نیرومند و باستانی دارد که بازماندن زبان کشور مادهاست. بطور کلی می‌توان گفت:

۱- کردها از ترکیب ایرانیان شمال‌غربی که از مهاجران شرقی بودند شکل گرفته اند و با جذب اقوام بومی زاگرس، اتحاد زبانی را بر آنها تحمیل کرده اند.

۲- از نظر زبانی و جغرافیایی مأخذی برای تمایز بین کردها و مادیها وجود ندارد.

منطقه کوهستانی آزارات که رودخانه های دجله و فرات از آن سرچشمه می‌گیرند از قرن‌ها پیش جایگاه زندگی قبایلی بوده که تاریخ بارها به تجانس و همگونی اجتماعی و زبانی آنها اشاره کرده است این قبایل کردها هستند. گرچه کشوری بنام کردستان هرگز وجود

نداشته ولی مسئله ای بنام مسئله کرد وجود دارد. کرد کیست؟ شاید چنین پرسشی به زبان احاله شده گفته شود کُرد کسی است که به زبان کردی سخن می‌گوید. اما این جواب قانع کننده نیست، زیرا پاسخ منشاء و مبدأ نخستین کُرد را عیان نمی‌سازد، همچنین حدود قلمرو جغرافیایی کردستان را - چرا که گویش کُردی چندان وسیع، پدانه و غنی است که ممکن است اهالی قسمتی از کردستان، زبان اهالی سایر مناطق کردنشین را بخوبی درک نکنند.

اکثر محققین ایرانی معتقدند که زبان کردی از جمله زبانهای رسمی و مهم آریایی ایرانی است با لهجه و گویشهای متفاوت. آنها معتقدند که اگر زبان فارسی به یکبار محو و نابود شود، می‌توان آنرا از روی واژه های ایرانی خالص که همان زبان کردی است دوباره زنده و بازسازی کرد. بطوریکه امروزه سنگینسی بار فرهنگ فارسی - بیشتر بر دوش افراد کُرد تبار است. استرابون جغرافیدان یونانی می‌گوید: زبان پارسی و ماد از همدیگر مشتق هستند و دارای یک ریشه واحد می‌باشند. وی می‌گوید مادها عشایر کُرد هستند که زبان آنها هند و آریایی است.

دارمیس میستر که در زبان و خط پهلوی معلومات زیادی داشته می‌گوید: زبان پهلوی ریشه و اصل زبان کردی است.

کردستان کجاست:

با توجه به بحث قبل می‌توان پاسخ داد: که محدودهٔ سرزمینی که اکراد در آن سکنی گزیده اند و بوسیله ارتفاعات عظیمی محصور شده است که در اصطلاح عامه از آن بعنوان «زندان طبیعی» نام برده می‌شود.

کردستان به سه قسمت اصلی و چندین قسمت جزئی تقسیم شده است که عبارتند از:

۱- بخش شمالی (ترکیه) ۲- بخش جنوبی (عراق) ۳- بخش شرقی (ایران)

این موقعیت جغرافیایی یک فضای سه بعدی را در منطقه خاورمیانه شکل داده است که استراتژیست ها از آن بعنوان مثلث استراتژیک یاد می‌کنند - رأس و قاعده این مثلث فضایی هر کدام به ترتیب، کشورهای فوق را شامل می‌گردد که تفوق هر کدام بر دیگری آشکار نمی‌گردد.

علاوه بر این سه کشور، کردها در سوریه، لبنان، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان و سایر جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و پاره ای از کشورهای اروپایی جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. اما تکاثر و تراکم اصلی اقوام و طوایف کرد در سه کشور فوق می‌باشد.

جمعیت اکراد را بین ۱۴ تا ۲۸ میلیون نفر تخمین زده اند. بیش از نیمی از آنها در ترکیه و مابقی در ایران، عراق و سوریه و درصدی هم در کشورهای ارمنستان، نخجوان، ترکمنستان و کشورهای

اروپایی زندگی دارند.

مردم گرد تنها جامعه ای هستند که با جمعیت چشمگیر و قابل توجهی، علیرغم مبارزاتی که چندین دهه ادامه داشته هنوز بجایی نرسیده اند. این مسئله ملی از زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول و در پی تقسیم مجدد خاورمیانه، مدام مطرح بوده است. در پرداختن به این مسئله نمی توان حساسیت آنرا نادیده گرفت، که آیا کرد صلاحیت و لیاقت این را دارد که دولت ویژه خود را تشکیل دهد؟ آیا این دولت دوام خواهد آورد؟ آیا چنین دولتی در صورت موجودیت، تبدیل به یک عامل صلح و امنیت در منطقه خواهد شد؟ یا برعکس جزء اینکه وضع ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیکی خاورمیانه را پیچیده تر کند، ثمری نخواهد داشت.

این مسئله برای دهه های متوالی باعث دلمشغولی دولتهای عراق - ترکیه، ایران و تا حدودی سوریه بوده است. و امروزه نیز به موازات مسائل نژادی - سیاسی منطقه قفقاز، این مسئله در آذربایجان، ارمنستان و گرجستان عاملی را در روند تحولات منطقه تشکیل می دهد. درست در زمانی که نژادهایی چون ارمنه برای مدتی طولانی در شرق میانه فاقد یک دولت مستقل بودند امروزه پس از فروپاشی شوروی هم آنها و هم گرجی ها صاحب کشورهای مستقلی شده اند و فلسطینی ها نیز برای گسترش هر چه بیشتر خودمختار می جنگند و در صدد گشایش باب مذاکراتی هر چه بیشتر برای آینده خود هستند. آرزو داشتن کردستان مستقل یا حداقل خودگردان امروز بیش از هر زمان دیگری دست نیافتنی به نظر می رسد. و اگر منازعه بین گروههای متخاصم کرد در شمال عراق همچنان ادامه پیدا کند، آرزوی فوق تحقق ناپذیرتر خواهد شد.

گرچه کردها به پیشینه رزمندگی خود مباهات می کنند، ولی تحولات سالهای اخیر باعث شده است که جهانیان بیشتر به چشم «قربانی» به آنها نگاه کنند.

عدم حمایت رژیم شاه از ملا مصطفی بارزانی بدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی رها ساختن کردها، کاربرد گازهای کشنده علیه آنان در حلبچه توسط رژیم عراق در مارس ۱۹۸۸ و نیز حمایت غرب از ایجاد یک چتر حمایتی برای کردها در برابر صدام (بالای مدار ۳۶ درجه عرض شمالی) یورش و تعقیب هر چند گاه یکبار نیروهای ارتش ترکیه به شمال عراق شواهدی بارز بر این مدعا هستند و تصویر کردها را به مثابه قربانی پررنگ تر کرده است.

از آنجائیکه اکثر اکراد در مناطق شرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرقی عراق، شمال و شمالغربی ایران و شرق و شمالشرقی سوریه ساکن هستند از قرون وسطی همواره سعی داشته اند ابراز وجود کنند، با هم باشند، تشکیل جامعه دهند، و از نظر آب و خاک مشترک باشند. آنها در طول تاریخ، تحت سیطره امپراطوری های ارمنستان، یونان، بیزانس، اعراب، ترکیه، ایران و عثمانی زیستند. تا اینکه سرانجام امپراطوری عثمانی نیز در پایان

جنگ جهانی اول سقوط کرد. بر اساس بندهای ۶۲ و ۶۴ پیمان سورس که در ۱۹۲۰ به امضاء رسید به کردها وعده داده شده که می توانند سرزمین مستقلی از آن خود داشته باشند. در سال ۱۹۱۵ که ارمنه بیرون رانده شدند و به قتل رسیدند. اکراد بین خود و ترکها بدون واسطه ماندند. زیرا ارمنه بمنزله واسطه ای بیطرف بین آنها عمل می کردند. و در مقابله با ناسیونالیسم قدرتمند ترکیه و ایران تنها ماندند. آنها همچنین قربانی سیاستهای قدرتهای بزرگ آن زمان یعنی انگلیس و روسیه شدند که هر دو همکاری با یکدیگر را در ارتباط با حمایت از ایران و ترکیه به نفع خود می دیدند. از آنجائیکه انگلیس و روسیه خواهان ایجاد روابط خوبی با ترکیه و ایران بودند به سرکوب جنبش های ناسیونالیستی اکراد ایران و ترکیه رضایت دادند. بطوریکه در سال ۱۹۲۵ مقاومت اکراد هم در ایران و هم در ترکیه شکسته شد و بدنبال آن فعالیتهای فرهنگی - سیاسی ممنوع گردید. متعاقب آن هر دو کشور قوانینی را از تصویب گذراندند که به موجب آن آزادی بیان از اکراد سلب گردید. تنها کشوری که طی سالهای بین جنگ جهانی اول و دوم از این قاعده مستثنی بود، عراق است.

عراق تا سال ۱۹۲۰ تحت سلطه انگلیس قرار داشت و در سال ۱۹۳۲ به استقلال دست یافت اما تا سال ۱۹۵۸ همچنان تحت سلطه انگلیس ماند. سیاست انگلیس در طول این مدت حمایت از ناسیونالیسم کردی بود نه حمایت از استقلال آنها و این بهترین وسیله برای کنترل عراق بشمار می آمد. سیاست انگلیس بعنوان قدرت حاکم خاورمیانه در آلمان این بود که از کردها بصورت قبیله غیر عرب با اختصاص ۱۵ تا ۲۰٪ کل جمعیت عراق به خود، بعنوان وسیله ای برای ایجاد توازن در برابر دول عرب سنی تبار بغداد استفاده کند. تا بغداد در برابر لندن سر تعظیم فرود آورد.

از طرف دیگر انگلیس قصد داشت از ناسیونالیسم کردها بعنوان تهدید یا حداقل ارعاب علیه ترکیه و ایران استفاده کند تا مخالفان منافع انگلیس در منطقه بایکوت شوند. بخاطر همین سیاستهای انگلیس بود که امروزه کردهای عراق نسبت به اکراد ترکیه و ایران از اختیارات فرهنگی بیشتری در رابطه با آزادی بیان، انتشار مطبوعات به زبان کردی و شرکت در اداره مناطقی که خود در آن مناطق سکونت دارند، برخوردارند. هر چند بحرانهای دهه گذشته این حقوق را به حداقل خود رسانده است و ظلم و ستم و سرکوب فرهنگی - سیاسی از جانب حکومت مرکزی عراق بر آنها تحمیل گردیده است.

پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ حاکمیت انگلیس بر عراق پایان یافت بدون حمایت انگلیس اکراد به تنهایی در مقابل دولت قرار گرفتند، بطوریکه هر چند گاه یکبار جنگهای میان اکراد و دولت عراق بروز نمود. دو جنگ بزرگی که آنها تجربه کردند یکی بخاطر امضای پیمان الجزایر در سال ۱۹۷۵ میان عراق و ایران بود. براساس این پیمان عراق به ایران در اروندرود حق کشتی رانی می داد. ضربه بدتر انهدام حدود ۸۰۰ روستای کردنشین در مرزهای عراق با ایران و ترکیه است. این روستاها به منظور تشکیل یک کمربند امنیتی با خاک یکسان

شدند. بعبارت دیگر به منطقه ای تبدیل شد که دیگر هیچ قبیله ای از اتباع کرد ترکیه - ایران و عراق نتوانند در آنجا اسکان یابند.

دومین فاجعه در ارتباط با اکراد عراق، تصمیم رهبری آنها در اوائل سال ۱۹۸۸ مبنی بر افزایش حمایت نظامی از ایران ناشی می شود. این اقدام دست حکومت عراق را باز گذاشت تا روستاهای بیشتری توسط دولت عراق ویران شود. احتمال می رود از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ بیش از ۳۰۰۰ روستا و براساس برخی ارقام دیگر تا ۴۰۰۰ روستای کردنشین ویران شده باشند.

در اوت ۱۹۸۸ پس از آتش بس عراق و ایران - بغداد ۶۰۰/۰۰۰ تا ۷۰۰/۰۰۰ نیرویی را بطرف اکرادی روانه ساخت که فکر می کردند در طول جنگ به ایران وفادار بوده اند. با این اقدام ۱۰۰/۰۰۰ کرد دیگر را وادار نمودند تا به ترکیه بگریزند. شمار زیادی را در شهر حلبچه مورد حملات شیمیایی قرار داد. و حدود ۲۵۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰ را از محل سکونتشان به سایر نقاط عراق رانده شدند، عده ای را هم کوچ اجباری دادند و حدود ۱۰۰/۰۰۰ یا بیشتر را کشته و یا بعبارت دیگر قربانی نمودند.

گرچه جنگ در جنوب شرقی ترکیه جان بسیاری را گرفته و توجه زیادی از جهانیان را به خود مشغول داشته است. ولی شواهد وارده بر کردهای عراق در طول ربع قرن گذشته به آن میزان باعث جلب توجه خار جیها نشده است. عراق به دلایل متفن متهم به اعمال شدیدترین یورشها علیه مناطق کردنشین شده است. جالب آنکه عراق در فرایند استقلال کردها طولانی ترین راه را پیموده و حتی در سالهای اخیر ناخواسته تن به خودمختاری کردها داده است.

در سال ۱۹۸۹ بار دیگر مشکل کردهای عراق در پی مسئله آوارگان بروز کرد. تجاوز نیروهای ارتش عراق به خاک کویت (۱۹۹۰) و تصرف آن کشور و نیز شکست عراق بدست نیروهای مؤتلفه به رهبری ایالات متحده (۱۹۹۱) ورق بار دیگر برگشت. در پایان جنگ اکراد دست به شورش زدند. اتحادیه میهنی و حزب دمکرات با یکدیگر به رقابت پرداختند و حتی شبه نظامیان طرفدار دولت (جاش) نیز به سختی شکست خوردند. آتش شورش در کردستان عراق بطور یکبارچه شعله ور شد و به شهر نفت خیز کرکوک نیز سرایت کرد. منطقه ای که هیچیک از رژیمهای حاکم بر عراق هرگز، زیر بار واگذاری آن بر کردها نرفته بودند.

شواهد حاکیست یکی از دلایلی که ایالات متحده حاضر نشد از قیام کردهای عراق در آن سال حمایت کند، ترس از دلخوری ترکیه از این ماجرا بود. پشتیبانی احتمالی امریکا باعث طرفداری این دولت از تشکیل یک کردستان مستقل در عراق و در نتیجه تشویق کردهای ترکیه به جدایی طلبی بود. این دلایل در مسئله عدم حمایت امریکا از شورش شیعیان جنوب عراق نیز صدق می کند. بخششی از عدم پشتیبانی امریکا، ترس از برپایی یک رژیم شیعی طرفدار ایران و بخش دیگر ترس آن دولت از رنجش متحد اصلی خود یعنی عربستان

سعودی مربوط می شود. مطلب اینجاست که کردها و شیعیان در مجموع ۳/۴ جمعیت عراق را تشکیل می دهند و این می توانست رژیم صدام را ساقط نماید.

از طرف دیگر نیروهای بعثی در پاسخ به این شورشها با آخرین امکانات نظامی به مقابله برخاستند - کرکوک را پس گرفتند و اقدام به اخراج دستجمعی کردها به سمت خاک ترکیه کردند - ترکها که در باتلاق هجوم ۲۵۰ هزار کرد جدید فرو رفته بودند به غرب اجازه دادند تا بطور محدودی در این قضیه دخالت کنند. نتیجه این کار انجام عملیات امداد رسانی برای حمایت کردها از طریق جلوگیری از پرواز هواپیمای عراق بر فراز شمال مدار ۳۶ درجه و نیز استقرار نیروی موسوم به «چکش تعادل» در خاک ترکیه بود تا مجری عملیات امداد رسانی و نیز پشتیبانی از منطقه تحت حمایت سازمان ملل متحد باشد - در طول سال ۱۹۹۱ نیروهای ارتش عراق (بدون پوشش هوایی) و نیز کردها چشم به یکدیگر دوخته و در واقع همدیگر را می پاییدند. تا اینکه:

در ماه ژوئیه، کردها، شهر مهم سلیمانیه را که در جنوب منطقه استقرار نیروهای متحد قرار داشت، به تصرف خود درآوردند.

جبهه کردستان سعی کرد تا مذاکراتی با رژیم بغداد داشته باشد. ولی نتیجه کمی از این مذاکرات عاید طرفین شد. صدور هر گونه اعلامیه استقلال منوط به حمایت و رضایت نیروهای متفق است. در مه ۱۹۹۲ کردها برای خودگردانی، مستقلاً اقدام به برگزاری انتخابات کردند. تصور می رفت که انجام این انتخابات به دشمنی بین جناحهای بارزانی - طالبانی خاتمه داده و سرانجام معلوم شود که چه کسی دست برتر را در این جریانات دارد. اما نتیجه تساوی آراء را در برداشت. همین طور میان گروههای اسلامی و سایر احزاب ناگزیر ائتلافی بوجود آمد. و در نتیجه قوه مجریه و نیز پارلمان تشکیل شد، به هر ترتیب می توان گفت، کارکرد این تشکیلات بستگی تمام به توافق اتحاد میهنی و حزب دمکرات دارد.

عامل دیگری که به این پیچیدگی و اوضاع آشفته می افزاید، ورود (حزب کارگران کردستان) یا پ. ک. ک. به صحنه است. این حزب از فرصتهای بعد از جنگ دوم خلیج فارس استفاده کرد تا بتواند پایگاههای خود را در عراق بوجود آورد. در ۱۹۹۲ ترکیه به شمال غربی تجاوز نمود تا بتواند با حزب دمکرات کردستان که مناطق مرزی را تحت کنترل داشت وارد معامله شده و علیه پ. ک. ک. به جنگ بپردازد. که بطور مستمر هر چند گاه یکبار این لشکرکشی بدون مانع منطقه ای و جهانی صورت می پذیرد.

باز در آوریل ۱۹۹۵ تهاجم شدید ارتش ترکیه علیه پ. ک. ک. آغاز شد. اینبار ترکها بدنبال جبهه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان بودند تا با برقراری آتش بس بین آنها از وجودشان علیه پ. ک. ک. استفاده کنند. معضلی سیاسی که دولت ترکیه تاکنون با آن مواجه بوده است.



بیابان

ویبایان زایی

حمیدرضا مرادی
دانشجوی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه:

در کشور ایران که بیش از هفتاد درصد وسعت آن را مناطق خشک و نیمه خشک تشکیل می دهد و بارندگی در این مناطق، بین ۵۰ تا ۲۵۰ میلیمتر است، پدیده بیابان و بیابان زایی^۱ را باید عارضه ای به حساب آورد که محیط زیست و حیات اقتصادی ما را شدیداً تحت تأثیر و مورد تهدید قرار می دهد. وجود میلیونها هکتار اراضی بیابانی که بخش بزرگی از آن را ماسه های روان فعال تشکیل می دهد، نشانگر این واقعیت تلخ است که چنانچه اقدامی صورت نگیرد، این

عارضه با روند فزاینده ای گسترش یافته و به معضلی فاجعه آمیز در گستره وسیعی از کشور تبدیل خواهد شد.

امروزه بیابان زایی را پدیده ای برخاسته از روابط علت و معلولی تلقی می کنند که در راس آنها، ضعف مدیریت اراضی، سیاستها و روشهای بهره برداری غیر اصولی، فقدان اقدامات حفاظتی و عدم استفاده از روشهای احیاء و عمران قرار می گیرند. از آنجا که ماهیت پدیده بیابان زایی مناطق در همه جا یکسان نیست، از این رو جهت جلوگیری از اشاعه این پدیده، احیاء مناطق بیابانی در قالب شیوه های مدیریتی مناسب و اجرای عملیات بیابان زدایی از یک سو و مهار گسترش پهنه کویرها و در حد امکان، احیای آنها از سوی دیگر، موضوعات متفاوتی هستند که تیمارهای ویژه و برخوردارهای مدیریتی خود را طلب می کند. افزون بر این، نظر به اینکه بیابانها و کویرها،

خود به عنوان اکوسیستم های مستقلی مطرح می شوند، به این جهت مانند سایر اکوسیستم ها در مقابل مدیریتها و اقدامات انتزاعی، عکس العمل هایی را از خود بروز می دهند که مانع دستیابی به اهداف مورد نظر می باشند. به بیان دیگر، تنها روشهایی می توانند در حل معضل مورد بحث مفید و مؤثر واقع گردند که در راستای ایجاد ارتباط مناسب بین آب، خاک، گیاه و انسان باشند. به عبارت دیگر بیابان، قانونمندی خاص خود را داشته و همچون هر اکوسیستمی حدود تحملی دارد که اگر در جهت درک قوانین مربوطه، حرکت کرده و از آن پیروی نماییم، می توانیم بر این پاره تفکیک ناپذیر ناسوت حکومت کنیم.

تعریف بیابان:

برای بیابان تعاریف متعددی شده است که همه آنها بر کمبود بارش و شدت تبخیر تأکید دارند. در اینجا برخی از تعاریف بیابان بیان می گردد:

۱- به عقیده تورنت ویت^۱، بیابان جایی است که در آن نیاز رطوبتی خاک (یا رطوبت خارج شده از خاک) بیش از میزان رطوبتی باشد که از طریق بارش وارد خاک می شود. (بنابراین منطقه ای خشک است که در آن تبخیر و تعرق مطلق^۲ بیش از مقدار بارش باشد).

۲- بیابان جایی است که مقدار بارش برای رشد درخت و علف کافی نیست و خشکی در فصل گرم بسیار چشمگیر است و منطقه ای را نیمه بیابانی می گویند که بارش برای رشد درخت کافی نیست ولی برای رشد علف کفایت می کند.

۳- سازمان هواشناسی جهانی بیابان را اینگونه تعریف می کند: بیابان به سرزمینی گفته می شود که پتانسیل زندگی در آن به هر شکلی، به سبب عدم بارندگی کافی حذف شده باشد.

علل پیدایش بیابان:

قسمتی از سطح زمین همواره با بیابان همراه بوده است. این بیابانها به علت عدم تساوی دریافت انرژی و نیز نشست توده هوا در اثر حرکت وضعی زمین بوجود آمده اند. بیابان در تمام ادوار زمین شناسی وجود داشته است، منتهی در برخی دورانها گسترش (سطحی شان) و شدت (درجه میزان خشکی) آنها بیشتر و در برخی دورانها محدودتر بوده است.

مهمترین مشخصه بیابان کمی میزان بارش است. برای ایجاد بارش عوامل متعددی مؤثر می باشند که در بین آنها، وجود هوای مرطوب و عامل صعود، اهمیت اساسی دارند. حال بنا به هر علتی، یکی از این دو عامل موجود نباشد، ما بارش نخواهیم داشت. با توجه به مطالب فوق، خاستگاه اقلیم های خشک و علل آن عبارتند از:



الف- فرونشینی گسترده و مداوم هوا:

فرونشینی منتج از گردش عمومی جو، یکی از عوامل اساسی و اصلی ایجاد بیابان است، که در منطقه وسیع و گسترده ای به صورت یک کمربند تقریباً سراسری کره زمین را دربر گرفته است. گردش عمومی امروزی جو، به افزایش چنین فرونشینی در عرضهای جغرافیایی جنب حاره در هر دو نیمکره گرایش دارد. کمربند اصلی بیابانهای کره زمین مانند بیابانهای سوزان مکزیک، جنوب غربی ایالات متحده شمال آفریقا، جنوب غربی آسیا، گبی در آسیای مرکزی و در نیمکره جنوبی، بیابانهای استرالیا و کالاهاری در جنوب غربی آفریقا، همگی در زیر این فرونشینی واقعند. نزول دینامیکی هوا در این قسمت، موجب پیدایش و استقرار مراکز پرفشار جنب حاره^۳ گردیده است. این مراکز پرفشار، مانع صعود هوا می شوند. حتی در تابستان که بر اثر تابش شدید خورشید، هوای مجاور سطح زمین بسیار گرم و ناپایدار می شود، وجود جریانات نزولی در طبقات بالای اتمسفر، مانع صعود هوا و در نتیجه مانع تشکیل ابر و باران می شود. بنابراین عامل اصلی خشکی در این مناطق، نبود مکانیسم صعود است. به همین علت این نواحی را بیابانهای دینامیکی می گویند. به عنوان مثال در تابستان، در ساحل خلیج فارس، هوای مجاور سطح زمین کاملاً گرم و مرطوب است. ولی به علت عدم صعود هوا، حتی قطره ای باران هم نمی بارد. نوار فشار زیاد جنب حاره در نیمکره شمالی بین عرضهای ۱۵ تا ۴۰ درجه و در نیمکره جنوبی بین ۲۰ و ۳۵ درجه گسترده شده و در این محدوده جابجا می شود.

ب- عامل فرونشینی جایگزیده (بیابانهای باد پناهی)

این نوع فرونشینی توسط موانع کوهستانی بوجود می آید. این نواحی اکثراً در قسمت پشت به باد کوهستانها، بوجود می آید. نمونه اینگونه فرونشینی ها، حاشیه شرقی رشته کوههای آند است. در این محل تقریباً فرونشینی دایمی و پیوسته در یک نوار باریک بر روی سواحل شمالی شیلی و پرو وجود دارد. فرونشینی مزبور سبب ایجاد



بیابان آتاکاما شده است (میلر^۵، ۱۹۷۶، جانسون^۶ ۱۹۷۶). لیکن چنین نواحی اکثراً در قسمت پشت به باد کوهستان در امتداد کمربند جریانهای غربی، متمرکز و در نتیجه در عرضهای میانی واقع هستند این بیابانها در اثر فرونشینی جریانهای غربی در شرق خط الرأس کوهستانها ایجاد می شوند. نمونه اینگونه فرونشینی ها را می توان در حاشیه باریکی از کوههای مرکزی ایران و شرق زاگرس مشاهده کرد. نواحی خشک جنوب غرب امریکای شمالی و غرب و شمال آرژانتین و قسمتهایی از آسیای مرکزی به این شیوه شکل می گیرند.

ج- عدم وجود جریانهای مرطوب

بادهای غربی حاکم بر منطقه معتدله، مکانیسم صعود را در طول سال فراهم می کند و موقعی هم که بادهای غربی به عرضهای شمالی تر عقب نشینی کنند (در تابستان)، به علت گرم شدن زیاد سطح زمین، عامل صعود مکانیسم همرفت می باشد. بنابراین، کمی باران در این مناطق، به دلیل عدم وجود رطوبت است. در نواحی معتدله، برخی نواحی درون قاره ای که کاملاً دور از منابع رطوبت هستند از بارش مناسب بی بهره اند، زیرا توده هوای مرطوب به علت گذر از کوهستانها و یا گذر طولانی از روی خشکی، رطوبت خود را از دست می دهد. بنابراین امکان وجود نواحی کم باران یا خشک در قسمتهای

مرکزی قاره ها خیلی زیاد است. مشخص ترین نمونه اینگونه بیابانها، در آسیای مرکزی گسترش دارند (مثل بیابان گبی، تکله مکان، بیابان ترکستان و سین کیانگ).

تشخیص مناطق بیابانی و نیمه بیابانی و تعیین شدت آن:

جهت تشخیص مناطق بیابانی و نیمه بیابانی و تعیین شدت آن، از روابط تجربی بین پارامترهای مختلف بهره می گیرند. از این جهت شاخصهای متعددی نظیر شاخص تورنت ویت، دمارتن، گوسن، آمبرژه، و ... ارایه شده است که مهمترین آنها شاخص تابش خشکی بودیکو^۸ است که در سال ۱۹۵۸ ارایه گردید. این شاخص توسط لت تا^۹ در سال ۱۹۶۹، به نام شاخص نسبت خشکی نامیده شد و در روابط آن قدری تجدیدنظر گردیده است. رابطه ریاضی این شاخص به این شکل است: $D = R / LP$

$D =$ شاخص نسبت خشکی

$R =$ میانگین سالانه انرژی تابشی خالص بر سطح زمین (موازنه تابشی)

$P =$ میانگین بارندگی سالانه بر حسب میلیمتر

$L =$ مقدار گرمای نهان تبخیر که برای یک کیلوگرم آب لازم

است (حدود ۶۰۰ کالری دما برای تبخیر یک گرم آب [۱۰ میلیمتر] لازم است)

بر اساس این شاخص نتایج زیر استنباط می گردد:

(جدول زیر)

حال با شناخت مناطق خشک و سیستمهای مولد بیابان میتوان درباره بیابان زایی و بیابان زدایی اظهار نظر نمود.

بیابان زایی چیست؟

بیابان زایی اصطلاحی است که حداقل از سال ۱۹۴۹ مورد استفاده قرار گرفته است. آبره و ایل^{۱۱} گیاه شناس و اکولوژیست معروف این اصطلاح را در کتابی که درباره اقالیم، جنگلها و بیابان زدایی در مناطق حاره ای افریقا انتشار داد مورد استفاده قرار داده است. این دانشمندان

منطقه خشکی	نسبت خشکی
بیابان واقعی: در این مناطق بیابان زایی جز در نواحی حاشیه رودها و واحه ها، به سبب عدم سکونت اثر ندارد	> ۱۰
حاشیه بیابان: بیابان زایی در مناطق استفاده از دام خیلی زیاد است	۷-۱۰
منطقه نیمه خشک: بیابان زایی بر اثر چرای بی رویه و یا کشت، خیلی شدید است	۲-۷

عقیده داشت که بیابان زایی از تغییر زمین بارور به زمین بایر و در نتیجه تخریب ناشی از فرسایش خاک توسط فعالیت انسانی ناشی می شود. وی علل تخریب زمین را نتیجه قطع اشجار، آتش زدن جنگل و غلظت و کشاورزی می دانست، که خاک را در معرض فرسایش آب و باد قرار می داد.

در کنفرانس بیابان زایی سازمان ملل متحد در ناپروبی (سال ۱۹۷۷)، بیابان زایی اینگونه تعریف شده است:

بیابان زایی فقیر کردن اکوسیستمهای زمینی، تحت تأثیر فعالیتهای انسانی است. بیابان زایی فرآیند زوال در اکوسیستمها است، که با کاهش باردهی گیاهان مرغوب، تغییرات بیومها و تنوع در مقیاس میکرو و ماکرو در فوناس^{۱۱} و فلوراس^{۱۲}، زوال شتابان خاک و افزایش خسارات ناشی از اشتغالات انسانی سنجدیده می شود.

این تعریف بیان می کند که بیابان زایی فرآیند تخریبی زمین است که بصورت تغییرات مداوم، آرام تا شدید، منابع گیاهی و خاک ظاهر می شود و ناشی از فعالیتهای انسانی است.

گسترش بیابان و خشکسالی ها:

برداشت غلط درباره بیابان زایی آن است که بیابانی شدن از مرکز بیابان شروع و به اطراف آن گسترش می یابد. واقعیت این است که تخریب زمین بغیر از هر اقلیم بیابانی هم می تواند اتفاق بیافتد. بنابراین نزدیکی یا دوری از بیابان رابطه مستقیمی با بیابان زایی ندارد.

اساساً هر سرزمین توانی معین دارد. حال چنانچه میزان بهره برداری بیش از توان موجود باشد، تعادل طبیعی از بین می رود. نواحی خشک و نیمه خشک از نظر توان طبیعی، خیلی ضعیف و شکننده می باشند. پس نتیجه تضعیف عوامل مساعد بیابان زایی و حاصل گسترش این عوامل بیابان زایی خواهد بود.

تصور غلط دیگر آن است که خشکسالیها را مسؤل بیابان زایی بدانیم. البته خشکسالیهای ممتد این احتمال را افزایش می دهد. هر چند، زمین تحت مدیریت مطلوب از خشکسالیها با حداقل اثرات منفی، به هنگام بازگشت دوران ترسالی، بهبود خواهند یافت.

ترکیب خطرناک استفاده بد و بیش از توان طبیعی از سرزمین، در خلال دوره های مرطوب و ادامه این شرایط در دوره های کمبود بارش است که این بی احتیاطی ها موجب می شوند تا گیاهان ضعیف و خاکها، قادر به مقاومت در برابر خشکسالی نباشند، بویژه هنگامی که با چرای مفرط، گسترش زراعت و قطع اشجار توأم باشد. پس به بیابان زایی باید به عنوان عامل انهدام تعادل شکننده ای نگریست که به سبب این تعادل (در اراضی خشک و نیمه خشک)، زندگی جانوری، انسانی و گیاهی اجازه تداوم و بقاء می یابند.

فرآیند بیابان زایی:

تخریب زمین به وسیله انسان از زمانی آغاز گردید که به واسطه چرای مفرط^{۱۳}، توسعه زراعت، قطع اشجار، عبور و مرور و سائت نقلیه و مدیریت نامناسب آبیاری، امکانات مساعد محیط خشک تضعیف گردید. اگر چرای مفرط، فرصت ترمیم را به زمین ندهد، این شرایط در نهایت به تخریب مرتع منجر می گردد و موجب می شود که زمین باردهی مناسب و درازمدت را، برای تأمین معاش ساکنین آن از دست بدهد. این درجه از تخریب به عنوان بیابان زایی خیلی شدید معروف می باشد که وسعت آن کم است، در حالیکه بیابان زایی با شدت کمتر، از گسترش قابل ملاحظه ای برخوردار است.

چهار فرآیند عمده در زوال و نابودی زمین و پیدایش بیابان زایی دخالت دارند که عبارتند از: ۱- تخریب پوشش گیاهی ۲- فرسایش خاک ۳- اشباع بودن از آب و شور شدن (کویر زایی) ۴- چسبندگی و تراکم خاک توسط احشام و ماشین آلات. این چهار فرآیند عمدتاً تحت تأثیر سه نوع کاربری اراضی در مناطق خشک، یعنی دامداری، کشاورزی و توسعه تکنولوژی می باشند. در زمینه کشاورزی، کلیه اقداماتی که منجر به کاهش پوشش گیاهی و فرسایش خاک می گردد شامل: شخم در اراضی کم حاصل، شخم غلط در زمینهایی که برای کشاورزی مناسب هستند، آیش نامناسب و ناکافی، آبیاری و زهکشی غیرفنی، از بین رفتن پوشش گیاهی بومی در اثر به زیر کشت رفتن و یا آتش زدن، که باعث می شود به محض برداشت محصول یا کمی بعد از آن، خاک در معرض فرسایش آبی و بادی شدیدی قرار گیرد. در زمینه دامداری، چرای مفرط علفهای پایا و یکساله به وسیله احشام، باعث هجوم علفهای هرز، بوته ها و گیاهان سمی و کاهش علفهای خوش خوراک می شود (شوروی سابق دپارتمان محیط ۱۹۷۷). در مراحل اولیه بیابان زایی زیست توده کل ممکن است افزایش یابد اما ترکیب گونه های مطلوب آن کمتر است. نهایتاً بعد از چرای مفرط طولانی و لگدکوب شدن خاک، اثر فرسایش روان آنها افزایش یافته و کل تولید گیاهی کاهش می یابد. بیابان زایی در اراضی مرتعی، زمانی به حداکثر خود می رسد که تخریب پوشش گیاهی، منجر به تشکیل خندقهای وسیع و تپه های ماسه ای شوند. به طور اعم، نقاط دارای آب، اولین مکانهایی هستند که تخریب مراتع در آنها اتفاق می افتد. در این مکان است که تمرکز احشام و فشار سنگین چرای مفرط، در مجاورت آن رخ می دهد. پس چرای مفرط، عدم تناسب تعداد دام در مرتع و ظرفیت تولیدی آن، تمرکز دام در اطراف روستاها و آبشخورها و عدم توزیع صحیح دام در مرتع، مهمترین عامل تخریب و نابودی پوشش گیاهی و فرسایش خاک در مراتع می باشند.

در زمینه تکنولوژی، اقداماتی نظیر جاده سازی، برپایی تأسیسات

صنعتی، شهرسازی، ایجاد تأسیسات آبیاری و آبرسانی و حمل و نقل و غیره، چنانچه با برنامه ریزی صحیح و مناسب با شرایط محیطی منطقه نباشد، در گسترش بیابان مؤثر است.

البته در زمینه مسأله تخریب و فرسایش در بیابان، غیر از عوامل انسانی که در بالا ذکر گردید، عوامل طبیعی نیز فوق العاده مؤثر می باشند. فی المثل، در بیابانها تخریب ترموکلستیک یا کریوکلستیک خیلی شدید است و خاک به مفهوم خاک شناسی خیلی کم و پوشش گیاهی اندک و در نتیجه زمین بی حفاظ است. از طرفی دیگر چون شدت بارش در بیابان زیاد و زمین عریان است، میزان تخریب و اثرات سیلابها و دینامیک آنها خیلی شدید است. پس می توان گفت که بیشترین اثر سطحی سیلاب در جایی است که کمترین میزان بارش وجود دارد. در سطح کره زمین، بیشترین اثر آبهای جاری، در نواحی حاشیه بیابانها دیده می شود. زیرا شدت بارش زیاد بوده و سطح زمین در اثر تبخیر زیاد سخت است، بنابراین میزان نفوذپذیری کم بوده و بارش عمدتاً به صورت هرز آب درمی آید. البته میزان فرسایش در پای کوهها (به علت شیب بیشتر) شدیدتر است.

حال با شناخت بیابان زایی و فرآیندهای مؤثر در آن، سؤالی که مطرح می شود این است که چگونه می توان بیابان زایی را تبدیل به بیابان زدایی نمود؟

تعریف بیابان زدایی و شیوه های اجرای آن:

مجموعه فعالیتهایی که سبب توقف یا کاهش روند بیابان زایی شده و یا در جهت احیاء اراضی بیابانی باشد، بیابان زدایی گفته می شود.

احیاء پوشش گیاهی و بازآفرینی شرایط اکولوژیکی در مناطق بیابانی، تنها راه مبارزه مؤثر با پدیده بیابان زایی است. متداولترین روش در ایران برای برنامه های بیابان زدایی و تثبیت ماسه های روان، عبارتند از: ۱- تثبیت بیولوژیکی ۲- تثبیت فیزیکی شیمیایی (جهت تثبیت موقت تپه های ماسه ای تا استقرار اولیه گیاه) است که شامل مالچ پاشی، احداث بادشکن و غیره می باشد. با اجرای این عملیات، فرصت مناسبی جهت تجدید حیات طبیعی و استقرار پوشش گیاهی در مناطق بیابانی و ماسه زار فراهم می شود.

شرایط طبیعی بیابان به گونه ای است که این پهنه، عرصه وسیعی برای فعالیت باد محسوب می شود. باد در بیابان یکی از مهمترین عوامل فرسایش بوده و با ایجاد طوفانهای ماسه ای، مراکز مسکونی، مزارع، باغها و دیگر تأسیسات را مورد تهدید قرار می دهد. لذا یکی از مهمترین اقدامات در جهت بیابان زدایی، کنترل یا تخفیف اثرات باد و تثبیت ماسه های روان است. بهترین شیوه تثبیت ماسه ها نیز همانطور که ذکر گردید، از طریق بیولوژیکی است، که در این زمینه مطالعات زیر باید صورت گیرد: حجم آب، میزان بارندگی، رژیم

بارندگی و منابع آبهای زیرزمینی از لحاظ عمق سفره آب زیرزمینی و کیفیت آب و نیز شدت و مدت باد و نوسانات و رژیم باد، باید مورد مطالعه قرار گیرد و به این ترتیب شدت، مدت و جهت طوفانها را مورد شناسایی قرار داد. دیگری عامل دما است که در میزان تبخیر مؤثر است. در مورد دما، میزان حرارت و شدت و میانگین حداقل و حداکثر را باید مطالعه نمود. از آنجا که میزان نفوذپذیری ماسه زیاد و نیروی شعریه در آن بسیار ضعیف است، بنابراین بهترین محل جهت ایجاد پوشش گیاهی، در صورت مساعد بودن دیگر شرایط، ماسه زارها هستند. بنابراین اقدام بعدی مطالعه و شناسایی گیاهان ماسه دوست، به ویژه گیاهان بومی است و آنگاه شناسایی گیاهان بومی دیگر مناطق ایران و جهان که ماسه دوست هستند و در نهایت مطالعه منشاء ماسه و بررسی کیفیت شیمیایی ماسه ها حائز اهمیت می باشد. حال که شرایط مناسب و عوامل نامساعد برای تثبیت بیولوژیکی را از مطالعات فوق استخراج کردیم، آنگاه شرایط مناسب را بررسی می کنیم و بعد می بینیم که چه راه حلی برای از بین بردن و یا تضعیف شرایط نامساعد و تقویت شرایط مناسب وجود دارد. به این ترتیب بر اساس نیاز آبی گیاه و دیگر شرایط، نوع گیاه را انتخاب می کنیم. از نظر ژئومورفولوژی محل کشت گیاه مهم است، که مثلاً کدام قسمت ریگ یا برخان باید گیاه کشت شود. در سطح ماسه، تمام شیبهای ملایم روبه باد محل کشت گیاه است.

مرحله بعد برای امر تثبیت، ایجاد بادشکن است. که در آن از هر وسیله ممکن مانند چوب، حصیر، بقایای گیاهی و غیره استفاده می شود. ارتفاع بادشکن بستگی به میزان خیزش باد دارد. پوشش گیاهی علاوه بر تثبیت ماسه، باعث تغییر میکروکلیمای گرد و بافت خاک را بهبود می بخشد و باعث افزایش هوموس خاک می شود. در مناطق بیابانی بوته وقتی مفید است که بخش هوایی آن حالت چتری داشته باشد و ارتفاع آن از ۲/۵ متر کمتر نباشد. در شرایط طبیعی بیابانهای ایران، بهترین نوع پوشش گیاهی، برای تثبیت ماسه های روان و کنترل بیابان زایی، یکی درخت تاغ است که ماسه دوست بوده و دارای انشعابات شاخه ای زیاد و با برگهای فراوان است. در اشتهاارد و بوین زهرا این تاغها باعث تثبیت ماسه ها شده اند و ارتفاع بوته های تاغ به ۳ الی ۴ متر هم می رسند که البته بهتر است در ارتفاع حدوداً ۲ متری، جوانه انتهایی آن را قطع نمود تا رشد عمودی پیدا نکند و بر گسترش عرضی آن افزوده شود. هرگاه ماسه شور باشد از گیاه گز استفاده می کنیم. در شهرهای بم و نرماشیر، بوته های گز به صورت حصاری در چند ردیف، اطراف مزارع را می پوشانند. نبات دیگر کهور است که نوع بوته ای آن در تثبیت ماسه ها مؤثر است. نوع بوته ای کهور باعث پیدایش نبکا می شود (دکتر محمودی منبع ۹). جهت آباد کردن مناطق خشک، شاید بهترین راه حل انتقال آب و نیز جمع آوری آب باران است.

در مناطق خشک، میزان بارش ناچیز و تبخیر شدید است.

خاکهای آن نیز از دو جهت حساس می باشند یکی اینکه زود شور می شوند (چون آب شور و میزان تبخیر زیاد است) و دیگر به دلیل فقر پوشش گیاهی حساسیت در زمینه فرسایش خاک وجود دارد. لذا امکان توسعه کشاورزی و دامپروری در آن محدود می باشد. فشار جمعیت بر زمین، در این راستا، باعث بیابان زایی می شود. اما این امکان وجود دارد که از عوامل به ظاهر نامساعد بیابان، نظیر باد، شدت تابش خورشید و وجود املاح زیاد تبخیری، به نحو مطلوب استفاده کرد. فی المثل از کویرها، بهره برداری معدنی نمود و از نمک آن جهت مصارف صنعتی و غذایی و صنایع شیمیایی استفاده کرد. این امر آسیمی به طبیعت نمی زند، زیرا به علت شدت تبخیر، نمکهای بهره برداری شده به سرعت جایگزین می شوند. یا از تابش شدید خورشیدی جهت تولید انرژی استفاده کرد. از نیروی وزش باد نیز می توان بهره برداری نمود. باید توجه داشت که ویژگیهای طبیعی، تعیین کننده نوع استفاده از زمین هستند، نه نیازهای اجتماعی و اقتصادی ما.

نتیجه گیری:

جستجو برای تأمین نیاز روزافزون مواد غذایی، منجر به دست اندازی و تجاوز انسان به زمینهای نیمه حاصلخیز و با شرایط اکولوژیکی نسبتاً شکننده شده است. بهره برداری غیر معقول از زمین، باعث تنزل کیفیت و تخریب خاک، آب و پوشش گیاهی، به عنوان سه عامل اساسی طبیعی بقای زندگی می گردد.

هریک از عرصه های بیابانی دارای ویژگیهای خاص خود می باشند. برخورد اصولی با چنین عرصه هایی متأثر از ویژگیهای حاکم بر آنها خواهند بود که الگوهای پژوهشی ویژه ای را می طلبد. بنابراین لازم است، پژوهشهای مورد نیاز، برای کسب آگاهیهای پایه ای، از موقعیت و استعداد های نهان و آشکار احیای مناطق بیابانی، به منظور دستیابی به شیوه های بنیادی مهار پدیده بیابان زایی انجام گیرد.

تنها راه حل کلی ولی شناخته شده مبارزه با بیابان زایی، در رابطه با نقش فعال انسانها، عبارت است از ایجاد و یا تکمیل الگویی که در آن کلیه بهره برداریهای کشاورزی، مرتعی، جنگلی، تفرجگاهی، صنعتی و شهرسازی بر اساس استعداد و توانهای طبیعی تولیدی اراضی صورت پذیرد. لازمه این امر، شناخت منابع اراضی و تفکیک انواع منابع، شناخت استعدادهای این منابع و پیاده نمودن بهره برداریها، در چهار چوب استعدادهای اراضی است.

انسان نمی تواند بیابان را از بین ببرد، زیرا قادر به از بین بردن مکانیسم های مولد آن نیست، اما می تواند شدت و وسعت بیابانها را با اعمال مدیریت صحیح محدود نماید و یا بالعکس بر گسترش آن دامن زند. بشر از سرمایه و دانش کافی برای مبارزه با بیابان زایی

برخوردار است. بنابراین تنها مسأله موجود در شناخت این مشکل، پذیرفتن نقش عنصر انسان به عنوان عامل، توسعه و یا کنترل کننده گسترش بیابان و سرانجام ایجاد اراده اجتماعی-اقتصادی لازم، برای انجام اصلاحات ضروری خلاصه می شود. سخن آخر اینکه مدیریت مورفولوژی ایجاب می کند که قبل از شروع هر طرحی، از نظر فرهنگی کار شود که مردم خودشان در حفظ طبیعت بکوشند.

یادداشتها:

- 1- desertification
- 2- thornth waite
- ۳- مجموع تلفات آب از خاک و گیاه را تبخیر و تعرق مطلق می گویند.
- 4- subtropical high pressure (STHP)
- 5- miller
- 6- Johnson
- 7- Prhaska
- 8- Budyko
- 9- Lettau
- 10- Aubre Ville
- 11- Fauna
- 12- Flora

۱۳- چرای مفرط وقتی است که تعداد دام در عرصه مرتع، بیش از حد ظرفیت چرا باشد و یا اینکه نوع دامها با کیفیت و وضعیت پوشش گیاهی مطابقت نداشته باشند.

منابع و مآخذ:

- ۱- خلدبرین، بیابان زایی و بیابان زدایی، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۶۶.
- ۲- علیجانی، بهلول و محمدرضا کویانی، مبانی آب و هواشناسی، تهران، سازمان سمت، سال ۱۳۷۱.
- ۳- قائمی، هوشنگ، هواشناسی عمومی، تهران، سازمان سمت، سال ۱۳۷۵.
- ۴- قائمی، هوشنگ، اقلیم مناطق خشک، دوره دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۵.
- ۵- کیت بوشر، آب و هوای کره زمین (جلد دوم)، ترجمه بهلول علیجانی، تهران، سازمان سمت، تابستان ۱۳۷۳.
- ۶- کردوانی، پرویز، مناطق خشک (جلد دوم)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۶۷.
- ۷- محمودی، فرج الله، بیابانهای ایران، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۷، بهار ۱۳۶۸.
- ۸- محمودی، فرج الله، ژئومورفولوژی و مدیریت محیط، دوره دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۶.

میزگرد آموزش جغرافیا برنامه های جدید آموزش جغرافیا و نقش مجله رشد آموزش جغرافیا



خانم فیاضی :

من درباره ارزشیابی کتاب جغرافیای سال اول دبیرستان بیشتر صحبت می کنم. فعالیت هایی که در کتاب عنوان شده نسبتاً زیاد است، ما اگر بیاییم به این فعالیتها اهمیت بدهیم، باید از نظر ارزشیابی، دانش آموز مطمئن باشد که نمره ای که می خواهد از فعالیتهای کلاس بگیرد این نمره به عنوان نمره پایان ترم هم مطرح است ولی اگر مطمئن باشد که فعالیتی را که انجام می دهد حالا یک کار عملی است و گروهی می خواهند انجام بدهند و در پایان ترم ارزش یابی دیگری انجام نمی شود این برایش خیلی اهمیت دارد و با ذوق و شوق بیشتری به طرفش میرود. از این نظر اگر به این فعالیتها ارزش داده شود و از نظر ارزشیابی نمره پایان ترم دیگری وجود نداشته باشد همین کارهایی که به عنوان کارهای عملی در سر کلاس به صورت گروهی یا انفرادی انجام می دهد بها داده شود خیلی مهم است و هیچ مسئله ای نیست اگر زیاد هم باشد. ما می توانیم اینها را در کلاس انجام دهیم و مشکلی از این نظر نخواهیم داشت. اما اگر اینها را بخواهیم انجام بدهیم و در کنارش هم بگوئیم ما به عنوان نمره پایان ترم یک ارزش یابی دیگری هم باید داشته باشیم و شما باید این کتاب را حفظ کنید و آخر ترم یک امتحان هم به صورت کتبی می گیریم این می تواند برای دانش آموز مشکلی ایجاد نکند و او را در حالتی قرار بدهد که با ذوق و شوق قبلی نگاه نکند به آنها و خیلی سرسری از آنها بگذرد و آن فعالیتی که معلم از او می خواهد دقت لازم را نداشته باشد اگر این بعد مسئله هم در نظر گرفته شود به نظر من می تواند کار مثبتی باشد.

آقای امیری :

قبلاً باید تشکری کنم از کسانی که شورای برنامه ریزی درسی گروه جغرافیا بودند شاید هم بگوئیم طراحان اولیه چنین کتابی بودند که خوب بخش اعظمی از آن شورا هم دوستان تیم تألیف هستند.

(قسمت دوم)

مقدمه :

در جریان برگزاری دوره تربیت مدرس کتاب درسی جغرافیا (۱) که برای سال اول دبیرستانها در سال تحصیلی آینده تألیف شده است، فرصتی فراهم آمد تا برخی از شرکت کنندگان این دوره را که از استانهای مختلف کشور در ایلام گرد آمده بودند به میزگردی دعوت کنیم که عنوان آن برنامه های جدید آموزش جغرافیا و نقش مجله رشد آموزش جغرافیا در این برنامه ها بود.

این میزگرد حدود دو ساعت به طول انجامید و مجله رشد آموزش جغرافیا ضمن تشکر از شرکت کنندگان آن، از عوامل اجرایی و رئیس محترم مرکز تربیت دبیر و مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان شهید مدرس ایلام که نهایت همکاری را در برگزاری میزگرد انجام دادند تشکر می کند.

هم چنین تشکر می‌کنم از دوستان تیم تألیف که واقعاً با یک صبر و حوصله خاصی دایرة المعارفی را که از دهه پنجاه به این طرف ترجمه شده و دوستان مطالعه می‌کردند تغییر می‌دهند از دستاوردهای مهم این تحول که در غالب کتاب جغرافی شکل زنده کردن جغرافیا به عنوان یک علم و جا انداختن آن در جامعه علمی شده است شاید هم دوستان عزیزی که تدریس می‌کنند با این مسئله درگیر هستند که غالب همکارانی که ساعت درسی شان پر نمی‌شد جغرافیا را برایشان در نظر می‌گرفتند مخصوصاً در مقطع راهنمایی و ابتدائی که باعث می‌شد جغرافیا از آن اهمیت و علمی بودن خود پایین بیاید. من چند امتیاز را برای این کتاب در نظر گرفته‌ام که خدمتان عرض می‌کنم: از جمله امتیازی که این کتاب دارد زنده و نو بودن این کتاب است چه از نظر محتوا و چه از نظر تصاویر و شکل دیگر بها دادن به دانش آموزان به عنوان نیروی جوان متفکر و آماده کردن آنان برای برخورد با مسائل محیط خودشان که همان محیط جغرافیایی است. امتیاز سوم این کتاب تقسیم بندی منطقی سرفصلهای این کتاب است که متناسب با گرایش های طبیعی و انسانی که ما در گذشته که غالباً جغرافیا را در ویژگیهای طبیعی خلاصه می‌کردیم و بهای کمتری به ویژگیهای انسانی میدادیم که خوشبختانه در برنامه ریزی اخیر در غالب جغرافیا ۱ تا ۴ می‌بینیم که در این تقسیم بندی حداقل رعایت شده از ویژگیهای بعدی این کتاب یک مبحثی است که من کمتر در کتابهای درسی دیدم و آن طرح مباحث گردشگری است چه در ایران و چه در جهان که خوب نیاز بود که این هم مطرح شود که خوشبختانه در این کتاب به آن توجه شده و مبحث دیگری تحت عنوان توسعه پایدار. من فکر می‌کنم اکنون راحت تر بتوانیم مفاهیم سیاسی امروز را به بچه هایمان آموزش بدهیم.

امتیازات دیگری این کتاب دارد بنده نمی‌خواهم از آنها ذکر شود اما یک مشکل اینجا هست که احساس می‌شود به عنوان کسیکه تدریس می‌کند مدام در مقاطع دبیرستان با آن روبرو باشد آن حجم کتاب است. اگر ما نمی‌توانیم حجم کتاب را کاهش بدهیم قطعاً دبیر روی میز خواهد نشست و به دانش آموز می‌گوید که از روبرخوان و سوالات مهم را بگوئیم و برویم جلو. واقعاً من خودم باید از یک طرف از مؤلفین دفاع کنم عزیزان چندین سال است که با تمام وجود به این نگرش که به آن ایمان داشتند حرکت کردند با کمترین بهره مالی. می‌بینیم که اینها رفتند جلو و واقعاً محدوده ای را شکستند که شکستن آن خیلی مشکل بود من واقعاً به این اعتقاد داشتم که شکستن این حصار که دور جغرافیا را گرفته با این تفکرات بسته که چه در دانشگاه و چه در آموزش و پرورش حاکم بود قطعاً چنین تحولی با مشکلات جدی روبرو بود که اینها مرهون همین ترکیب می‌بینیم. فقط تقاضای من اینست که برای آن که واقعاً ارزش این کتاب از بین نرود و جداً حرمت کتاب حداقل حفظ شود سعی کنید محتوایش حداقل حجم آن کمتر شود.

آقای سرتیپی:

من به دو مورد خیلی خلاصه اشاره می‌کنم یکی از مواردی که به نظر من می‌رسد مورد بسیار مهمی است که از جمله امتیازات کتاب می‌باشد موضوعاتی است که در این کتاب مطرح شده و دانش آموز با این سطح معلوماتی که دارد می‌تواند در زندگی روزمره اش به نوعی استفاده بکند مثلاً در بحث منابع آب که عنوان شده از آن جایی که حالا کشور ما هم در منطقه نسبتاً خشکی واقع شده با محدودیت منابع آب مواجه است و حتی چگونگی استفاده از آن منابعی که در اختیار داریم به نوعی می‌تواند اولاً به دانش آموز برساند که یا به نوعی زنگ خطری باشد که دانش آموز در این سنی که هست به نوعی در جهت استفاده بهینه از این منابع کوشا باشد. البته یک مورد دیگر هم هست که به نظر میرسد در ظاهر ارتباط منطقی بین فصول مختلف در این کتاب وجود ندارد. البته باید این ارتباط را در چگونگی تدریس آن درک کرد.

خانم فروینی:

با تشکر از زحمات بی‌شائبه استادان و مسئولین محترم دفتر گروه تألیف و برنامه ریزی درسی کتاب جغرافیا (۱) جدید تألیف ضمن گستردگی، عمق، حجم فراوان مطالبی شیرین و ملموس برای گفتن دارد در واقع این کتاب با آرمانها و ایده های کشور اسلامی مان هماهنگ است. به نظرم این کتاب هدفی را دنبال می‌کند که همان پیوند با زندگی است همان مفهومی که جغرافیا تمام حرفها نیست ولی هیچ حرفی بدون جغرافیا کامل نیست چرا که کتاب های جغرافیایی سالهای گذشته مجموعه پریشانی از کلمات و مفاهیم و جمالاتی درهم بود که هیچگونه ارتباطی با دانش آموز نداشت بقول سپهری: مخاطب کتاب خود کتاب بود که می‌باید آنرا حفظ نمود و کورکورانه به حافظه سپرد، کتاب پروانه خشک و لای کتاب بود و کتاب با دانش آموز قهر بود. معلم جغرافیا چاره ای نداشت که در شروع کار جغرافیا را با ارزشهای اخلاقی پیوند دهد و عنوان نماید که خدا را بخوان و هستی را دریاب. جغرافیا را در قالب یک کل بیان کند و مفهوم ارتباط و پیوستگی اجزاء با محیط تحت عنوان پلاک، کوچه، خیابان، شهر، استان، کشور، قاره، کره زمین، منظومه شمسی، کهکشان راه شیری خلاصه ارتباط انسان با زمین و زمین را در کل تصویر نماید.

ایمان به کار و امیدی که مسئولین این دوره آموزشی در ما ایجاد کردند امیدوارمان می‌سازد که با وجود نابسامانیها و کاستیهای که در محل خدمتمان وجود دارد با توانی بیشتر و جهت یافته تر ما را بسوی اهداف سوق داده بخصوص طرح استفاده از رسانه های گروهی (بریده جراید)، بازدید علمی، مشاهده فیلم در این دوره فرصتی بود که فعالیتهای به هدف نرسیده ما را جهت دهد. پیشنهاد می‌شود این کتاب در ۳ تا ۴ واحد درسی ارائه شود یا



نصف گردد و مطالب ساده تر در کلاس اول با عنوان جغرافیا (۱) و قسمت دوم کتاب با جغرافیای استان تحت عنوان جغرافیای (۱) تدریس شود. ارائه پیشنهادها و راه حلها زمانی میسر خواهد بود که حداقل یکسال این کتاب را آموزش داده و عملاً به راهکارهای درستی دست یافت. به نظر می رسد به عنوان مدرسن جغرافیا و ایجاد مهارت‌های آموزشی جهت انتقال بعد از اجرای این دوره راه درازی در پیش رو داریم که مستلزم همکاری و مساعدتیم.

بدان امید که جغرافیا جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا کند و با پژوهشهای بنیادی و عمقی که در حال شکل گرفتن است پایه های علمی کشورمان را تقویت و تحکیم نماید.

خانم صابری:

تشکر می کنم و واقعاً از کسانی که زحمت کشیدند و این کتاب را نوشتند اگر امکان دارد این کتاب به دو کتاب تقسیم شود که یکی مشکلات و مسائل جهانی و یکی مسئله ایران را مطرح کند مثلاً هر بخشی که داریم هم مسائل جهان باشد و هم ایران. این خودش در واقع به کم شدن حجم کتاب کمک می کند. دیگر این که ما یک هدف داریم که مسائل جغرافیایی را به دانش آموزان بیاموزیم ما باید بدانیم که چه دیدی به دانش آموزان می دهیم؟ یعنی اینکه من احساس می کنم بیشتر دیدی که تا به حال به دانش آموزان داده شده یک دید یأس آمیز است مثلاً دانش آموز در این دنیای که زندگی می کند دود خفه اش می کند، خاک زیرپایش هم آلوده است، شهرهای بزرگ مشکلات حاد دارند، رشد جمعیت خیلی زیاد است و گرسنگی و سوء تغذیه وجود دارد. بنابراین اگر مقداری هم از پیشرفت ها و مسائل مثبت هم صحبت بشود شاید خیلی بهتر باشد.

خانم فلاحیان:

من ضمن این که انتظار داشتم یک بررسی عمیق تری از کتاب میکردند و بعد فکر کردم شاید چون کتاب در یک فرصت خیلی سریع و خیلی کوتاه مدت به شکل یک فیلم خام مونتاژ نشده بدست همکاران رسیده باعث شده که بیشتر انتقادات به حجم کتاب برگردد.

اما من می خواهم به چند نکته اشاره بکنم: اول اینکه در برنامه ریزی درس جغرافیا این کتاب دارای برنامه است و این قدم یک گام مثبت محسوب می شود چون در گذشته در اکثر کتابها منجمله کتابهای جغرافیا رسم بر این بود که متن هایی را از کتاب درسی سایر کشورها و از کتاب هایی که اساتید دانشگاه نوشته بودند به عنوان متن درسی که دانش آموز باید مورد استفاده قرار بدهد تدوین میکردند. اما در برنامه درسی کنونی برنامه جامعی برای دوره های ابتدائی راهنمایی و دبیرستان وجود دارد که در آن اهداف، محتوا، رویکرد و روشها معلوم و مشخص است این یک مسئله بسیار مهم است که این برنامه به طور کامل به اجرا در بیاید شاید ما متوجه بشویم که چه گام مثبتی برداشته شده دوم اینکه برای اولین بار است که در کتب درس جغرافیا در ایران فقط به حیطه دانش و اطلاعات توجه نشده و به حیطه مهارتها و تا اندازه ای ارزش ها هم بها داده شده است. سوم اینکه این کتاب دارای راهنمای معلم است و کتاب های سابق ما هیچکدام راهنمای معلم نداشتند. چهارم اینکه سعی شده از انواع شیوه ها برای جذب دانش آموزان در ایجاد انگیزه لازم استفاده شود. از عکس، کاریکاتور، نقاشی، بریده جراید و امثال آن. البته ما در کتابمان مشکلاتی هم داریم یعنی در اجرا مشکلاتی داریم ضمن اینکه مشکلات مربوط به حجم کتاب البته حل خواهد شد و کلاً این کتاب مورد بازنگری قرار خواهد گرفت. اما به دو مشکل دیگری اشاره کردند یکی اینکه ارتباط منطقی بین فصول وجود ندارد و دیگر اینکه کتاب با یک رویکرد نوشته شده و موضوع محور است. من نمی دانم منظورشان از اینکه ارتباط منطقی وجود دارد یا نه یعنی چه. در یک رویکرد موضوع محور، ما موضوعات را برمی داریم و سپس آنها را در مکانها مورد بررسی قرار می دهیم و لازم نیست که این موضوعات با همدیگر ارتباط داشته باشند. مهمترین موضوعاتی را که جهان امروز با آن مواجه است و به خصوص موضوعاتی مثل بیابانها و آب که موضوعات خاص ایران است با این نگرش در شورای برنامه ریزی انتخاب شده دوم آنکه خانم صابری فرموده بودند که ما بهتر است این کتاب را به دو بخش جدا تقسیم کنیم یک قسمت را جهان بگذاریم و قسمت دیگر را ایران بگذاریم درست است. الان در آموزش جغرافیا در جهان امروز به این شکل است موازنه مقیاس یک مسئله مهم است یعنی دانش آموزان باید بتوانند تعمیم بدهند آن مسائلی را که در سطح جهان مطرح است ببینند نیروها چگونه عمل می کنند در ناحیه موردنظر و این قبلاً هم عنوان شده بود. ما یک مسئله را در الگوهای جهانی مورد بررسی قرار می دهیم اگر بشود در مقیاس قاره ای و سپس در کشور خودمان یعنی در سطح ملی و سطح ناحیه در استان مورد توجه قرار می گیرد. به هر حال من فقط یک نکته را می توانم بگویم و آن اینست که آقای ملک عباسی فرمودند مشکلات را باید حل بکنیم من می گویم که این تحول نیاز به یک حمایت فعال دارد و حمایتش هم یعنی کار و تلاش. یعنی همکاران ما واقعاً باید کار بکنند، تلاش

بکنند، پیشنهادهایی بدهند که پیشنهادهای سازنده‌ای هستند مسلماً و راهکارهایی بیابند و اگر می‌خواهند چیزی که سالها از آن گله و شکایت داشتند به عنوان جغرافیای سنتی و مجموعه خصیصه‌های منفی که وجود داشت. اگر می‌خواهند در ایران تحولی پیدا بشود باید کمک و حمایت بکنند بیشتر از آن و این کمک و حمایت با کار و تلاش توأم خواهند بود.

آقای محمدی:

با عرض معذرت دو یا سه مورد از مطالبی که قبلاً گفته شده فراموش شده شاید یکی دو مورد از چیزهایی که الان خدمتتان می‌گویم یک مقدار بلند پروازانه باشد ولی اگر بخواهیم موفق باشیم در کارمان باید همه جانبه به مسائل نگاه کنیم. به نظر خود من اگر با این روش، اینکه در کلاس کار گروهی داشته باشیم با بچه‌ها کار بکنیم فعالیت بکنیم بچه‌ها فعال باشند با این میزان حجم دانش آموزشی که ما در کلاسها داریم یک مقدار مشکل خواهد بود و حتماً مشکل خواهد بود چه من و چه همه همکارانم با این مطلب دچار مشکل خواهند بود چون حجم دانش آموختنی که داریم حتی هر جلسه‌ای که بخواهیم هر کدام یک کلمه حرف بزنند مسلماً فرصت نخواهد بود تا اینکه در مورد یک موضوع بخواهیم از هر کدام نظری بخواهیم. باید تعداد دانش آموزان ما در مدارس کمتر باشد تا این مطلب موفق تر باشد مطلب دوم اینکه با وجود اینکه همکاران می‌فرمایند که حجم کتاب را کم خواهند کرد با همه اینها بالاخره اگر از صد و خرده‌ای صفحه یک مقداری هم کم شود می‌شود صد صفحه در کنار این جغرافیای استان را هم داریم و ۲ واحد در سال به نظر من کم خواهد بود از این نظر اگر بخواهیم واقعاً کار بکنیم و اگر بخواهیم کار نکنیم نه چیزی خواهد شد که دلمان می‌خواهد نه تغییر اساسی خواهد بود نه نتیجه‌گیری درستی اما اگر بخواهیم کار کنیم و فعالیت‌شان را بررسی کنیم زمان کم می‌آوریم.

پیشنهاد سوم که بلند پروازانه تر از پیشنهاد قبلی من است به نظر من ایجاد کارگاه جغرافیا در هر مدرسه است چون جغرافیا یکی از علوم است که اگر بخواهیم در آن فعالیت درست و حسابی بکنیم بایستی همراه با ابزار کمک آموزشی باشد. نقشه‌های متعدد، فیلم و بقیه مواردی که نیاز داریم تا یک جغرافیای درست و حسابی و آموزش جغرافیای درست و حسابی داشته باشیم و آن هم کارگاه جغرافیا می‌خواهد که وسایل را در آنجا قرار دهیم و هر دفعه دچار مشکل نشویم و با وجود آنکه می‌دانیم در خیلی از مدارس حتی یک نقشه ساده را هم نداریم و می‌گویم بلند پروازانه به این خاطر است که خودم این اطلاع را دارم که در مدارس تدریس کردم که اولین نفری بودم که برایشان نقشه خریدم با وجود اینکه چندین سال در آنجا تدریس جغرافیا صورت می‌گرفت. مطلب دیگری که باید عرض کنم چون جزء مؤلفین کتاب استان هستم می‌توانم در این مورد صحبتی هم

داشته باشم این است که کتابهای استانی که من دیدم مخصوصاً استان زنجان که دیگر نور اعلی نور شد به جهت اینکه تغییراتی صورت گرفته در سال‌های متعدد، قزوین مدتی جدا شده و مدتی هم تاکستان جدا شده و تغییراتی مدام صورت گرفته ولی این کتاب باز همان کتاب است. ما آماری داریم در حال حاضر مربوط به سال ۶۵-۶۶ که در آن زمان استان زنجان همراه با قزوین و تاکستان و بقیه بوده هیچکدام از آن آمار نه اطلاعاتش و نه نقشه‌اش درست نیست اما باید تغییر پیدا کند. در مورد سایر استانها هم من دیدم یا میزان را از نظر کمی خیلی بالا بردند و کیفیت را پایین آوردند و یا کیفیت را همراه با کمیت بالا بردند یعنی هر دو مشکل آفرین است. من با همکارانی که صحبت کردم در تدریس دچار مشکل بودند به جهت ضیق وقت، مطلب دیگری که می‌خواستم خدمتتان توضیح بدهم در مورد ارزشیابی بود. ابهاماتی که من در این زمینه داشتم این بود: ۱- آیا ما اصلاً ارزشیابی نهایی در این مورد خواهیم داشت یا نه؟ ۲- دانش آموزان ما و خانواده‌های آنها عادت به ارزش‌یابی پایانی دارند خیلی از موارد در سؤالی که در طول ترم انجام می‌شد با این امید می‌نشستند که بالاخره سؤال پایانی هم هست آنجا نمره مان را می‌گیریم.

اگر نخواهد بود برنامه می‌ریزیم، ما در طول سال نمراتی که می‌دهیم به فعالیت‌هایی که این دانش آموزان انجام می‌دهند کارهایی که انجام می‌دهند بدانند که دقیقاً ارزش خواهد داشت نمره‌ای که آنجا می‌گیرند در واقع تعیین کننده است برای طول سال و اینجاست دانش آموز فعالیت خوبی خواهد داشت ولی اگر ما بگوییم ۵ نمره برای فعالیت‌هایی است که در کلاس انجام می‌دهید و ۱۵ نمره پایان ترم، می‌گویند ما ۵ نمره را نمی‌خواهیم و همان ۱۵ نمره را در آخر می‌گیریم در اینصورت باز دچار مشکل خواهیم شد. مطلب بعدی اینست که کتاب راهنمای معلمی که الان می‌بینیم خوب هست اهداف جزئی و کلی را گفته و نتیجه‌ای را که می‌خواهیم بگیریم گفته ولی یک سری اطلاعات جامعی را در اختیار ما قرار نمی‌دهد یعنی ما مثلاً خانم فلاحیان که توضیح می‌دادند در مورد بخش جمعیت مطالبی که در مورد بخش جمعیت در کتاب است با آن چیزهایی که ایشان فرمودند خیلی تفاوت دارد یعنی ایشان با کیفیت بسیار بالا عالی توضیح دادند و در این کتاب خیلی کم است ما این مطالب با کیفیت بالا را باید در کتاب داشته باشیم که معلم وقتی کتاب را می‌خواند این مطالب را داشته باشد و در دسترس او باشد تا بتواند استفاده بکند یا منابعی را ذکر کنیم که کتابی که نوشتیم از چه منابعی است که ناچار از آن منابع استفاده بکنیم یا حالا اطلاعات جامع تر به عنوان آن کتاب راهنما باشد.

خانم کامل:

من معتقدم که حجم کتاب سنگین است و بهتر است یک مبحث را منتقل کنند به سال دیگر. حقیقتاً مطالب خیلی جالب جمع آوری

شده و اینکه بیائیم کتاب را کمی فشرده تر بکنیم معلم مجبور می شود که تندتر از مطلب رد شود و جا نیفتاده مطلب را ادا بکند و برود و بخاطر این، آن اهدافی که از پیش تعیین شده و این مطالب برایش در نظر گرفته شده بود به آن اهداف ممکن است نرسیم. مباحثی مثل گردشگری اگر منتقل شود به سال های بالاتر که بچه یک مقدار رشد بیشتری می کند هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ عقلی و خیلی مسائل دیگر شاید بهتر باشد یا اینکه ما بیائیم جدا کنیم آن قسمت را که در مورد ایران است از قسمت جهان. من فکر می کنم که قرار دادن این دو تا در کنار هم دانش آموز را وادار به فکر کردن در این مورد می کند که جایگاه کشور خودش را نسبت به سایر کشورها و سایر نقاط جهان بدانند و یک مقایسه ای بکنند حتی برای خودش یک برنامه ای برای آینده اش ترسیم بکند یا توانایی کشور خودش را با آنها مقایسه کند. فقط این نیست بلکه من احساس می کنم ساعاتش کم است با توجه به اینکه فقط همان دو واحد را برایش در نظر گرفتند و واحدی دیگری به آن تعلق نمی گیرد این مطالب که واقعاً خیلی متناسب و به جاست انتقال پیدا بکند به سال های بالاتر.

آقای ملک عباسی:

من یک اشاره ای دارم به سطح کتاب که می گویند پایین آمده است به نظر می آید خیلی از دوستانی که آمدند اینجا انتظار داشتند با یک برنامه دانش افزایی روبرو شوند که آخرین مسائل جغرافیایی، نظریات دانشمندان در مورد مشکلات جغرافیا و محیط زیست و غیره را بشنوند و یا اینها را در کتاب جدید ببینند، ولی ظاهراً می بینند که مطالب یک مقداری عادی طرح شده، البته خیلی عادی نیست برای اینکه ما خیلی عادی برایتان بیان کرده ایم ما که به عنوان مؤلف عمل کرده ایم سطحش را متناسب بیان نکردیم و به نظر می آید که سطح کتاب و مطالب معمولی است در حالیکه اینگونه نیست. اگر هم اینگونه باشد باید به هدف این کتاب و هدف این نگرش که موجش در برنامه ریزی وزیده توجه بکنیم و آن اینکه از علوم می خواهیم استفاده بکنیم که دانش آموزان را به مرحله تفکر برسانیم و آنها به مرحله ارائه فکر و نظر برسند به مرحله ای برسند که در واقع بتوانند از اطلاعات برای



حل مشکلات استفاده کنند و این قبیل کارها، در گذشته اینگونه نبود. نکته دوم که فکر می کنم بد نیست دوستان به آن توجه داشته باشند اینست که شما تا چند روز دیگر اینجا را ترک خواهید کرد با کوهی از مشکلات. اما بد نیست دو تالیست تهیه بکنید اول برای اجرای کلاس درس که با همکارانتان در طول سال خواهید داشت شما چه باید بکنید مشکلاتی که با این معلمین خواهید داشت چیست؟ فرض کنید معلمان پر توقع، معلمانی که فشار می آورند و اعتراض می کنند به حجم کتاب راجع به تک تک اعتراضات و مشکلات و موانعی که برای تشکیل این کلاس ها و همچنین برای اجرای این کلاسها به نظرتان می رسد لیست کنید و برایش یک جواب پیدا بکنید. نکته دوم تصور کنید که سال آینده همین موقع ما بالاخره این کتاب را با جرح و تعدیل هایی که خواهد شد در کلاس برای دانش آموزان بخواهیم تدریس بکنیم، آن هم برای خودش مشکلاتی دارد به قول آقای محمدی با مدیر و یا منطقه مشکل دارید با خود دانش آموز، ارزشیابی آن مشکل دارد برای آن هم من تصور می کنم لیست دیگری نیاز است که تهیه کنید و برای تک تک آنها راه حلی پیدا کنید. ما هم به عنوان اینکه همکار شما هستیم در این زمینه می توانیم مفید باشیم انشاءالله حتماً با ما تماس بگیرید ما را در جریان کارهایتان قرار بدهید و خود ما هم مثل شما بدانید که در کلاس خواهیم رفت و این کلاسها را اداره خواهیم کرد به هر حال چون هدف مشترک و مشکلات مشترک داریم ارتباط داشتن با همدیگر در این زمینه می تواند مؤثر باشد.

آقای چوبینه:

من می خواهم تشکری بکنم از همکارانی که تا این موقع با همه خستگی که از یک روز پرتلاش در آموزش این دوره داشتند تحمل می فرمایند و نظر می دهند و واقعاً جای سپاس و قدردانی از همه همکاران دارد به نظرم می آید به عنوان آخرین نفری که باید صحبت کنم بد نیست یک اشاره ای بکنم به نکاتی که در مجموع دوستان ارائه نمودند یادآوری به جا و به موقع کردند جناب امیری در مورد معرفی اعضای شورای برنامه ریزی گروه جغرافیا به جز دوستانی که حاضر هستند از جمله دکتر شایان، خانم مقیمی، آقای امیری، خانم فلاحیان و بنده بقیه اعضای شورای برنامه ریزی که حاضر نیستند عبارتند از: جناب آقای دکتر علیجانی، آقای مقصودی از کارشناسان برنامه ریزی و سرکار خانم آزادمهر که به هر حال یکی دو سال گذشته در تهیه راهنمای برنامه درسی جغرافیا و راهنمای برنامه درسی جغرافیا (۱) زحمت کشیده اند از این فرصت استفاده می کنم از همکارانم تشکر می کنم در دفتر برنامه ریزی و به خصوص در تیم تألیف که در یک سال گذشته علی رغم همه سختیهایی که چنین کاری همراه دارد علی رغم همه مشکلات که من به عنوان مسؤل گروه جغرافیا برای این عزیزان فراهم کردم از جهت فشاری که ناچار بودم به آنها بیاورم از بابت آماده نبودن بخشهای خودشان در زمان مقرر و

در این بین یک سری توهمانی که شاید پیش آمده باشد در اینجا استفاده بکنم و تشکر بکنم از دوستان و عزیزانی که واقعاً حق مطلب را در زمینه همکاری و مروت و دوستی تمام کردند. یکی دو نکته به عنوان جمع بندی خدمت عزیزان عرض می کنم: بحث مربوط به حجم کتاب و غلظت محتوا را ما هم به آن معتقدیم و قبل از اینکه این میزگرد را تشکیل بدهیم به آن رسیده بودیم و انتظار هم همین بود که دوستان با نکته سنجی و تیزبینی تک تک موارد را بفرمایند و بحمدالله هم همینطور شد و ما استفاده کردیم، به نظرم می آید از مجموعه مباحثی که از عزیزان شنیدم که یک دل نگرانی که مسلماً این دل نگرانی از سر تعهد و دلسوزی است که نسبت به حرفه خودمان داریم، آن هم این که ممکن است روح کتابی که ما تألیف کردیم روحی اضطراب زا و مایوس کننده باشد که انشاءالله باید به این نکته هم حتماً عنایت کنیم چون ما نه این حق را داریم و نه چنین کاری صلاح ماست که برای بچه ها و برای نسل های آینده از حالا دل نگرانی و اضطراب فراهم بکنیم تمام سعی ما باید بر این باشد که آنها را برای زندگی بهتر از زندگی خودمان برای نسل های آینده آماده بکنیم که اگر غیر از این باشد ممکن است کاری که بر عهده ما گذاشتند کوتاهی کرده باشیم. اشاره فرموده بودند از دوستان که اطلاعات جامع از هر درس در کتاب راهنمای تدریس بگنجانیم که من فکر می کنم در انتهای راهنمای تدریس فهرست منابعی که برای مطالعه بیشتر اشاره شده باشد. عزیزانی در دبیرستانها تدریس می فرمایند همه فارغ التحصیلان دانشگاهها هستند که با روش های تحقیقی و چگونگی کسب اطلاعات بیشتر آشنا هستند با این حال درصدد هستند دوستانی که منابع جانبی هم برای این کتاب فراهم بکنند، انشاءالله به محض آماده شدن یا به شکل مجرد و مجزا چاپ خواهد شد یا به عنوان بخشهایی از مجله رشد جغرافیا در اختیار دوستان قرار خواهد گرفت.

خانم کامل فکرمی کنم اشاره فرمودند به کسر یک فصل و انتقال آن به سال بعد با توجه به اینکه این کتاب راهنمای برنامه دارد من بعید می دانم که نهایتاً به چنین راه حلی بتوانیم برسیم که فصلی یا درسی از این کتاب را کم بکنیم و ما بیشتر باید تأکیدمان روی تعدیل کتاب بکنیم و از نظر غلظت و همین طور محتوا. از مجموعه مطالبی که دوستان اشاره کردند به نظرم می آید که بد نیست ما مشکلات مربوط به راهنمای برنامه و برنامه آموزشی جغرافیا با کتاب جدید التالیف که در مورد جغرافیا تألیف می شود را به دو دسته تقسیم کنیم: بخشی از مشکلات به مشکلات برنامه ای و در واقع به مشکلات آموزشی اختصاص پیدا می کند و بخشی از مشکلات به بخش اجرا ارتباط پیدا می کند. به نظرم می آید دوستان وقتی لیست می کردند مشکلات را، عمدتاً به مشکلات بخش اجرا از جهت عدم هماهنگی عوامل اجرایی مدرسه، کمبود وسایل کمک آموزشی، کمبود ساعات درسی و مطالبی از این قبیل اشاره کردند که انشاءالله روزی برسد تمام مشکلات برطرف شود ما هم آرزو می کنیم جغرافیا جایگاه و پایگاه

واقعی خود را در بین علوم پیدا کند اگر چه این جایگاه وجود دارد و ما سعی مان را می کنیم که وظیفه ای را که در قبال رشته تحصیلی خودمان داریم به نحو احسن اجرا بکنیم.

آقای شایان:

همچنان که اشاره شد کتاب حاضر جزئی از یک برنامه است یک برنامه مدون و نسبتاً کامل که بسیاری از قسمت های آن مشخص و روشن است هنگامیکه می خواستیم دست به تألیف این کتاب بزنیم هر چه فشار به ما آوردند که این کار را شروع کنید و بنویسید ما گفتیم که نمی توانیم بدون یک نقشه کامل و دقیق ساختمانی در هوا خانه بسازیم. بلکه باید بدانیم که زیر پایمان چه خبر است و بعد بالای سر ما چه می خواهد باشد باید بدانیم برنامه های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی چیست و ما هم از آن تغییرات اطلاع داشته باشیم بعد شروع کنیم کتاب اول دوره متوسطه را فراهم کنیم. به همین خاطر برنامه ای که ظرف دو یا سه سال در سازمان پژوهش و برنامه ریزی مطرح بود تحت عنوان درس مطالعات اجتماعی به جریان افتاد و با سرعت بیشتری جلو رفت تا برنامه دوره ابتدایی مشخص شده و معلوم شود در آن سالها دانش آموزان ما چه چیزهایی را خواهند خواند و بعد برای دوره راهنمایی هم برنامه ای مدون شد از طرف گروه جغرافیا که دانش آموزی که به دوره راهنمایی می آید بعد از خواندن آن مطالب که مال دوره ابتدایی است حالا طی سه سال دوره راهنمایی چه می خواهد مطالعه کند؟ هنگامیکه این نقشه اولیه دوره ابتدایی و راهنمایی تهیه شد آن وقت بود که دوستان ما قبول کردند که حالا بروند سراغ دوره متوسطه و گرنه برنامه ریزی کردن بدون آنکه آدم بداند که از قبل چه پیشینه ای وجود دارد و این دانش آموزانی که به دستش میرسند چه مطالبی را فرا گرفته اند مسلم است که یک برنامه ای است که از اول محکوم به شکست و فتناست. برنامه های دوره ابتدایی و راهنمایی تهیه شد سپس دوستان ما شورای خودشان را تشکیل دادند برای دوره متوسطه و بیش از ۶۰ جلسه افراد شورای برنامه ریزی جغرافیای مقطع متوسطه دور هم نشستند که شاید بیش از ۱۴۰ یا ۱۵۰ ساعت طول کشیده باشد و بین ۸ تا ۱۱ نفر در این جلسات شرکت داشتند و علاوه بر آن یک کمیته های فرعی هم تشکیل می شد که آنها هم ساعت ها کار میکردند. اینها همه کارشناسانی بودند که می خواستند نقشه کتاب را بریزند نه اینکه کتاب بنویسند. وقتی که برنامه فراهم شد و مشخص شد و حتی تا دوره پیش دانشگاهی این گروه پیش رفتند و معلوم کردند که در پیش دانشگاهی چه چیزی خوانده خواهد شد، آن وقت بود که نوبت به تألیف کتاب رسید.

البته قبل از اینکه این کتاب هم تألیف بشود ما یک برنامه اعتبار دادن به این برنامه درسی را داشتیم اعتبار بخشی هم انجام شد و ۳۰ تا ۴۰ نفر از اساتید و صاحب نظران و گروههای آموزشی برنامه را خواندند و اصلاح کردند و نظریات خودشان را به ما دادند و نقشه

کار ما اصلاح شد حالا آن موقعی که نقشه را بدست ما دادند و مشخص کردند تازه ما می‌گشتمیم دنبال مهندسین اجرا تیم تألیف مشخص شد برای جغرافیا (۱) و خلاصه بعد از نزدیک به هفت ماه زحمت شاید شبانه روزی کتابی که ملاحظه می‌فرمائید بیرون آمد.

در گروه‌های درسی دیگر هم تحولاتی صورت گرفت و آنها هم با موازات جغرافیا به جلو می‌آیند تا انشاءالله یک برنامه درسی مدون و مشخص و همه گیر اجرا شود نه اینکه فقط درس جغرافیا فعال باشد درس جغرافیا به روز باشد اما سایر درسها عقب بمانند و مانند یک وصله نوری یک لباس کهنه کاملاً خودش را از دور نشان بدهد.

خوشبختانه گروه‌های دیگر هم با گروه جغرافیا هماهنگ هستند. گروه‌های فیزیک، علوم، ادبیات، تاریخ و علوم اجتماعی هم وقتی که دیدند جغرافیا همچنین برنامه‌ای مدون و مشخص فراهم کرده به فکر افتادند و آنها هم فعالیتهایی را دارند انجام می‌دهند.

در انتهای آن راهنمای برنامه جغرافیا، ما یک صفحاتی داریم تحت عنوان عوامل لازم برای موفقیت برنامه که حدودی شاید ۲۰-۱۰ مورد مشخص شده که اگر برنامه می‌خواهد موفق شود باید این شرایط

برایش مهیا باشد وگرنه از همان ابتدا محکوم به شکست است و بسیاری از مسائلی که دوستان ما مطرح کردند در این جلسه، در داخل همان شرایط موفقیت برنامه پیش بینی شده بوسیله برنامه ریزان آمده است.

اگر یافته‌های جدیدی داشته باشیم آنها را ما دوباره می‌توانیم به برنامه وارد کنیم چرا که برنامه، برنامه‌ای انعطاف پذیر است. برنامه‌ای نیست که دیگر نتوانیم به آن دست بزنیم و اصلاحش کنیم و از یک مدل برنامه ریزی خوب و قابل انعطاف استفاده شده است.

من می‌خواهم از دوستانی که در جلسه حضور دارند یک سؤال بکنم و سؤال مربوط به مجله رشد آموزش جغرافیاست. برنامه جدیدی در حال طرح و اجرا است و دوستان ممکن است مشکلاتی داشته باشند. آیا فکر می‌کنید که مجله رشد جغرافیا در فراهم کردن زمینه‌های اجرای برنامه‌های جدی جغرافیای دوره متوسطه می‌تواند چه نقشی را بر عهده بگیرد؟

آقای نژاد عباسی

فقط به یک مطلب می‌خواستم اشاره بکنم در رابطه با مجله رشد بعضی از همکاران در رابطه با منابع صحبت می‌کنند ما در استان مشکل داریم اگر در این زمینه قسمتی از مجله اختصاص پیدا بکنند چه در مورد جغرافیا (۱) یا مطالبی که در آینده مطرح خواهد شد فکر می‌کنم مشکل هم حل خواهد شد و دیگر نیاز به منابع هم نخواهد داشت بعد یک اجباری شود که دبیرستانها یا مراکز آموزشی که مشترک مجله بشوند یعنی مجله را بخرند، ما معمولاً نداریم در مدرسه‌ها حتی مدارسی که مشکل مالی ندارند توجه ندارند.

توصیه می‌کنیم اگر نامه‌ای نوشته بشود به صورت اداری شاید آموزشگاهها مکلف بشوند که کاری انجام دهند همکاران ما هم که

بی توجه هستند آنها نیز توجه خواهند کرد و مشترک مجله رشد آموزش جغرافیا خواهند شد.

آقای آخوندی:

با تشکر از زحمات کلیه افرادی که در تهیه مجله رشد جغرافیا شرکت دارند. مجله رشد جغرافیا باید کیفیت بالاتری پیدا کند و به عنوان یک مجله ارائه بشود از مشکلات مجله اینست که تیراژ کمی دارد و به موقع به دست همکاران نمی‌رسد اگر امکان دارد سعی شود لااقل یک نسخه برای سرگروه هر شهرستان فرستاده شود تا همکاران

دیگر بتوانند در کتابخانه آن گروه از این مجله استفاده کنند. سعی بشود در چاپ‌های آینده به تغییرات کلیه کتب درسی در سطح راهنمایی و دبیرستان پرداخته شود تا همکاران به تغییرات این کتب آشنا بشوند در این مجلات تا آنجایی که مطالعه داشتم مقالات بیشتر مربوط به افراد یا گروه خاصی چاپ می‌شود، حالا نمی‌دانم سایر متخصصین جغرافیا مقاله‌ای نمی‌نویسند یا نسبت به آنها بی‌توجهی نمی‌شود.

خانم صابری:

مسئله‌ای که هست اینست شاید بهتر باشد بیاید مسائل تدریس جغرافیا را به طور ناحیه‌ای و استانی مطرح بکنید که مثلاً همکارها چه مشکلی دارند حتی این به طور مصاحبه اگر امکانش نیست به صورت بخشنامه از همکاران خواسته شود تا نظراتشان را بنویسند.

مسئله دیگر اینست که ترجمه در این مجله بیشتر باید به آن بها داده شود خصوصاً در مورد اطلاعات به روزی که دانش آموز از معلم می‌خواهد و قتیکه مثلاً ما در مورد آلودگی صحبت می‌کنیم یا مسئله جمعیت چون آن اطلاعات اصلی در دسترس معلم نیست این بهتر است در مجله مطرح شود از مقالات کاربردی تر استفاده شود و دیگر

اینکه یک مقداری هم سعی کنند که فاصله بین دادن یک مقاله تا چاپ آن کمتر باشد و دو سال یک مقاله کمتر نماند.

آقای اویسی:

در ارتباط با مجله رشد جغرافیا این مسئله را می‌توان مطرح کرد و وظیفه مجله رشد جغرافیا می‌تواند در ایجاد ارتباط بین گروه جغرافیا و دبیران جغرافیا در سرتاسر کشور در زمینه‌های ذیل باشد. مجله می‌تواند اطلاعات روز جغرافیایی، مقالات مربوط به جغرافیا و شیوه‌های نوین در تدریس را برای همکاران معرفی نماید مباحث بیشتری از مجله به نظریات همکاران و دبیران جغرافیا اختصاص پیدا کند همچنین زمینه‌ای فراهم شود تا همکاران با ارتباط مستمر با مجله

مشکلات و مسائل آموزشی جغرافیا با مجله مطرح و مجله نظر کارشناسان ذیربط را به اطلاع همکاران برساند. معرفی همکارانی که در تدریس موفقیت داشتند جالب است و آخر اینکه در دسترس

قرار گرفتن مجله مشکلاتی دارد، به خصوص در مناطق دور افتاده ای مثل استان سیستان و بلوچستان و سایر نواحی محروم کشور انتظار می رود در صورت امکان حداقل یک جلد از مجله به صورت رایگان در اختیار دبیرستانهای مناطق قرار گیرد.

آقای ملک عباسی:

تصور می کنم اطلاع رسانی و تبلیغات و رسالت ابلاغ برنامه ها و پیام های جدید بوسیله مجله رشد آموزش جغرافیا امکان پذیر هست. فقط باید همه دوستان به نوعی این همکاری را داشته باشند که اگر در زمینه ارزش یابی این کتاب و کتاب هایی که در سال های بعد انشاء الله منتشر خواهد شد توصیه ای دارند یا آیین نامه ها باید تغییر بکند یا امتحان هماهنگ شود و به ذهن ما می رسد و افعلاً دریغ نکنیم و آنرا برای مجله ارسال بکنیم. یا ما در هیئت تحریریه ببینیم چه موضوعاتی محوری مهمی است در ارتباط با روشنگری با این برنامه های جدید، آن محورها را اعلام کنیم و همه همکاران در زمینه روش تدریس، در مورد محتوای کتاب درسی جدید، در مورد ارزشیابی، در مورد مشکلات و موانع راجع به این محورها هم نظر بدهند هم مقاله بدهند و ارائه طریق بکنند. من تصور می کنم در هر حال همه کار و مسئولیت را به دوش هیئت تحریریه نگذاریم، که آنها همه را تهیه بکنند و یا به فکر باشند شما هم به فکر باشید انشاء الله هر مطلبی که به نظر تان رسید در این راستا برای ما بفرستید.

آقای محمدی:

مطلبی که همکاران عزیز فرمودند نظریات کلی در مورد مجله رشد آموزش جغرافیا بود. به نظر من در مورد سؤالی که آقای شایان فرمودند کمتر توجه کردند. آقای شایان اینگونه فرمودند که آیا مجله رشد می تواند در تدریس این کتاب جدید التالیفی که وجود دارد کمک مؤثری به ما بکند؟ صد در صد مشخص است که می تواند به نتایجی جدید که مؤلفین می رسند پردازد و در مجله آن را عنوان کنند و معلمان به آن دسترسی پیدا بکنند. راهنمایی هایی لازم در مورد چگونگی تدریس در مورد راهکارهایی که این کتاب جدید می تواند برای آینده و کتاب های آینده داشته باشد همه را می شود در این مجله عنوان کرد یک مطلب خیلی جزئی و آن اینکه به نظر خود من نوع کاغذ از نظر کیفیت بسیار پایین است، روی جلد مجله را که نگاه می کنیم بسیار عالی است و آدم خوشش می آید بخرد ولی وسطش را وقتی ورق می زنی نوع کاغذ اصلاً آدم را از ذوق خواندن می اندازد خود من یک چنین حالتی را دارم.

آقای چوبینه:

خیلی تشکر می کنم از دوستانی که نظر دادند و ما را کمک کردند و یک نکته را متذکر شوم در مورد معرفی راهنمای برنامه درسی

جغرافیا که از شماره ۴۸ شروع شده تحت عنوان «آموزش جغرافیا راهی نو با مشکلات» بسیار که انشاء الله دوستان به آن قسمت مقدمه توجه کردند که هر قسمتی که معرفی می شود از همکاران می خواهیم که اگر نظری دارند در این مورد یا در کل مطالبی که ارائه شده برای ما ارسال بکنند که ما هم استفاده بکنیم. اشاره فرمودند به مقالات ترجمه ای که بیشتر باشد سهم آن که این را باید هیئت تحریریه انشاء الله در اولین فرصت به آن پردازد. اشاره فرمودند به فاصله بین ارائه مقاله و زمان چاپ، من خدمت دوستان عرض می کنم که در اینجا هر مقاله ای که به مجله می رسد ثبت می شود و به ترتیب نوبت و اولویت چاپ می شود. مقالات در زمینه آموزش جغرافیا و کتب درسی جغرافیا خارج از نوبت چاپ می شود و هیچ محدودیت زمانی ندارد. اشاره فرمودند به توجه بیشتر همکاران. من عرض می کنم که این اولین میزگردی است که ما توانستیم شاید بعد از مدتها برگزار کنیم. شاید هم اولین آنها باشد. آقای شایان بهتر از من میدانند. فکر می کنم جزء محدود میزگردهایی است که همکاران آموزش و پرورش ما شرکت کردند و در همین جلسه عنایت فرمودید که مصاحبه های کتبی را برای برخی از همکاران که حضور ندارند فراهم کنیم و این مصاحبه ها قرار است به نوبت در مجله چاپ شود ما همکاران مان را به عنوان الگو و نمونه ای از همکارانی که در سطح کشور داریم معرفی خواهیم کرد. اگر عنایت فرموده باشند و دوستان از شماره ۴۰ به بعد یک کادری را در بالای آن خبر قبل از شروع اخبار من نوشتم که مشخص می کند همکارانی که در سطح کشور هستند فعالیتی در زمینه آموزشی دارند یا وسایل کمک آموزشی ابداع کرده اند، طرح تدریس موفق داشته اند، تجربه بازدید علمی داشته اند و یا هر موضوعی که در زمینه آموزش جغرافیا موفقیتی در آن داشتند جهت انتقال به سایر همکاران و استفاده از تجارب آنها به مجله بفرستند و هیئت تحریریه هم استقبال می کند و حتماً آنها را درج خواهد کرد. به عنوان آخرین مطلب عرض می کنم که باز هم تشکر می کنم و سپاسگزارم که زحمت کشیدید و این مدت طولانی را تحمل فرمودید نظر دادید امیدوارم سال آینده سال پرباری برای شما باشد و ما در میزگرد بعدی که سال آینده خواهیم داشت خبر موفقیت شما را در دوره های ضمن خدمتی که در سطح استانهایتان برگزار می کنید را انشاء الله در مجله مان از طرف شما دریافت کنیم و به نوبت چاپ بکنیم تا همه بدانند این تفکر و این اعتقادی که بوجود آمده برای تحول برنامه های آموزش جغرافیا، حامیان جدید و مدافعان جدیدی هم برای خودش دارد.

آقای شایان

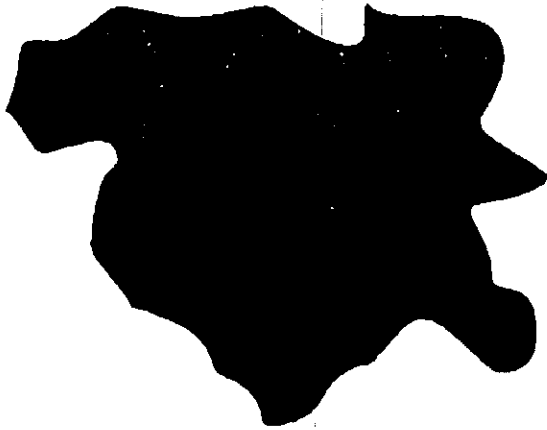
مجدداً از طرف اعضای هیئت تحریریه رشد آموزش جغرافیا و از سوی دفتر انتشارات کمک آموزشی که زحمات تولید فنی و چاپ مجله را متحمل می شوند از کلیه شرکت کنندگان در این میزگرد تشکر می کنم و برای همه آرزوی موفقیت دارم.

سعید خضری
دبیر جغرافیا - سنندج

بازتاب محیط در

زندگی انسانی مردم

کردستان



توجه:

در نگارش واژه‌های کُردی به جای فتحه از نشانهٔ (ه ه) و کسره از (ی) و ضمه از (و) استفاده شده است و علامت (r) زیر (ر) و بر روی (ل، و، ی) نشانگر تلفظ غلیظ و باز آنها می‌باشد.

چکیده

«هدف از نگارش این مقاله تأثیر طبیعت و محیط در زندگی انسانی مردم کردستان و چگونگی سازگاری انسان با طبیعت و رفع مشکلات عدیده طبیعی با بهره‌گیری از تفکر است که در این راستا از طبیعت و محیط در رفع مشکلات بهره‌جسته و در نهایت منجر به خلق آثار هنری و دست ساخته شده است.»

توان نوشتن انعکاس اثرات محیط در آثار هنرمندان خطه کردستان در مجموعه ای مختصر کاری بس دشوار است چون در واقع مثنوی هفتاد من از برای نمایش چنین اثراتی می‌طلبید. امید آنکه توانسته باشیم با سیاهی چند بر سینه سپید قرطاسی سوسوی فانوسی از این روزنه ناچیز هر چند مختصر تقدیم کرده باشیم، البته در دیار ما برگ سبزی است تحفه درویش «دیاری شوان ناله کوکه»^۱.

در مطالعات جغرافیایی با دو دسته پدیده مکانی روبرو هستیم: پدیده‌های طبیعی و پدیده‌های انسانی (فرهنگی). پس دو محیط مطرح می‌گردد: محیط طبیعی و محیط انسانی (فرهنگی). محیط طبیعی و پدیده‌های آن بر زندگی انسانی تأثیر می‌گذارند و محیط انسانی نیز مجموعه محیط طبیعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

پس محیط انسانی و طبیعی با یکدیگر رابطه متقابل دارند. بعنوان مثال چشم انداز جنگلی بانه، مریوان، و اورامان آب و هوای خاص را نشان می دهد که در آن رطوبت نقش آفرین است و این نوع خاص آب و هوا بر شکل خانه ها و نوع فعالیت اقتصادی ساکنان آن نیز تأثیر می گذارد. البته گروه های انسانی نیز با توجه به سطح فرهنگی که دارند بر محیط طبیعی تأثیر می گذارند، مثلاً در حوالی شهر بانه و راه های منتهی به این شهر شاهد از میان رفتن جنگلها به منظور استفاده از چوب درختان یا ایجاد مزارع و باغها هستیم.

بر اساس مبحث فوق به دو نظریه کلی اشاره ای مختصر خواهد شد:

۱- بنیان گذار مکتب جبر محیطی^۶ معتقد است که شرایط محیط طبیعی تأثیری تعیین کننده بر زندگی انسانی دارد و نظرات وی را جبری و جهان بینی اش را جبرگرایی یا متکی بر جبر محیطی می دانند. در این مکتب عقیده بر این است که محیط طبیعی به نحوی بارز تعیین کننده زندگی و حتی امکانات و توانایی های گروه های انسانی است.

۲- بنیان گذار مکتب امکانگرایی^۷ در برابر تفکر مبتنی بر جبر محیطی معتقد است که در مقابل این جهان بینی باید از جاذبه طبیعت سخن گفت و بشر در برابر محیط طبیعی از خود واکنش نشان می دهد و پیوسته می کوشد تا از امکاناتی که طبیعت در اختیارش قرار داده بهره گیرد.

قصد ما بیان نظریه ها و رد و قبول آنها نیست ولی آنچه مسلم است مکتب جبر محیطی را در خصوص منطقه کردستان بدان صورت که مورد تأکید پیروان آن است نمی توان تعیین کننده دانست و همیشه در خطه کردستان بین انسان و طبیعت رابطه متقابل وجود داشته که گاه در این کشاکش طبیعت بر انسان غلبه نموده و گاه انسان این سرزمین در مقابل طبیعت واکنش نشان داده است. در این راستا طبیعت بازتابی فراوان در آثار هنرمندان داشته و اگر کار آنان را از نظر بگذرانیم متوجه می شویم که محیط طبیعی نه تنها بر روی آثارشان بلکه در ساخت مساکن آنها نیز مؤثر بوده است. بعضی از اقدامها و امور انسان این دیار را که گاه در جهت سازگاری با طبیعت و گاه نشأت گرفته از آن بوده است را متعاقباً به اختصار بیان خواهیم کرد.

با نگاهی دقیق می توان رابطه آب و هوا با فعالیت های انسانی را درک نمود. درجه حرارت در حوادث کار دخیل بوده و آب و هوای خاص کانون های جدید فرهنگی می آفریند. درجه حرارت بر زیست

انسان، مرگ و میر و زاد و ولد وی مؤثر بوده است محیط طبیعی، با استقرار تمدنهای باستانی و حتی نوع موسیقی رایج ارتباط تنگاتنگی دارد. حتی از رابطه انسان و موقع سرآغازی، میان کوهی، کوهپایه ای و میان دو آبی وی می توان کیفیت مناسبات را درک کرد. نوع خاک و وسعت آن، دشتها، فلاتها، کوهستانها و علفزارها همگی در زندگی انسان و خلق آثار هنری او در این سرزمین دخیل می باشند. انسان هنرمندی که در این مقوله مورد بحث است دارای موقعیت کوهستانی، میان کوهی و کوهپایه ای است و در بعضی مکانها موقعیت دشتی دارد. نباید در معرفی انعکاس اثرات محیط در خلق آثار هنرمندان این دیار و انسان ساکن این سرزمین به زمان حال بسنده کرد و گذشته های دور را به بوته فراموشی سپرد و بعضی از امور فراموش شده را از اذهان شست.

از نخستین لحظات آغازین زندگی کودک کُرد در گهواره که تنها مأوایش پس از آغوش گرم مادر است چشم باز می کند و دست ساخته پدرش را می بیند که گهواره چوبی از مصالح محلی است و دستهای اسیر در دست بافت مادرش به نام «ده سرازه»^۸ است و از لحظه های آغازین می داند که باید از سختی و تنگنا رهایی یابد و با محیط خویش و طبیعت خشن مبارزه کند یا سازگار شود. با دست و پا بر روی گلیم و قالی دست بافت خواهرش می خزد و در خارج از خانه از گل اسباب بازی اش را می سازد همان طور که بزرگانش خشت و آجر می ساختند. زمانی که چشم باز می کند کوزه های سفالی حرارت داده شده را می بیند. دوغدان «دو دانه»^۹، باروت دان کدوئی و چوبین، کندوی عسل دست ساخت، کپر، قفس کبک، دسته های چاقوی چوبین یا درست شده از شاخ حیوانات را نظاره میکند. نی، سورنا، دهل، تُمبک و دیوان را برای روزهای غم و شادی می سازد. هنرمند کُرد از دوران کودکی اسب چوبین میراند و فلاخن «قوچه قانی»^{۱۰} برای شکار به کار می برد. از گیاهان در رنگرزی قالیها بهره می جوید. لباسش را از پشم گوسفند و موی بز تهیه می کند. نمد می سازد، «فهره جی»^{۱۱} و پسک «په سته ک»^{۱۲} یاور شبهای سرد زمستانش می کردند. به دور کمر شالی «پشتیند»^{۱۳} می بندد و دستاری به نام «میزه ر یا جامانه»^{۱۴} بر سر و گیوه ای «که لاش»^{۱۵} به پا دارد که بازتاب محیط زندگی اش می باشند.

اجداد این مردم زرتشتی بوده اند و بچه هایشان را از ریختن آب بر آتش و سوزاندن برگ سبز درختان در آتش منع می کردند و به ساخت استخوان دان «استودان» جهت دفن مردگانشان می پرداختند.

وی ورزش‌های پهلوانی و باستانی را از طبیعت خشن فهمیده و خود به ساخت ابزار مربوطه اش پرداخته و «قه لماسک»^{۱۰} را اسباب بازی بچه‌اش کرده است. از ریحان رنگ جگری، از پوست گرد و قهوه‌ای، پوست انار رنگ قرمز، از سماق قهوه‌ای کمرنگ، از گیاه خنارنگ حنایی، از تمشک ارغوانی و بالاخره از گیاهان مختلف بهره‌های فراوان می‌برد.

انبان «هه مبانه»^{۱۱}، «خیگه»^{۱۲}، «مه شک»^{۱۳} و «مه شکوله»^{۱۴} ساخته و در نقاط برگزیده پشت بام خانه را صاف و هموار و بدون لبه‌های بالا آمده ساخته که برف رویی با سهولت میسر گردد و در نقاطی که بارش برف اندک است پشت بام را تبدیل به حیاط نموده است. در نقاط پست لباس روشن و شال کوتاه و در مکان‌های مرتفع از لباسهای تیره و شال دراز بهره برده است. از خاکستر آتش جهت شستشوی ظروف و از گِل رس پس از نیش زدن حشرات برای التیام درد استفاده کرده است.

برای فصل سرد کُرسی آماده کرده و در فصل گرم در نقاط پست جهت مبارزه با دمای بالا هواکش‌های پشت بام را بزرگتر از نقاط مرتفع درست نموده است. دف را از پوست و چرم و نی و فلوت را از گیاهان خودرو و «شمشال»^{۱۵} را از فلز آماده کرده است. گندم را برای فصل زمستان در زمین چال کرده و برف زمستان را نیز در درون زمین با ابتکاری ویژه ذخیره ساخته است.

از پشم بز مرغز «مهره ز»^{۱۶} لباسی که در پایین تنگ و در بالا گشاد است ساخته و آن را «رانک و چوخه»^{۱۷} نامیده که در خانه، کوه، مزرعه، مسافرت و مراسم مختلف قابل استفاده است. عرق چین ساخته و دیوار منزلش را کاه گِل نموده و تنور رسی را با اضافه کردن موی حیوانات با گِل محکم ساخته است.

پنیر، کره و دوغ را در پوست حیوانات ذخیره نموده و جاجیم و فرش بافته که هر کدام از طبیعت الهام گرفته‌اند. برای عبادت سجاده بافته و نقشه‌ی قالی کلاه فرنگ، گُل میرزا علی، «که له روسی»، موسایی، امان الله خانی، بید مجنون «شوره بسی»^{۱۸}، گل و کیلی، حدیقه، ماهی درهم، جُقه دو گره‌ای، جُقه چارکی، ماهی درهم از بالا به پایین «سه رتا خوار»^{۱۹} شاخ گوزنی، جاشیه زری، جاشیه بازوبندی، شکاری و ... که همگی نشات از محیط طبیعی و اجتماعی فرهنگی وی هستند را تقدیم نموده است. با دوک «ته شی»^{۲۰} ریسنگی آغاز و «بیژنگ»^{۲۱} از پوست حیوانات درست نموده و از روده دامها «سیلکه»^{۲۲} و «شه نه»^{۲۳} برای کشاورزی تدارک دیده و

دستگاه «حلاجی»^{۲۴} و «شه»^{۲۵} برای پاک نمودن مو، پشم و پنبه آفریده است و از دستگاه دست ساخت «جولایی»^{۲۶} برای تنیدن جاجیم استفاده می‌کند. از چوب درختان منطقه در و پنجره خانه را می‌سازد و قسمت هم کف یا زیرزمین خانه را برای نگهداری میوه جات و طبقه بالا را اطاق نشیمن یا «دیوه خان»^{۲۷} خوانده است. از گیاهان دارو برای بهبود امراض به دست آورده یا به صورت خوراک مصرف کرده است. برای نگهداری میوه سبدهای مختلف از شاخه‌های نازک و باریک بید بافته و زن کُرد در آشپزی رشته «هه رشته»^{۲۸} از خمیر ساخته و پلو و غذاهای محلی دیگر را زینت داده است.

مرد کُرد خانه گلی و سنگی اش را در دامنه رو به آفتاب بنیان نهاده و در فصل گرم در بیلاق «هه وار»^{۲۹} در زیر چادر دست بافت محصور به «چیخ»^{۳۰} (که خود از نی بافته شده) زندگی کرده است. لباس زمستانی وی آستین بلند و دارای «سورانی» یا «قه فی یانه»^{۳۱} است. زنها از «که و»^{۳۲}، «سوخمه»^{۳۳}، «سه لته»^{۳۴}، «کولبجه»^{۳۵} و «سه روین»^{۳۶} استفاده می‌کنند و گاه خود آنها را می‌دوزند. از درختان در صنایع دستی و مجسمه سازی استفاده برده‌اند و تخته نرد و شطرنج و مهره‌های آن، کسری قرآن، جانواری، میز و صندلی و انواع دکوراسیون یادگار این دیارند.

بچه‌های کُرد بازیهای محلی فراوان دارند و هنرمندان سر در منازل را به شیوه‌ای خاص معماری نموده و سبک معماری اماکن مورد تقدیس، متفاوت و دیدنی است. سینه‌های مسی «مه جومعه»^{۳۷} را خود سفید کرده و از «دیوجامه»^{۳۸} برای شکار کبک بهره جسته‌اند. دباغی چرم به صورت سنتی به وسیله «هه لال»^{۳۹} انجام می‌گیرد. ساخت انواع کمر بند، فشنگ دان، زین، خورجین، «قه مچی»^{۴۰}، افسار «له غاو»^{۴۱}، «به روک»^{۴۲}، «به رچاویله»^{۴۳}، نعل، «ویزه‌نگی»^{۴۴}، برای اسب و چارپا ساخته و از کتیرا و «سپون»^{۴۵}، زرده تخم مرغ و «گله سه ر»^{۴۶} جهت شستشوی مو استفاده برده و پولک ماهی و صدف را در تزئین لباس به کار بسته و طناب و ریسمان «گوریس»^{۴۷} بافی را آغاز نموده است.

مرد کُرد جارو ساخته و زن هنرمند کُرد دستکش و جوراب بافته است از گِل عجین با موی حیوانات پس از له نمودن کاسه، بشقاب و کوزه ساخته است و گاه به چوب درختان جهت ساخت لوازم پناه آورده است. زن هنرمند کُرد در هنر آشپزی «دوینه»^{۴۸}، «دوخوا»^{۴۹}، «شه له م»^{۵۰}، «ماشینه»^{۵۱}، «ترخینه»^{۵۲}، «فرو»^{۵۳}، «که لانه»^{۵۴} و در فصل بهار از گیاهان محلی همچون «گیلاخه»^{۵۵}، کنگر

«قازیاخه»^{۵۶}، «رازیانه»^{۵۷}، «په له شوانه»^{۵۸} و ... در ساخت غذاهای فصل بهار بهره جسته است. مردان هنرمند شانه های چوبین برای زنان ساخته اند و آنان نیز میخک خوشبو به گردن آویخته اند. و چنین است که در شعر شاعر نوگرا استاد «گوران»^{۵۹} انعکاس طبیعت چنین آمده است:

هه تاوی نه وروز، مانگی جودره و
 زور هاتوون و چوون به روژه به شه و ...
 خوره ی قه لبه زه ی که ف زیوینی چه م
 له هه زار چه شنه پرشنگی ناوته م
 میوه ی گه یشتوی زه ردو سوری باخ
 جریوه ی و جوکه ی دارستانی شاخ
 له گه روی شمشال، ته لی که مان
 گه لی هه لساوه ناوازه ی جوان جوان
 نه مانه هه موو جوانن، شیرین
 روشنکه ره وه ی شه قامی ژینن!^{۶۰}

انسان هنرمند اورامان سنگهای منطقه را تراشیده و در خانه سازی به کار بسته، آنها را صاف و هموار کرده و در آسیابهای آبی مورد استفاده قرار داده و هاون های بزرگ سنگی به نام «قول»^{۶۱} و «سندول»^{۶۲} و «ئاوان و دنگ»^{۶۳}، ساخته و دستار سنگی به نام «هاره»^{۶۴} را جهت آسیاب و نخود و غلات به کار بسته است.

از چوب درختان ملاقه های کوچک و بزرگ تراشیده و کلیه لوازم پخت نان چوبین همچون «تیروک»^{۶۵}، «پنه»^{۶۶}، وردنه، واز پارچه «نه رفیده»^{۶۷} یا «مانه»^{۶۸} ساخته است. «کوله وه ژ»^{۶۹} «نه ستیولک»^{۷۰} و «مه ندونه»^{۷۱} جهت آتش دان و امورات نانوائی از فلز و چوب فراهم نموده است. آهنگران این خطه تبر، بیل، کلنگ، داس، گاو آهن و حتی «نه قیزه»^{۷۲} ساخته اند. از چوب و الوار پُل روی رودخانه بنا کرده و با کوبیدن مویز و تخم گرد و ماده مغذی «گوزمه»^{۷۳} درست نموده است بچه کُرد تیله سنگی برای تیله بازی از مرمر ساخته و گزانگبین یا «گه زو»^{۷۴} جمع آوری نموده است.

نوازنده و خواننده کُرد از طبیعت الهام گرفته و گاه حزن و اندوه از ادبیات و اشعار و آهنگهایش میبارد. سرود تراژدی می سرایند و گاه شادی و طراوت به همراه دارد. غلبه بهمین و سیلاب و ریزش و لغزش کوه بر زندگی روستا «سیاچه مانه»^{۷۵} و «حه یران»^{۷۶} آفریده و فصل تحول (بهار) ترانه و سرود و شادی خلق کرده است. «هوره»^{۷۷} از آهنگهای قدیمی ستایش گونه ایست که یادگار اجداد زرتشتی وی

است و گاه «موره»^{۷۷} و «به زم»^{۷۸} شاهکار هنر خواننده این دیار محسوب می شود.

مردان در جشنهای «بیلندانه»^{۷۹}، (قبل از نوروز)، چهارشنبه سوری، نوروز و اعیاد مذهبی و ملی دیگر هنرنمایی نموده اند. پایکوبی دسته جمعی انعکاس غنای فرهنگ این دیار است. روستای همجیج و نودشه مظهر روستاهای فعال هنرمند کرد اورامان هستند لباس مردان و زنان کُرد که خود نشانگر هویت فرهنگی آنان است همانند مسکن تحت تأثیر شیوه زندگی و محیط جغرافیائی مردم این سامان بوده است.

دست هنرمندان از درخت گردو قلیان ساخته و با «سیازاخ»^{۸۰} آترارنگ کرده و با دنبه چرب نموده است و مانع از ترک آن در اثر آب و رطوبت گردید. از کثیرا انواع چسب تهیه نموده و در رنگ آمیزی پارچه ها و تهیه مواد آرایشی و محلولهای نرم کننده استفاده برده و سقز را به عنوان صمغی که در پزشکی و ساخت دندانهای مصنوعی و داروسازی و رنگرزی و نقاشی و لیتوگرافی و عطر سازی کاربرد دارد جمع آوری نموده و سماق را به عنوان چاشنی غذا مصرف یا در رنگرزی استفاده کرده است.

«خویدان»^{۸۱} یا «خووانه»^{۸۲} دست بافت زن این منطقه است و «دولاخ»^{۸۳} را به عنوان ساق بند از پشم برای میج و ساق پا بافته است. «که وانه»^{۸۴} را برای بستن به زیر کفش درست نموده تا در برف فرو نرود و جوراب، دستکش پشمی و «زه نگال»^{۸۵} یا «پوزلیخ»^{۸۶} بافته تا از سرما در امان بماند و گوشت غذایش را به صورت «قاورمه»^{۸۷} در آورده که خود روشی ابداعی جهت جلوگیری از فساد غذا در فصل گرم است. «دودانه»^{۸۸} و همچنین «که نسوی»^{۸۹} رسی و زاغه خلق کرده و دیوار خانه اش را جهت سازگاری با کوهستان عریض نموده است. در حمل بار از چهار پا استفاده کرده و نسبت به ساخت لوازم چارپا همچون پالان، زین، «که ژو»^{۹۰}، «قه یاسه»^{۹۱} و «پالو»^{۹۲} اقدام کرده است. پره های چوبین به سان توربینهای امروزی ساخته تا بتواند از انرژی آب بهره جوید و در اثر شدت فشار آب بتواند محور متصل به سنگ آسیاب آبی اش بچرخد و گندم را آرد کند.

در آغاز روغن کرچک را در «قه ره قنیله»^{۹۳} ریخته و با بهره گیری از «قاوو چه خماق»^{۹۴} آتش روشن نموده و از تاریکی رها شده است. در مسیر حرکت که به مانعی چون رودخانه های پر آب رسیده به ناچار «لوتکه»^{۹۵}، «جوللان»^{۹۶} و «که له ک»^{۹۷} خلق نموده است. انعکاس شعر گوران از طبیعت چنین است:



کانه کی روونی به ر تریفه ی مانگه شه و
له بنیابله رزی مرواری، زیخو چه و
جوانتره له لای من له ده ریای بی سنوور
شه بولی باته به ر تیژیکی روز شلپ و هور^{۹۸}

باید ذکر کرد که در خلق آثار مردان و زنان هنرمند کردستان به اختیار یا به اجبار محیط نقش فراوان داشته است. انسان دیروز این دیار در کوهستان و دشت و دره تولد یافت و فهمید که امرار معاش در صورت سازگاری و گاه مقاومت و تلاش در طبیعت میسر خواهد بود و این است تفکر انسان این سامان که برای تنور رسی هواکشی به نام «گلوینه»^{۹۹} تعبیه کرده و اطراف تنور را با خاکستر و شن پر کرده تا اکسیژن لازم به آتش رسیده و از رطوبت و نم نیز در امان بماند. به مانند شومینه های گازسوز امروزی در ابتدا انسان هنرمند این خطه از «کوانو»^{۱۰۰} یا آتشدان بهره برده است و به سبب وجود چوب و ذغال آن از سماورهای دارای آتشدان بهره برده است.

کشاورزان از چوب گاوآهن چوبی ساختند و سپس با آهنی که بر روی آن تعبیه شده بود زمین را شخم زدند. آنجا که سنگ، قابل حک کردن بود جهت آسیاب و خرد کردن غلات «دول»^{۱۰۱} سنگی ساختند و در غیر این صورت از «دول» های چوبی یا «دیه گ»^{۱۰۲} که ظرفیت بیشتری داشتند بهره جستند. مردم کردستان سبدهای گرد و تخت به نام «نانی شان»^{۱۰۳} جهت آبکش برنج و غلات بکار بسته و گاه سبدهایی به نام «وینه»^{۱۰۴} یا «قوولینه»^{۱۰۵} را مورد استفاده قرار داده اند و جهت شکستن قند از قندان «کولکه قه ند»^{۱۰۶} چوبی بهره جستند.

در نقاط جنگلی گرانگین «گه زو» گرفتن از بلوط اشتغال عده ای فراوان بوده و «برویش»^{۱۰۷} و «ساوهر»^{۱۰۸} و گندم و آرد را در «که ندو»^{۱۰۹} انبار نموده و گاه را در کاهدان یا «کادین»^{۱۱۰} و گیاه را به صورت «قوری»^{۱۱۱} برای زمستان انباشته کرده و حتی هنرمندان قالیباف از گاه رنگ زرد و از پیاز رنگ پیازی بدست آورده اند. مردم به ناچار فضولات حیوانی «ته پاله»^{۱۱۲} را جهت سوخت در مناطق فاقد جنگل بکار می برند.

مردان بسته به سردی و گرمی هوا لباس خاصی تهیه کرده و پوشیده اند. در فصل زمستان «که وا» و پانتول^{۱۱۳}، در بهار و پاییز ملکی یا «که وا» و پانتولی که راسی^{۱۱۴} و در تابستان «رانک» و چوخه^{۱۱۵} تدارک دیده و بر روی هر کدام شالی که طول آن بسته به سردی و گرمی نقاط متفاوت بوده استفاده کرده و بالاخره «سه ربه ند»^{۱۱۵} بر سر نهاده اند. زنان با طبیعت و شرایط آن سازگار بوده و از

«چاروکه»^{۱۱۶}، «کولوانه»^{۱۱۷}، «کوچکه»^{۱۱۸} و «گیلگیله»^{۱۱۹} و «شه ده»^{۱۲۰} استفاده کرده اند. پیراهن بسته به مناطق طول آن کوتاه و دراز بوده است در جایی چون سنندج از «به ستان»^{۱۲۱} که پیراهنی تا بالای زانو بود بهره می جستند.

در مساکن و خانه ها برای مقابله با گرمای تابستان ایوان و «بانیزه» یا «بانچه»^{۱۲۲} می ساختند و در کوهستان بر روی نم در زیر چادر می نشستند که هم مقاومت داشت و هم حشرات و خزندگان از آن دوری می جستند و «جولا»^{۱۲۳} با آهنگ دستگاه دست ساختش سرود ماندن و زیستن در گوش زمزمه می کرد زنان طناب بافت موئین «گوریس» جهت بستن تاب بچه ها به نام «جوللان»^{۱۲۴} و حمل بار تقدیم می کنند. نجار این سامان هدیه ای مناسب تر از «ره وره»^{۱۲۵} چوبین برای کودک در حال پا گرفتن سراغ ندارد. مرد گرد «هور»^{۱۲۶}، «توره که»^{۱۲۷}، «پسپچه»^{۱۲۸}، «ره شکه»^{۱۲۹}، «نه رمه زین»^{۱۳۰}، «لوری»^{۱۳۱}، «زیرجل»^{۱۳۲}، «سه رجل»^{۱۳۳}، «پاونه»^{۱۳۴}، «چه له مه»^{۱۳۵}، «مالوو»^{۱۳۶} و صدها وسیله دیگر را هر کدام بنا به نیاز خویش برای کشاورزی و دامپروری ساخته است. درست نمودن مرکب خطاطی شهابی در شهر سنندج و تمام آنچه ذکر شد شمه ای از تأثیر محیط در آثار مردان و زنان هنرمند این سرزمین بوده و بازتاب محیط در زندگی و آثار انسانی این سامان است.

منابع

- ۱- ایازی برهان، آینه سنندج، نشر مؤلف چاپ اول ۱۳۷۱
- ۲- احمد پورشویا، پژوهشی بر دستاویزهای سنی کردستان، انتشارات مدیریت میراث فرهنگی (پایان نامه)
- ۳- سعیدی عباس، جغرافیا (مبانی دانش جغرافیا)، ناشر شرکت چاپ و نشر ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۴- شکوهی حسین، فلسفه جغرافیا، چاپ سوم، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۶۴
- ۵- شکوهی حسین، جغرافیای کاربردی و مکتب های جغرافیای، انتشارات آستان قدس رضوی، اردیبهشت، ۱۳۶۴
- ۶- شرفکندی عبدالرحمن (هه زار)، فرهنگ کردی-فارسی، ۲ جلدی (هه نیانه برونه)، انتشارات سروش، ۱۳۶۹
- ۷- گوران، به هشت و یادگار، مجموعه شعر به زبان کردی چاپ انتشارات گوران سنندج، ۱۳۶۹

۸- نجفی سید یدلله، جغرافیای عمومی کردستان

❖❖ در کل حدود ۷۰ درصد مقاله با توجه به تجربیات شخصی و پرسش و پاسخ از اطرافیان تدوین گردیده است.

زیر نویسها

❖ فردریش راتزل

❖❖ ویدال دو لابلش

۱- «دیاری شوان ناله کوکه»: هدیه چوپان آلكوك (گياه شنگ مانند) است، برگ سبزی است تحفه درویش.

۲- ده سرازه: باند بافته شده از پشم که بوسیله آن دست و سینه بچه را در گهواره محکم می بندند.

۳- دودانه: کیسه چرمی دوغ

۴- قوچه قانی: فلاخن

۵- فه رچی: پالتوی نمدی

۶- په سته ک: نیم تنه نمدی

۷- پشتیند: کمر بند

۸- میزه رو جامانه: دستار مردانه

۹- که لاش: گیوه

۱۰- قه لماسک: فلاخن

۱۱- هه میانه: انبان

۱۲- خییگه: خییگ

۱۳- مه شک: مشک

۱۴- مه شکوله: مشک کوچک

۱۵- شمخال: نی لیک فلزی

۱۶- مه ره ز: مرغز

۱۷- رانک و چوخه: نوعی نیم تنه و شلوار دست بافت پشمی

۱۸- شوره بی: بید مجنون

۱۹- سه ر تاخوار: بالا به پایین

۲۰- ته شی: دوک

۲۱- بیژینگ: غربال

۲۲- سیلکه: افشون، چنگک

۲۳- شه نه: افشون چوبی

۲۴- جه لاجی: پنبه زنی

۲۵- شه: شانه پشم صاف کن

۲۶- جولایی: جولایی، بافندگی

۲۷- دیوه خان: اتاق مهمانی ارباب

۲۸- هه رشته: رشته آبی

۲۹- هه وار: بیلاق

۳۰- چیخ: چیخ

۳۱- سورانی و فه قبیانه: آستین بلند

۳۲- که وا: قبا

۳۳- سوخمه: یلک

۳۴- سه لته: نوعی کت کوتاه که روی قبا می پوشند

۳۵- کولیچه: یلک آستین دار زنانه

۳۶- سه روین: پارچه ای که زنان بخشی از کردستان به سر می بندند

۳۷- مه جوعمه: سینی

۳۸- دیوجامه: دیوجامه

۳۹- هه لال: داروی دباغی

۴۰- قه مچی: تازیانه

۴۱- له غاو: افسار

۴۲- به روک: پارچه یا بند چرمی که از جلو سینه چارپا یا پالان یا زین را محکم نگه می دارد.

۴۳- به رچاویله: نوعی زیور که روی پیشانی قرار می گیرد.

۴۴- ویزه نگگی: رکاب زین

۴۵- سپون: اشنان

۴۶- گله سه ر: نوعی خاک که با آن موی سر را می شویند.

۴۷- گوریس: طناب و ریسمان دستبافت موئین.

۴۸- دوینه: نوعی غذای محلی

۴۹- دوخوا: نوعی غذای محلی.

۵۰- شه له م: شلغم

۵۱- ماشینه: آتش ماش

۵۲- ترخینه: نوعی غذای محلی

۵۳- فرو: آغوز

۵۴- که لانه: نوعی نان روغنی که سبزیهای معطر در آن می ریزند.

۵۵- گیللاخه: گیاهی بهاری است.

۵۶- قازیاخه: گیاهی بهاری است.

۵۷- رازیاخه: گیاهی بهاری است.

۵۸- په له شوانه: گیاهی بهاری است.

۵۹- گوران: شاعر نوگرای کُرد و بنیانگذار شعر نو کُردی

۶۰- آفتاب نوروژ ماه درو جو

بطور شبانه روز (مداوم) بسیار آمده و رفته اند

صدای موج آب کف نقره ای رودخانه

هزاران نوع تابش بین مه

میوه های رسیده زرد و سرخ باغ

صدای جیک جیک در جنگلهای کوهستان

از گلوی نی لیک از سیم کمان موسیقی

آوازه های زیبای فراوان برخاسته

تمام این ها قشنگ و زیباییند

و روشن کننده مسیر زندگی اند

۶۱- قوول: چاله کوچک سنگی یا چوبی که غلات را در آن می کوبند.

- ۶۲- سندول: ظرف چوبی یا سنگی برای شالی و گندم کوبی
- ۶۳- ناوان و دنگ: دنگ و هاوان شالی و غله کوبی
- ۶۴- هاره: سنگ آسیاب
- ۶۵- تیروک: نوعی وردنه
- ۶۶- پنه: تخته‌ای که خمیر نان را بر آن پهن می‌کنند.
- ۶۷- نه رفیده: بالشتک نانوايي
- ۶۸- مای: بالشتک نانوايي
- ۶۹- کوله وه ژ: آتش کاو تنور، نیمسوز
- ۷۰- نه ستبولک: آهن تنور بهم زنی
- ۷۱- مه تدوونه: خاک انداز بخاری
- ۷۲- نه قیزه: غاوشنگ، سیخونک
- ۷۲/۱- گوزمه: ترکیبی از مویز و گردو
- ۷۳- گه زو: گزانگبین
- ۷۴- سیاچه مانه: آهنکی مشهور در اورامان
- ۷۵- جه بران: نوعی آواز مشهور و قدیمی
- ۷۶- هوره: آهنکی مشهور در اورامان
- ۷۷- موره: زمزمه
- ۷۸- به زم: آواز شادی و بزم
- ۷۹- بیلندانه: جشن اواخر اسفند
- ۸۰- سیازاخ: زاج سیاه
- ۸۱- خويدان: نمکدان
- ۸۲- خووانه: نمکدان
- ۸۳- دولاخ: ساق بیج، چاقخور
- ۸۴- که وانه: اسکی ترکه‌ای
- ۸۵- زه نگال: جوراب بلند تازانو
- ۸۶- پوزلیخ: ساق بیج
- ۸۷- قارومه: قُرْمه
- ۸۸- دودانه: کیسه چرمی
- ۸۹- که نوو: کندو
- ۹۰- که ژو: نوار پهن تنگه بندستور
- ۹۱- قه یاسه: باربند پهن چرمی
- ۹۲- پالو: رانکی
- ۹۳- قه ره فتيله: نوعی چراغ موشی
- ۹۴- قاوو چه خماق: پده و فندق
- ۹۵- لوتکه: فایق
- ۹۶- جوللانه: طناب آویزان بر روی رودخانه برای حمل اشیاء و حیوانات
- ۹۷- که له ک: کلک عبور از آب
- ۹۸- چشمه زلال زیر تابش ماه شب مهتابی که در کف آن مروارید و شن ماسه بلرزد از نظر من زیباتر از دریای بیکرانی است
- که موج آن با سر و صدا تابش خورشید را در برگیرد
- ۹۹- گلوینه: هواکش تنور
- ۱۰۰- کوانوو: اجاق
- ۱۰۱- دول: ظرف دانه کوبی
- ۱۰۲- دیبه گ: دنگ بزرگ شالیکوبی
- ۱۰۳- نانی شان: سبد گرد و صاف
- ۱۰۴- وینه: سبد میوه چینی
- ۱۰۵- قوولینه: سبد میوه چینی
- ۱۰۶- کولکه قه ند: کنده‌ای که بر روی آن قند می‌شکنند
- ۱۰۷- برویش: دانه و ریزه‌های بلغور
- ۱۰۸- ساوار: بلغور
- ۱۰۹- که ندو: که ندو
- ۱۱۰- کاهدین: کاهدان
- ۱۱۱- قوری: بسته گیاه بر هم چیده
- ۱۱۲- ته پاله: تاپاله
- ۱۱۳- که وا و پانتول: نوعی نیم تنه و شلوار کُردی
- ۱۱۴- که واو پانتولی که راسی: نیم تنه و شلوار کُردی پیراهنی
- ۱۱۵- سه ربه ند: پارچه‌ای که بدان سر می‌بندند
- ۱۱۶- چاروکه: رودوشی زنانه
- ۱۱۷- کولوانه: رودوشی زنانه
- ۱۱۸- کوچکه: سرپوش زنانه
- ۱۱۹- گیلگیله: زنجیره منگوله‌های دستار زنانه
- ۱۲۰- شه ده: پارچه‌ای ابریشمی برای دستار زنانه
- ۱۲۱- به ستان: نوعی لباس زنانه
- ۱۲۲- بانیزه (بانچه): بام کوچک
- ۱۲۳- جولا: بافنده
- ۱۲۴- جوللانه: تاب بازی بچه‌ها
- ۱۲۵- ره وره وه: چوب چرخدار برای پا گرفتن کودک
- ۱۲۶- هور: جوال جانخانی
- ۱۲۷- توره که: توپره
- ۱۲۸- بیبچه: کیسه‌ای کشیده که برای حمل وسایل به کمر می‌بندند.
- ۱۲۹- ره شکه: تور موپین تنیده شده برای حمل کاه و علوفه خشک.
- ۱۳۰- نه رمه زین: نمد زین
- ۱۳۱- لوری: پالانچه دو شاخه
- ۱۳۲- زیرجل: زیرپوش پالان
- ۱۳۳- سه رجل: سرپوش پالان
- ۱۳۴- پاونه: کند پای زندانی یا احشام
- ۱۳۵- چه له مه: حلقه چوبی گردن گاو
- ۱۳۶- مالوو: ماله شخم صاف کن



مهدی چوبینه
گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و
تألیف کتب درسی

محیط .

- ۶- تعمیق شناخت روابط متقابل انسان و محیط .
- ۷- گسترش آشنایی با مخاطرات و بلایای طبیعی .
- ۸- آشنایی با نواحی توسعه یافته و در حال توسعه .
- ۹- آشنایی با تفاوت ها و شباهت های محیطی و فرهنگی .
- ۱۰- آشنایی با شیوه های حفاظت از محیط زیست .
- ۱۱- آشنایی با مسائل و مشکلات جغرافیایی روز در مقیاس های محلی ، ناحیه ای ، ملی و بین المللی
- ۱۲- آشنایی با راه حل ها و تجارب کشورهای مختلف در مقابل مسائل و مشکلات جغرافیایی
- ۱۳- آشنایی با نقش و کاربرد دانش جغرافیا در برنامه ریزی های مختلف محیطی .

ب- اهداف کلی در حیطه مهارتی :

- ۱- گسترش توانایی انجام تحقیق جغرافیایی
- ۲- گسترش مهارت های مربوط به استفاده از وسایل و ابزار مطالعه در جغرافیا
- ۳- توانایی برخورد متناسب با مخاطرات محیطی
- ۴- توانایی به کارگیری دانش جغرافیا در زندگی فردی و اجتماعی
- ۵- توانایی جستجوی راه حل ها و تصمیم گیری در زمینه مسائل و مشکلات جغرافیایی .

ج- اهداف کلی در حیطه ارزشی :

- ۱- احساس قدردانی از خالق جهان و مواهب الهی
- ۲- تقویت حس علاقه به سرزمین ایران
- ۳- تقویت حس مسئولیت نسبت به حفاظت از محیط زیست
- ۴- تقویت علاقه مندی به بهره برداری درست و عاقلانه از منابع طبیعی .

- ۵- تقویت حس همدردی و حمایت از ملل مستضعف و محروم .
- ۶- ایجاد روحیه تحقیق ، جستجو و نقادی در موضوعات و مسائل محیط پیرامون .
- ۷- ایجاد علاقه مندی به ارائه راه حل ها نسبت به مسائل و مشکلات جغرافیایی در مقیاس های محلی ، ناحیه ای ، ملی و

آموزش جغرافیا؛ راهی نو با مشکلات بسیار (قسمت چهارم)

مقدمه : در شماره پیشین ضمن مراجعه مجدد به اهداف کلی آموزش جغرافیا در دوره ابتدایی در چهارچوب طرح مطالعات اجتماعی به اهداف کلی آموزش جغرافیا در دوره راهنمایی پرداختیم و ضمن تحلیل اهداف جزئی این دوره در حیطه های سه گانه شناختی ، ارزشی و مهارتی ، تحلیل اهداف آموزشی دوره راهنمایی را به تفکیک هر پایه و سه حیطه اشاره شده مرور نمودیم . در این بخش به منظور پرهیز از اطاله کلام از ارایه جداول وسعت و توالی و همچنین جداول مفاهیم و تعمیمهای اساسی دوره راهنمایی صرف نظر شده است و با بررسی اهداف کلی آموزش جغرافیا در دوره متوسطه همچون گذشته دست کلیه عزیزان ، صاحب نظران ، دست اندرکاران تعلیم و تربیت ، معلمان و اندیشمندان آموزش جغرافیا را جهت دریافت نظرات و پیشنهادها صمیمانه می فشاریم و امیدواریم که با ارایه نظریات خود در هر چه پر بارتر نمودن اهداف آموزش جغرافیا سهم خویش را در اعتلای این دانش روز و مهم ایفا نمایند .

اهداف کلی آموزش جغرافیا در دوره متوسطه الف- اهداف کلی در حیطه شناختی :

- ۱- گسترش آشنایی با اصول ، مفاهیم ، اصطلاحات و قوانین دانش جغرافیا (طبیعی و انسانی) .
- ۲- گسترش آشنایی با ویژگی های نواحی جغرافیایی در مقیاس های مختلف ، منابع ، امکانات و قابلیت ها .
- ۳- گسترش آشنایی با روش های تحقیق در جغرافیا .
- ۴- گسترش آشنایی با وسایل مطالعه در جغرافیا .
- ۵- گسترش آشنایی با شیوه های بهره برداری منطقی از منابع و

بین المللی.

- ۸- انگیزش حس احترام به سایر فرهنگ ها و ملل و تقویت تفاهم و مشارکت بین المللی.
- ۹- تقویت حس علاقه مندی به کاربرد دانش جغرافیا.

اهداف آموزش جغرافیا «درس جغرافیا (۱)» دوره متوسطه پایه اول درس عمومی کلیه رشته ها

توجه: شماره هایی که در مقابل هر هدف نوشته شده است بیانگر استخراج آن هدف از اهداف کلی آموزش جغرافیا در دوره متوسطه می باشد:

الف - اهداف مربوط به حیطه شناختی:

- ۱- آشنایی با مفهوم کلی نگری در جغرافیا (۱۳)
- ۲- آشنایی با نقش جغرافیا در زندگی روزمره و اجتماعی (۱۳)
- ۳- آشنایی با نقشه توپوگرافی، عکس های هوایی و ماهواره ای و GIS. (۴)
- ۴- آشنایی با کلیات ناهمواری های ایران (۱)
- ۵- آشنایی با عوامل موثر در آب و هوای ایران (۱)
- ۶- آشنایی با کلیات سکونت گاههای شهری، روستایی و عشایری، معیشت شیوه و زندگی آنها در ایران (۹، ۶، ۲، ۱)
- ۷- شناخت وضعیت کنونی آبهای جهان و ایران (۲، ۱)
- ۸- آشنایی با مسائل و مشکلات آب، شیوه های نامطلوب بهره برداری از آب و مصرف بهینه آب در جهان و ایران (۵، ۶، ۱۱، ۱۰)
- ۹- آشنایی با موقعیت و ویژگی های بیابانهای ایران و جهان (۲، ۱)

- ۱۰- آشنایی با اثرات متقابل بیابانها بر شیوه زندگی انسان و نقش انسان در گسترش بیابانها (۶)
- ۱۱- آشنایی با شیوه های مقابله با بیابان زدایی (۱۲، ۱۰، ۵)
- ۱۲- آشنایی با نقش و اهمیت جنگل ها و مراتع (۱)
- ۱۳- آشنایی با چگونگی تخریب جنگل ها و مراتع و پیامدهای آن در جهان و ایران (۵، ۶، ۱۰، ۲، ۱۱)
- ۱۴- آشنایی با راههای احیاء و ترسیم جنگل ها و مراتع (۱۲، ۱۰)

- ۱۵- آشنایی با ویژگی های جنگل ها و مراتع ایران (۲، ۱)
- ۱۶- آشنایی با نقش توسعه صنعت در ایجاد آلودگی های مختلف (۱۱، ۶)
- ۱۷- آشنایی با انواع آلودگی در شهرهای بزرگ جهان و ایران (۱۱، ۶)

- ۱۸- آشنایی با فرضیه گرم شدن زمین (۱، ۲، ۳)
- ۱۹- آشنایی با پیامدهای آلودگی دریاها در جهان و ایران (۶، ۵، ۱۰، ۱۱، ۲)
- ۲۰- آشنایی با راههای مقابله با آلودگی دریا (۱۰، ۶، ۱۲، ۱۳)

- ۲۱- آشنایی با علل زلزله، سیل، فرسایش خاک و سقوط بهمین (۱، ۷)

- ۲۲- گسترش آشنایی با نقش انسان در کاهش یا افزایش انواع بلایای طبیعی (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳)

- ۲۳- آشنایی با چگونگی توزیع جمعیت در جهان (۱، ۲)
- ۲۴- آشنایی با عوامل مختلفی که بر توزیع جمعیت اثر می گذارد (۱، ۲، ۳، ۹)

- ۲۵- آشنایی با علل و انواع مهاجرت در جهان (۳، ۱، ۹، ۱۱)
- ۲۶- آشنایی با ویژگی های کلی، پراکندگی و روند افزایش جمعیت در ایران (۱، ۲، ۱۱)

- ۲۷- آشنایی با تجارب کشورها در زمینه کنترل جمعیت (۱۲)
- ۲۸- آشنایی با اثرات افزایش جمعیت در فشار بر منابع (۶، ۱۱، ۲)

- ۲۹- آشنایی با صنعت جهانگردی به عنوان یک فعالیت و منبع درآمد اقتصادی (۱، ۵، ۱۳)

- ۳۰- آشنایی با برخی جاذبه های جهانگردی در جهان (۲، ۹)
- ۳۱- آشنایی با اثرات توسعه صنعت جهانگردی بر چشم اندازهای محیطی (۳، ۲، ۱۰، ۶، ۱۲)

- ۳۲- آشنایی با برخی جاذبه های جهانگردی ایران (۲، ۹)
- ۳۳- آشنایی با توان های بالقوه ایران برای گسترش صنعت و جهانگردی (۳، ۶، ۱۳، ۵، ۹)

ب - اهداف مربوط به حیطه مهارتی:

- ۱- گسترش مهارت های ذهنی شامل درک پی آمدها، طرح سوال، حل مسئله، تصمیم گیری، بحث کردن، فرضیه ساختن استدلال، مقایسه کردن، پیش بینی کردن و ... (۵، ۴)
- ۲- توانایی برخورد مناسب و عاقلانه با مخاطرات طبیعی (۳)
- ۳- انجام مطالعه میدانی، مشاهده کردن، مصاحبه کردن، رسم کروکی، جمع آوری اطلاعات، رسم نمودار، دسته بندی اطلاعات، استفاده از کتاب های مرجع، تفسیر و نتیجه گیری از مطالب، گزارش نویسی، ... (۱)
- ۴- خواندن و تفسیر و استفاده مناسب نقشه های توپوگرافی، عکس ها، نمودارها، عکس های هوایی، عکس های ماهواره ای و GIS و نقشه های موضوعی (۲)

ج - اهداف مربوط به حیطه ارزشی :

- ۱- احساس قدردانی از خالق جهان و مواهب الهی (۱)
- ۲- تقویت حس علاقه به سرزمین ایران (۲)
- ۳- تقویت علاقه مندی به ارائه راه حل ها نسبت به مسائل و مشکلات جغرافیایی در مقیاس های محلی، ناحیه ای، ملی و بین المللی (۷)
- ۴- تقویت علاقه مندی به بهره برداری منطقی و درست از منابع طبیعی در زندگی فردی و اجتماعی (۴)
- ۵- تقویت حس مسئولیت نسبت به حفظ محیط زیست و منافع نسل های آینده (۳)
- ۶- تقویت روحیه نقادی و تحقیق و جستجوگری در موضوعات و مسائل محیط پیرامون (۶)

اهداف آموزش جغرافیا (درس جغرافیا ۲) دوره متوسطه پایه دوم رشته علوم انسانی / ۳ واحد

الف - اهداف مربوط به حیطه شناختی :

- ۱- شناخت رویکرد سیستمی به مسائل و موضوعات
- ۲- آشنایی با برخی مفاهیم، قوانین، اصطلاحات و نظریه های جغرافیای طبیعی :
- ۱- ۲- آشنایی با تاریخچه و ساختمان زمین
- ۲- ۲- آشنایی با نظریه تکتونیک صفحه ای.
- ۲- ۳- آشنایی با عوامل درونی تغییر دهنده سطح زمین، گسل، آتشفشان، چین خوردگی.
- ۲- ۴- آشنایی با عوامل برون تغییر دهنده سطح زمین، فرسایش آبی و بادی و اشکال مربوط به آن.
- ۲- ۵- آشنایی با مفاهیم جغرافیای زیستی و کلیات مربوط به پوشش گیاهی و جانوری.
- ۲- ۶- آشنایی با مفاهیم عمده جغرافیای اقلیمی.
- ۲- ۷- آشنایی با آبها، جریانات دریایی، حرکات آب دریا و اثرات آن بر محیط های پیرامون.
- ۳- آشنایی با مفاهیم، قوانین، اصطلاحات و نظریه های جغرافیای انسانی :
- ۳- ۱- آشنایی با مفاهیم عمده جغرافیای جمعیت
- ۳- ۲- آشنایی با اندازه، موقعیت و رشد شهرها.
- ۳- ۳- آشنایی با سیستم های حمل و نقل، توسعه آنها و اثرات آنها بر محیط پیرامون.
- ۳- ۴- آشنایی با عوامل مؤثر در زندگی روستایی، مسائل و مشکلات این شیوه زندگی.
- ۳- ۵- آشنایی با مفهوم کاربری اراضی.

۴- آشنایی با مفاهیم، قوانین، اصطلاحات و نظریه های جغرافیای اقتصادی :

- ۴- ۱- آشنایی با فعالیت های اولیه و مسائل مربوط به آن.
- ۴- ۲- آشنایی با فعالیت های ثانویه و مسائل مربوط به آن.
- ۴- ۳- آشنایی با منابع معدنی و انرژی.
- ۴- ۴- آشنایی با عوامل مؤثر در مکان یابی صنعتی.
- ۴- ۵- آشنایی با ویژگی ها و مسائل نواحی توسعه یافته و در حال توسعه.

۵- آشنایی با مفاهیم، قوانین، اصطلاحات و نظریه های جغرافیای ریاضی :

- ۵- ۱- آشنایی با موقعیت زمین در فضا و ویژگی های منظومه شمسی

۵- ۲- آشنایی با اثرات و نتایج حرکات وضعی و انتقالی زمین و انحراف محور آن در زندگی روزمره.

۶- آشنایی با مفاهیم، قوانین، اصطلاحات و نظریه های جغرافیای سیاسی :

- ۶- ۱- آشنایی با مفهوم مرز و بوم، انواع مرزها و تعیین مرز.
- ۶- ۲- آشنایی با ویژگی های دولت، ملت، اقلیت.
- ۶- ۳- آشنایی با عوامل مؤثر جغرافیایی در قدرت ملی
- ۶- ۴- آشنایی با انواع نقشه های موضوعی متناسب با اهداف فوق

ب - اهداف مربوط به حیطه مهارتی :

- ۱- گسترش توانایی استفاده و تفسیر انواع نقشه های موضوعی و عکس ها.
- ۲- توانایی ترسیم و خواندن نمودارها.
- ۳- توانایی استفاده از کتابهای مرجع، تفسیر و نتیجه گیری از مطالب.
- ۴- گسترش مهارت های ذهنی نظیر بحث کردن، استقلال، مقایسه کردن و پیش بینی.

ج - اهداف مربوط به حیطه ارزشی :

- ۱- احساس قدردانی از خالق جهان و تنوع مواهب الهی
- ۲- تقویت علاقه مندی به بهره برداری منطقی از منابع طبیعی در زندگی فردی و اجتماعی.
- ۳- احساس همدردی و حمایت از ملل مستضعف و محروم.
- ۴- علاقه مندی به ارائه راه حل های مناسب درباره مسائل و مشکلات جغرافیایی در مقیاس های محلی، ناحیه ای، ملی و بین المللی

اهداف آموزش جغرافیا (درس جغرافیا ۳)

دوره متوسطه پایه سوم رشته علوم انسانی / ۲ واحد



۴- علاقه مندی به ارائه راه حل های مناسب درباره مسائل و مشکلات جغرافیایی در مقیاس های محلی، ناحیه ای، ملی و بین المللی.

اهداف آموزش جغرافیا (درس ۴)

دوره متوسطه پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی

الف- اهداف مربوط به حیطه شناختی :

- ۱- شناخت ماهیت و قلمرو دانش جغرافیا، ارتباط آن با سایر علوم، دیدگاهها و سیر تحول آن.
- ۲- آشنایی با کاربرد جغرافیا در مدیریت برنامه ریزی و حل مسائل محیطی.
- ۳- آشنایی با حرف و مشاغل که جغرافیدانان می توانند در آن زمینه به خدمت پردازند.
- ۴- آشنایی با شیوه های تحقیق در جغرافیا.
- ۵- آشنایی با کاربرد آمار در جغرافیا.
- ۶- گسترش آشنایی با عکس های هوایی و ماهواره ای و طرز تهیه نقشه از آنها، تصاویر ماهواره ای و سنجش از دور.
- ۷- آشنایی با GIS در مطالعات جغرافیایی.
- ۸- آشنایی با کاربرد کامپیوتر در جغرافیا.
- ۹- آشنایی با نقشه های موضوعی در مطالعات جغرافیایی.
- ۱۰- آشنایی با سیستم ها و مدل ها در مطالعات جغرافیایی.

ب- اهداف مربوط به حیطه مهارتی :

- ۱- توانایی خواندن و تفسیر نقشه های موضوعی.
- ۲- توانایی کاربرد کامپیوتر در مطالعات جغرافیایی.
- ۳- توانایی استفاده از سیستم ها و مدل ها در مطالعات جغرافیایی.
- ۴- توانایی استفاده از GIS در مطالعات جغرافیایی.
- ۵- توانایی استفاده از روش های آماری در مطالعات جغرافیایی.
- ۶- توانایی تهیه نقشه از عکس های هوایی و ماهواره ای و تفسیر آنها.
- ۷- توانایی انجام تحقیق جغرافیایی.

ج- اهداف مربوط به حیطه ارزشی :

- ۱- تقویت حس علاقه مندی به کاربرد دانش جغرافیا در حل مسائل و مشکلات محیطی.
- ۲- تقویت روحیه جستجو، نقادی و تحقیق در موضوعات و مسائل محیط پیرامون.

الف : اهداف مربوط به حیطه شناختی :

- ۱- آشنایی با مفهوم و تعریف ناحیه، دیدگاههای مختلف درباره ناحیه، اصول ناحیه بندی و معیارهای آن.
- ۲- آشنایی با نواحی طبیعی و اثرات متقابل آن بر شیوه های زندگی.
- ۱-۲- آشنایی با شیوه های زندگی و معیشت در نواحی استوایی و مسائل مربوط به آن.
- ۲-۲- آشنایی با شیوه های زندگی و معیشت در نواحی قطبی و مسائل مربوط به آن.
- ۲-۳- آشنایی با شیوه های زندگی و معیشت در نواحی بیابانی و مسائل مربوط به آن.
- ۳- آشنایی با نواحی اقتصادی
- ۱-۲- آشنایی با نواحی توسعه یافته و در حال توسعه.
- ۲-۳- آشنایی با پیمانهای اقتصادی مهم: پیمانهای اقتصادی آسیا و آسیای جنوب شرقی و منطقه خاورمیانه.
- ۳-۳- آشنایی با اتحادیه اقتصادی اروپا
- ۳-۴- آشنایی با عملکرد شرکت های چند ملیتی، نواحی عمده فعالیت آنها و مسائل مربوط.
- ۴- آشنایی با نواحی سیاسی:
- ۱-۴- آشنایی با منطقه خاورمیانه و مسائل جغرافیای سیاسی مربوط به آن.
- ۲-۴- آشنایی با همسایگان تازه استقلال یافته شمالی ایران و آسیای مرکزی.
- ۳-۴- آشنایی با قدرت های سلطه گر.

ب- اهداف مربوط به حیطه مهارتی :

- ۱- گسترش توانایی استفاده و تفسیر انواع نقشه های موضوعی و عکس ها
- ۲- توانایی ترسیم و خواندن نمودارها
- ۳- توانایی استفاده از کتاب های مرجع و تفسیر اطلاعات منتشره از رسانه های گروهی.
- ۴- گسترش مهارت های ذهنی نظیر بحث کردن، استدلال، مقایسه کردن و پیش بینی.

ج- اهداف مربوط به حیطه ارزشی :

- ۱- احساس قدردانی از خالق جهان و تنوع مواهب الهی.
- ۲- احساس همدردی و حمایت از ملل مستضعف و محروم و محکوم نمودن سیاست های سلطه گراانه و استکباری.
- ۳- انگیزش حس احترام نسبت به سایر ملل و فرهنگ ها و تفاهم بین المللی.



یک الگوی تدریس جغرافیا

(برای درس جغرافیای پیش‌دانشگاهی)

مقدمه

مطالب روزنامه نوشته که در آن در مورد موضوع، معرفی موضوع، علل و ریشه‌یابی مسئله، نقش انسان در آن فرایند، نتیجه‌گیری و آینده‌نگری آن نوشته می‌شود. برای نمونه دانش‌آموزان روزنامه‌ای با عنوان پژواک آبها تهیه کرده که در آن خبرهای مربوط به آب و عکسها و تصاویر و نقاشی و کاریکاتورهای آب دیده می‌شد.

عناوین دیگر مورد استفاده دانش‌آموزان از این قبیل بودند: آسمان آبی را کی می‌بینیم، سبزه‌ها سخن می‌گویند، هوای تمیز را در کدام ایستگاه جا گذاشته‌ایم، ندای آبها، گرما و آینده، شهر و آلودگی، آبهای خروشان.

سپس تمام روزنامه‌های آماده شده در هر کلاس در ساعت درسی خود مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و در نهایت تمامی روزنامه‌ها که جمعاً در حدود ۱۲ روزنامه بود در یک روز در سالن آموزشگاه به نمایش گذاشته شد تا همه دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف از آن استفاده نمایند. که علاوه بر استقبال دانش‌آموزان، همکاران فرهنگی نیز از آنها دیدن نمودند و شور و شوق ایجاد شده در آموزشگاه را به جهت تحولی که در اندیشه‌ها برای شناخت دقیق محیط زیست و حفظ آن ایجاد نموده بود مورد ستایش قرار دادند. در پایان معلم به هر گروه به تناسب فعالیت‌های انجام شده در گروه از قبیل جمع‌آوری خبر، ارتباط متناسب و معقول خبرها با هم، شکل‌چیدن خبرها، جذابیت کلی، عنوان، استفاده از عکس و کاریکاتور و تمیزی و چگونگی شرح روزنامه (مقاله یک صفحه‌ای) و غیره امتیاز داده که در نمره کلاسی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

اهداف:

- ۱- دقت در عملکرد متقابل انسان و محیط.
- ۲- استفاده از زمان و وسایل و منابع.
- ۳- تشویق دانش‌آموزان به دقت در مطالعه و تعقیب یک هدف.
- ۴- تمرین در انجام یک تحقیق کتابخانه‌ای.
- ۵- تشویق به معرفت و شناخت محیط اطراف.
- ۶- تشویق به روزنامه‌خوانی و آگاهی از مسائل روز.
- ۷- نظم دهی نگرش دانش‌آموزان.

الگوی تدریسی که شرح آن در ادامه این نوشتار خواهد آمد در کلاسهایی که تعداد دانش‌آموزان آن بین ۲۵-۲۰ نفر می‌رسد قابل اجراست. بنابراین برای بهره‌گیری بیشتر و بهتر از زمان برنامه‌ای می‌خواهد که در اجرای آن بتوان استفاده بهینه‌ای از زمان داشت و با بهره‌گیری از ذوق و شوق دانش‌آموزان و وسایل کمک آموزشی را آماده نمود که به شیوه‌های آموزشی کمک شایانی باشد و مهم‌تر اینکه کلیت و جامعیت دانش جغرافیا را هم به شکل اجزایی دقیق و قابل فهم برای دانش‌آموز و متناسب با سن و برنامه و هدف نظام آموزشی فراهم نماید.

روش کار:

معلم در هر کلاس بعد از گذشت دو هفته از آغاز ترم برای وقت اضافی چند دقیقه‌ای پایان هر جلسه روزنامه‌ای همراه دارد و مطالب جغرافیایی آن را به دانش‌آموزان گفته و روزنامه را در اختیار آنان قرار می‌دهد تا دانش‌آموزان بیشتر روی مطلب مورد نظر تأمل و دقت نمایند، که در بعضی جلسات هم متقابلاً دانش‌آموزانی که خود روزنامه مطالعه می‌کنند اخباری را که بخاطر دارند در کلاس بیان می‌کنند. معلم در بیان اخبار جغرافیایی فقط اخبار را مطرح می‌کند ولی در ریشه‌یابی علل و نتیجه‌گیری و آینده‌نگری درباره موضوع خبر ساکت می‌ماند تا اینکه به صفحه ۱۰۲ کتاب یا درس «طبیعت، انسان و محیط» می‌رسد. در اینجا ضمن اینکه درس را با شیوه مطلوب برای دانش‌آموزان بیان می‌کند، از آنها می‌خواهد که با دقت روزنامه‌ها را مطالعه نمایند و از روزنامه‌های چند روز متوالی (هر چه تعداد روزها بیشتر بهتر) استفاده نمایند و خبرهای مربوط به موضوع اصلی درس یعنی محیط زیست و نقش انسان در آن را با توجه به آب، خاک، هوا، پوشش گیاهی و دنیای جانوری بصورت بریده‌هایی از جراید جمع‌آوری نمایند و سپس آنها را در گروه‌های کلاسی خود که در طول ترم با هم در آن فعالیت عملی انجام می‌دهند دسته‌بندی و تنظیم نمایند و با آن بریده‌ها روزنامه دیواری تهیه کنند. البته در کنار هر روزنامه دیواری یک صفحه توضیح در مورد کل

درس تخصصی انگلیسی برای رشته جغرافیای طبیعی

این رشته نیز مشاهده می‌گردد و اغلب درس مذکور به زبان انگلیسی عرضه می‌شود و راقم این سطور از عرضه آن به زبانهای دیگر در دانشگاههای دور و نزدیک کشور ناآگاه است.

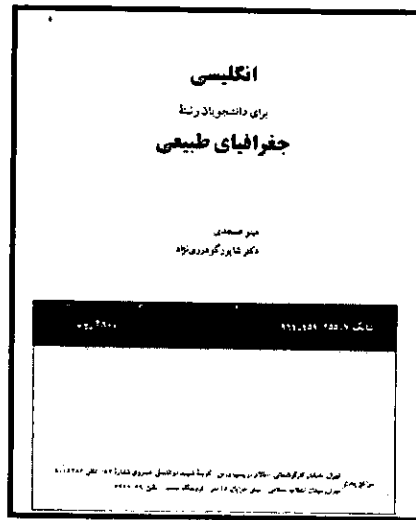
شاید زیاد هم بی‌جا نباشد که به علت ادبیات جغرافیایی وسیعی که همه روزه و همه ساله از سوی کشورهای انگلیسی زبان - از جمله انگلستان، ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، زلاند نو و ... - به دنیای این علم عرضه می‌شود، حاکمیت در آموزش زبان خارجی تخصصی این رشته نیز در کف اقتدار زبان انگلیسی قرار گیرد. علاوه بر این، شاید ارائه نرم افزارهای جغرافیایی، همچون سیستم های اطلاعات جغرافیایی، از سوی کشورهای انگلیسی زبان، اندیشه مقابله با این زبان و تجدید حدود آن را در قلمرو آموزش تخصصی زبان خارجی از اندیشه، قدم و قلم کاربران خارج ساخته باشد و این امری است گریز و گزیرناپذیر و لاجرم حاکمیت با زبانی خواهد بود که نوآوری کند و حرفی برای ارائه در این قلمرو داشته باشد.

تا آنجا که راقم این سطور اطلاع دارد، تدریس درس زبان تخصصی جغرافیای طبیعی تا سال گذشته با استفاده از یک کتاب قدیمی تحت عنوان زیر در همه دانشگاه ها انجام می‌گرفت:

Waters, Graham: **First lessons in PHYSICAL GEOGRAPHY**, Longman Group Ltd., 1972.

نخستین چاپ کتاب مذکور مربوط به سال ۱۹۵۷ و چاپهای دیگر با ویراستاری نوین متعلق به سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۰ بود. شاید چاپهای دیگری مربوط به سالهای دهه هشتاد نیز از این کتاب مورد استفاده معلمان درس زبان تخصصی خارجی جغرافیای طبیعی بوده باشد. قبل از مصوبه کنونی شورای برنامه ریزی درس جغرافیا، این درس به ارزش هشت واحد درسی در قالب ها درس ۲ واحدی در خلال ۴ ترم تحصیلی، با استفاده از کتاب یاد شده به دانشجویان عرضه می‌شد که بعدها به ۲ درس ۲ واحدی تقلیل یافت.

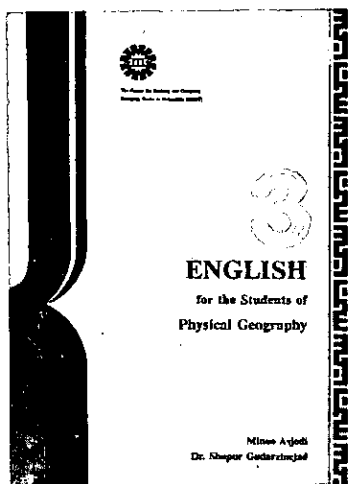
متن علمی کتاب فوق الذکر اغلب حاوی اطلاعات قدیمی و شاید منسوخ و بانگرس سنتی به جغرافیای طبیعی بود اما از نظر عبارات و لغات و کنایات و اصطلاحات و روش ارائه دروس و علاقه مند کردن



Asjodi, Minoos & Gudarzinejad, Dr. Shapur: **English for Students of Physical Geography**, the center for studying and compiling university Books in Humanities (SAMT), TEHRAN 1998 (1377).

درس زبان تخصصی برای رشته جغرافیای طبیعی به ارزش ۴ واحد، از جمله دروس اصلی و ارزشمند مصوبه شورای برنامه ریزی درس رشته جغرافیا برای رشته جغرافیای طبیعی است. درس مذکور در دو واحد درسی جداگانه در خلال دو ترم تحصیلی به دانشجویان عرضه می‌شود و در تمام گروه های آموزش جغرافیای طبیعی در دانشگاه های دولتی و غیردولتی تدریس می‌گردد.

از عنوان مصوب شورای برنامه ریزی درسی جغرافیا یعنی زبان تخصصی برای رشته جغرافیای طبیعی، چنین به نظر می‌رسد که این درس می‌تواند به جز زبان انگلیسی به زبانهای خارجی دیگری چون فرانسه، آلمانی، روسی، عربی یا جز آن باشد. اما، نظر به تحولات سریع و تحقیقات پیشرفته و همه جا گیر در رشته جغرافیا در دنیای انگلیسی زبان، حاکمیت این زبان در دروس ارائه شده زبان تخصصی



انجام دهند شامل انتخاب و ارائه بهترین پاسخ به تستها یا آزمونهای چهار جوابی - که آنان را برای شرکت در آزمون زبان تخصصی دوره کارشناسی ارشد آماده می سازد - انتخاب جملات صحیح و غلط، پاسخ شفاهی به زبان انگلیسی به پرسشهای مطرح شده، پر کردن جاهای خالی در خلال جملات با استفاده از کلمه مناسب، مرتب کردن جملات در هم ریخته برای به دست آوردن یک پاراگراف صحیح و امثال آنهاست. این امر سبب می شود که دانشجویان در کلاس درس از یکنواختی شیوه تمرینها خلاصی یافته و فقط از ترجمه فارسی متون و یادگیری چند اصطلاح دست بردارند و با شیوه فعالانه تری که در آموزش زبان انگلیسی عمومی و تخصصی مرسوم است با درس برخورد کرده و آموخته های آنان دارای غنا، عمق و استمرار بیشتری باشد.

● توجه به معادلات فارسی برای اصطلاحات ارائه شده جغرافیای طبیعی: مؤلفان ارجمند کتاب درس تخصصی انگلیسی برای رشته جغرافیای طبیعی با توجه به تجربیات ارزشمند آموزشی خود به این نکته باریک و پر اهمیت پی برده اند که آموزش اصطلاحات نمی تواند صرفاً یکطرفه و از یک زبان به زبان دیگر باشد (زبان مبدا و زبان مقصد) و به همین جهت در خلال فعالیتهای پیش بینی شده در کتاب مذکور، یافتن و ارائه معادلات فارسی ۵۶۱ اصطلاح جغرافیای طبیعی انگلیسی را به زبان فارسی و نوشتن آن در مقابل معادل انگلیسی از دانشجویان خواسته اند. توجه به چنین حجم عظیم و ارزشمندی از معادلات فارسی اصطلاحات جغرافیایی انگلیسی در خور تقدیر و تشکر است و مسلماً دانشجویان ناچارند برای پاسخگویی به این گونه فعالیتهای فرهنگی اصطلاحات جغرافیای طبیعی موجود در زبان فارسی مراجعه کرده و پس از یافتن و فهم معادلات فارسی این اصطلاحات، به پرسشهای لازم و مطرح شده پاسخ گویند.

● پوشش همه جانبه متون مختلف شاخه های جغرافیای طبیعی: در کتاب انگلیسی برای دانشجویان رشته جغرافیای طبیعی، متون

دانشجویان به خواندن کتاب، کتابی غنی و انگیزه بخش محسوب می گردید.

با توجه به فعالیتهای گسترده شرکتیهای انتشاراتی خارجی بویژه انتشارات لانگمن، راتلج، چمن هال، پرنیس هال، آکسفورد و همانند آنها در عرضه حجم زیادی از کتب و مقالات جدید جغرافیایی به زبان انگلیسی، نیاز دانشجویان در سطوح مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر به دستیابی به مفاد علمی کتب و مقالات مذکور هر روز بیشتر احساس می شود و مسلماً کلید اصلی بهره گیری از این خزانه روزافزون علم تخصصی جغرافیا، مسلح شدن به زبان انگلیسی تخصصی رشته جغرافیا می باشد. همچنین کسب تخصص در زبان انگلیسی تخصصی در واقع گشاینده در ورودی به دوره های بالاتر تحصیلی در رشته جغرافیای طبیعی است.

کتاب انگلیسی برای دانشجویان رشته جغرافیای طبیعی با استفاده از متون و اصطلاحاتی که طی دهه گذشته در قلمرو این رشته به بازار عرضه شده، انتخاب و ارائه گردیده و مشکل کتاب قبلی، یعنی کم اعتباری یا بی اعتباری بخش دانش و اطلاعات را ندارد. همچنین انتخاب متونی از نویسندگان نامی قلمرو جغرافیای طبیعی همچون آرتور استرالر و فرزندش از کتاب ارزشمند و معروف جغرافیای طبیعی مدرن (Modern Physical Geography)، همراه با نوشته هایی از چورلی (Chorley)، پیکرینگ (Pickering) و سیمونز (Simmons) اعتبار مطالب مندرج و متون منتخب را بسیار بالا می برد. لازم به ذکر است که تمامی ۶ کتابی که در بخش مراجع کتاب انگلیسی برای رشته جغرافیای طبیعی معرفی شده اند تاریخ انتشاری از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ دارند که به روز بودن دانش ارائه شده در کتاب را تأیید می کنند.

از ویژگیهای ارزشمند کتاب ارائه شده تحت عنوان انگلیسی برای دانشجویان رشته جغرافیای طبیعی می توان موارد زیر را برشمرد:

● توجه به بخش قرائت متن (Reading): برای تقویت قرائت متون جغرافیای طبیعی بوسیله دانشجویان این رشته، قطعات و بخشهای متعددی در کتاب پیش بینی شده که تحت عناوین دوگانه زیر ارائه شده اند:

1. Reading Comprehension

2. Further Reading

دانشجویان با قرائت متون فوق در کلاس با صدای بلند و توجه به مفاد و محتوای علمی آنها به محتوای مطلب دست یافته و توانایی قرائت اصطلاحات و متون جغرافیایی را در خود تقویت می کنند، همچنین، پاسخگویی به بسیاری از آزمون ها و سؤالات موجود در متن کتاب، پس از قرائت متن و دریافت و ادراک کامل آن امکان پذیر می باشد.

● تنوع در ارائه فعالیتهای کلاسی و تکالیف پیش بینی شده: فعالیتهایی که دانشجویان باید در درس تخصصی زبان انگلیسی جغرافیای طبیعی

برگزیده و متنوعی از شاخه های گوناگون جغرافیای طبیعی به چشم می خورد که در قلمرو، زمین در فضا، جغرافیای ریاضی، ژئومورفولوژی ساختمانی، ژئومورفولوژی اقلیمی، ساختمان آتمسفر، اقلیم شناسی، چرخه آب در طبیعت (هیدرولوژی)، ترکیبات آتمسفر، منابع آب، ناهمواریها و تحولات آنها، ژئومورفولوژی یخچالی و ساحلی، ژئومورفولوژی نواحی خشک، فرایندهای تولید خاک و جغرافیای خاکها، جغرافیای زیستی، تغییرات اقلیمی، آلودگیهای محیطی و بلایای طبیعی را در برمی گیرد. مسلماً مؤلفین ارجحند این کتاب برای گزینش متون شاخه های گوناگون دانش جغرافیای طبیعی، ابتدا طرحی اندیشیده فراهم ساخته و بر اساس آن گزینش چنین محتوای گسترده ای را از متون جغرافیایی و محیطی به انجام رسانیده اند. شاید به علت همین طیف گسترده متون منتخب است که در مقدمه کتاب نیز اشاره شد که این کتاب می تواند منبع فرعی زبان تخصصی برای رشته های علوم زمین باشد و این ادعایی بر حق و به جاست که سبب شده که سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها قدری از قلمرو خویش هم خارج شده و بهره گیری از این کتاب را برای رشته های علوم زمین - که در قلمرو جغرافیای طبیعی نمی توان حد و مرز مشخصی برای آن ترسیم کرد - نیز توصیه کرده است. شاید وضعیت خاص بین رشته ای جغرافیای طبیعی به این رشته اجازه می دهد که در حد فاصل علوم تجربی و علوم انسانی حرکت کرده و منابع ارزشمند خویش را برای دانشجویان و علاقه مندان هر دو رشته به بوتۀ آزمایش گذارد.

از دیگر ویژگیهای جالب کتاب انگلیسی برای دانشجویان رشته جغرافیای طبیعی بهره گیری مناسب و به دور از افراط، از نقشه ها، جداول، تصاویر و نمودارهای جغرافیای طبیعی است. موارد مذکور در این کتاب ارتباط منطقی و مستدلی با متن دارند و فهم مطالب متن بدون مراجعه و استفاده از آنها ناممکن و شاید دشوار باشد. ارائه نقشه ها، جداول، تصاویر و نمودارها در داخل متون جغرافیای طبیعی، طرز استفاده از این منابع آموزشی را نیز به دانشجویان می آموزد و خزانه اصطلاحات و دانش جغرافیای طبیعی آنها را بارورتر و متنوع تر می سازد.

در مقابل همه موارد مثبت فوق، شاید اگر بتوان خرده ای به این کتاب گرفت، آن، گنجیندن مختصر نکات مربوط به لغت شناسی - نه اصطلاح شناسی - زبان انگلیسی در داخل یک متن تخصصی زبان برای یک رشته مخصوص چون جغرافیای طبیعی است. در برخی از قسمتهای کتاب جاهای خالی در داخل جملاتی عرضه شده تا دانشجویان با استفاده از شکل مناسب یک لغت انگلیسی آنها را پر کنند. پر کردن این جاهای خالی، محتاج دانستن زبان عمومی و صورتهای گوناگون اسمی، صفتی، قیدی و ... یک کلمه است که در قلمرو آموزش زبان تخصصی جغرافیای طبیعی قرار نمی گیرد - حداقل به نظر راقم این سطور -.

به هر حال این عیب کوچک - که شاید هم اصولاً از نظر آموزش زبان، عیبی هم محسوب نشود - از دیگر ویژگیهای ارزشمند کتاب نمی کاهد و گفتن دستمیزاد به مؤلفان گرامی کتاب یعنی خانم مینو عسجدی و آقای دکتر شاپور گودرزی را مانع نمی گردد. برای این عزیزان که در تألیف کتاب سعی بلیغ کرده و دشواریهای رویارویی با یک کتاب انگلیسی تخصصی برای جغرافیای طبیعی را به جان خریده اند، آرزوی سلامت و موفقیت می کنیم و امیدواریم کتابی که با این ویژگیهای گران سنگ و با سعی و زحمت فراهم آمده است، آنچنان که باید و شاید در کلاسهای درس، آموزش داده شود و دانشجویان گرامی نیز از انجام تکالیف و گسترده کردن هر چه بیشتر مطالعات جغرافیای طبیعی خود به زبان انگلیسی، کوتاهی نکنند.

معرفی کتاب انگلیسی برای رشته جغرافیای طبیعی را با ذکر فهرست (محتوای) مطالب مندرج در کتاب به پایان می بریم:

1. Geographical Grid
2. The Structure of the Earth
3. Earth and shaping processes
4. The Earth's Atmosphere
5. Hydrological Cycle
6. Atmospheric Moisture
7. Fresh Water Resources
8. Weathering
9. Landforms Made by Running water
10. Landforms Made by Glaciers
11. Coastal Landforms
12. Volcanism
13. Wind Erosion
14. Soil- Froming Processes
15. Patterns of Natural Vegetation
16. Water Resources & Pollution
17. Natural Hazards
18. An overview of Environment

در بخش مراجع کتاب، موارد زیر ذکر شده اند:

References

- Strahler, A., & Strahler, A.H. (1994). **Modern physical geography**. N.Y.: John Wiley & Sons Inc.
- McIntyre, M.P., Eilers, H.P., & Mairs, J.W. (1991). **Physical geography** (5th ed.).
- Barry, R.G., & Chorley, R.J. (1990). **Atmosphere, weather and climate** (5th ed.). London: Routledge.
- Pickering, K.T., & Owen, L.A. (1994). **An introduction to global issues**. London: Routledge.
- Simmons, I.G. (1989). **Changing the face of the earth: Culture, environment, history**. Oxford: Basil Blackwell Ltd.
- Shayan, S. (1990). **Dictionary of physical Geography terms**. Tehran: Madreseh Publications.

معرفی کتابهای جدید جغرافیایی

منصور ملک عباسی

کشور ما نمی گذرد، این کتاب با تمامی محدودیت هایش، در ارایه موضوعات کاربردی سیستم GPS، می تواند به عنوان راهنمایی ساده از توانایی GPS در علوم مهندسی باشد و مورد مطالعه و استفاده اکثر دانشجویان و متخصصان نقشه برداری و سایر علوم مهندسی قرار گیرد.

برخی از عناوین این کتاب عبارتست از

- بکارگیری سیستم GPS در طرح ۱:۲۵۰۰۰ تهران

- سیستم تعیین موقعیت فضایی

- نتایج جدید از پردازشهای عکسبرداری به همراه سیستم GPS

- مطالعه تغییر شکل پوسته زمین با پردازش اطلاعات GPS

- تعیین موقعیت عوارض با GPS

- دستیابی به دقت یک متر در تعیین موقعیت مطلق یک متحرک

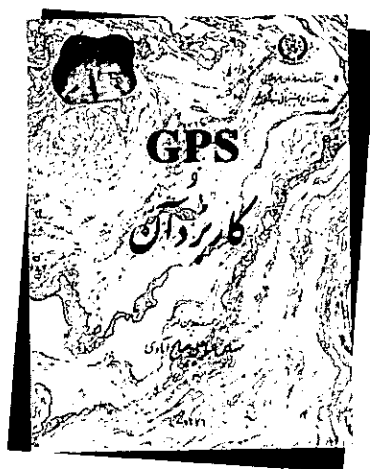
راهنمای تهیه نقشه های موضوعی از تصاویر ماهواره ای

تألیف: برخی از نویسندگان انجمن بین المللی کارتوگرافی (ICA)
ترجمه: حمید مالمیریان

ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تاریخ انتشار: سال ۱۳۷۶
شامل: نمودار، نقشه، عکس رنگی، ۲۸۰ صفحه، قیمت ۵۰۰۰ ریال
کتاب مذکور حاصل زحمات چند نفر از اساتید برجسته بخش از دور کشورهای جهان است که توسط انجمن بین المللی کارتوگرافی در پنج فصل تهیه و تدوین گردیده است.

- فصل اول، شامل هشت بخش که طی آن بررسی نسبتاً جامعی از انواع ماهواره های سنجنش از دور و نمونه، با توضیحات کافی و مفید برای هر یک ارایه گردیده است. در این فصل خواننده با کشورهای مختلف صاحب این تکنولوژی و تاریخ آشنا می شود.

همچنین در این فصل بحث های گوناگونی در خصوص آینده ماهواره های مختلف و چهارچوب و فعالیت آینده بخش از دور بعمل



GPS و کاربرد آن

ترجمه و تدوین: مهندس عباسعلی صالح آبادی

ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تاریخ انتشار: سال ۱۳۷۶
شامل: جدول، نمودار، عکس، ۲۰۰ صفحه، قیمت ۳۵۰۰ ریال
GPS سیستمی است که دامنه کاربرد و کارایی آن از محدوده علوم مهندسی، نقشه برداری- ژئودزی و فتوگرامتری فراتر رفته و دیگر شاخه ها را همانند بخش از دور، جغرافیا، محیط زیست-تکنونیک، ژئوفیزیک، حمل و نقل، ناوبری، ترافیک و غیره در بر گرفته است. در گذشته تعیین موقعیت دقیق نقاط ژئودزی نیاز به انجام محاسبات وقت گیر و حل معادلات ریاضی پیچیده داشته است. استفاده از روشهای سنتی نقشه برداری، همانند نجوم ژئودزی نیاز به محاسبات پیچیده و زمان طولانی دارد، اما GPS به راحتی می تواند حتی در حین حرکت و به همان دقت حالت سکون، تعیین موقعیت نماید. روشی که در هدایت و ناوبری کشتیها و هواپیماها و برنامه های نظامی بسیار کاربرد دارد.
از آنجایی که عمر چندانی از فعالیت و کاربرد این سیستم در



آمده است.

- فصل دوم، شامل چهار بخش می باشد که طی آن در زمینه فرایند تولید جهت استخراج اطلاعات از داده های ماهواره ای بحث های گوناگونی از جمله در زمینه عناصر تشکیل دهنده تصویر، تعبیر و تفسیر دیداری و روشهای آنالیزی تصویر به کمک کامپیوتر، انواع تصحیحات تصویر ماهواره ای از قبیل تصحیح هندسی و رادیومتریک، با واضح سازی و طبقه بندی تصویر می نماید.

- فصل سوم، شامل هفت بخش است که طی آن در زمینه روشهای ترکیبی اطلاعات ماهواره ای به دست آمده با اطلاعات حاصله از طریق سایر منابع متعارف و سنتی بحث می نماید که به اختصار شامل تصحیح هندسی، موزائیک نمودن، پردازش رادیومتریک و (انواع فیلتر نمودن و ...) نمایش داده ماهواره ای به عنوان زمینه نقشه، اضافه نمودن اطلاعات سنتی و قراردادی و متعارف به تصاویر ماهواره ای، نقش سیستم های اطلاعات جغرافیایی می گردند.

- فصل چهارم، شامل پنج بخش می باشد که طی آن موضوع طراحی و شبیه سازی جهت نمایش کارتوگرافیک مورد مطالعه قرار گرفته است و اهم عناوین این فصل عبارتند از «انتخاب اطلاعات جهت کارتوگرافی ماهواره ای» انواع محصولات نقشه های فضایی، طراحی تصویر نقشه، شناسایی انواع تصویر نقشه

- فصل پنجم، شامل بیست تصویر از انواع تصویر نقشه های ماهواره ای موضوعی می باشد. هدف اصلی فصل پنجم ارائه مثالهای کاربردی تصویر نقشه های ماهواره ای به تعداد ۲۰ نمونه و با توضیحات نسبتاً مفیدی که برای هر مورد خاص بیان گردیده است. مطالعه کتاب حاضر به کلیه اساتید، دانشجویان و علاقمندان به تصاویر ماهواره ای و نقشه های موضوعی در رشته های وابسته توصیه می گردد.

کارتوگرافی مدرن - CIS

تألیف: مهندس مهدی مدیری با همکاری خسرو خواجه

ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تاریخ انتشار: ۱۳۷۷

شامل: عکس، جدول و نمودار، ۳۷۰ صفحه، قیمت: ۵۰۰۰ ریال

یک سیستم اطلاعات کارتوگرافی (GIS) ابزاری برای تجسم

داده های جغرافیایی است. در این راستا هم کارتوگراف و هم

کاربران، آموزش بیشتری نسبت به قبل نیاز دارند. متخصص

کارتوگرافی باید توانایی مدیریت و نگهداری سیستم اطلاعات

کارتوگرافی (CIS) را داشته باشد و برای کاربران این آشنایی لازم

است. آموزش کارتوگرافی مدرن به مراتب بیشتر از گذشته ضرورت

می یابد و از وسعت گسترده تری برخوردار است. یک کارتوگراف

نه تنها باید توانایی طراحی نقشه های دقیق و زیبا، جمع آوری و تولید

نقشه بارو شهای دیجیتالی را داشته باشد، بلکه باید توانایی طراحی،

ایجاد و نگهداری GIS را داشته باشد یک کارتوگراف باید با دانش

سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) یعنی آشنایی کار در زمینه

سخت افزار، نرم افزار پایگاه داده ای تا تکنیک های ورودی و خروجی

داده ها و نیز کاربرد آنها آشنا باشد.

با این مقدمه کتاب کارتوگرافی مدرن، قبل از هر چیز به مبانی

نظری پرداخته و با توجه به ابعاد گستردگی جنبه های اصولی دانش

کارتوگرافی، اشاره ای به بخشهای کارتوگرافی ریاضی، فنی، و

کارتوگرافی هنری داشته و مطالب در چهار فصل به شرح زیر آمده

است.

فصل اول: کلیات: شامل تعاریف، تاریخچه و سابقه تهیه

نقشه.

فصل دوم: مباحثی از کارتوگرافی ریاضی مشتمل بر مقیاس،

چهارچوب ریاضی نقشه، سیستم های تصویر و در کارتوگرافی فنی

و هنری به شرح جزئیتر کردن، طراحی و ترسیم پرداخته است.

فصل سوم: سیستم اطلاعات کارتوگرافی و نقش پایه ای در

GIS:

فصل چهارم: سیستم اطلاعات کارتوگرافی و سیستم های

اطلاعات جغرافیایی با ذکر مثالهایی در جهت درک بهتر مبانی نظری

تنظیم گردیده است.

اصول ناوبری هوایی عمومی و خصوصی برای

پروازهای نقشه برداری

گردآورنده: مهندس غلامرضا دل افکاران

ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تاریخ انتشار: سال ۱۳۷۶

شامل: جدول، نمودار، ۲۱۵ صفحه، قیمت: ۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در ۹ فصل تدوین گردیده که عبارتند از

فصل اول: مختصات و مشخصات کره زمین و برخی

اصطلاحات ناوبری

فصل دوم: عمدتاً در زمینه سیستم های تصویر نقشه مطالبی را

مطرح نموده است.

فصل سوم: پارامترهای پرواز در ناوبری همچون دما، ارتفاع،

فشارسنج، مغناطیس زمین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم: در این فصل روشهای ترسیم خطوط پروازی بر

روی نقشه های ناوبری را مطرح نموده است.

فصل پنجم: تعیین روشهای تعیین باد در پرواز و تأثیر آن بر مسیر

ساخت آن و بالاخره استفاده از نورهای طبیعی و مصنوعی در زندگی انسان مطالب شیرینی را مطرح نموده است. مطالعه کتاب مذکور جهت علاقمندان به اینگونه مباحث در سطح جوانان توصیه می‌گردد.



مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران

تألیف: دکتر حسن بیک محمدی
ناشر: دانشگاه اصفهان

شامل: جداول، نمودارها، نقشه‌ها، ۲۱۴ صفحه، قیمت ۶۰۰۰ ریال
کتاب مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران که برای دانشجویان رشته های جغرافیا و تاریخ و دیگر علاقه مندان به مباحث جغرافیای تاریخی کتابی جذاب و گیراست به همت همکار ارجمند جناب آقای دکتر حسن بیک محمدی انتشار یافت. در پیشگفتار این کتاب آمده است:

شایان توجه است که بدانیم ریشه بسیاری از پدیده های امروزی زندگی انسان به گذشته برمی گردد، لذا جغرافیدان در تحلیلهای جغرافیایی خود و در تبیین و تحلیل مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مطالعه تاریخ نیاز دارد تا از طریق بازگشت به گذشته و بررسی سیر تحولات و حوادث به درک و فهم مسایل امروزی نایل آید. هرگاه جغرافیدان در این مرحله از تحقیق قدم گذاشت، در واقع در قلمرو جغرافیای تاریخی وارد شده است.

در ایران هر چند کتب متعددی تحت عنوان «جغرافیای تاریخی» نوشته شده ولی باید توجه داشت که در این کتابها به وجه تسمیه و بررسی حوادث و مسایل تاریخی شهرها و یا نواحی اکتفا شده و بستر جغرافیایی و چگونگی روابط انسان با محیط مورد توجه دقیق قرار نگرفته است.

در این کتاب، جغرافیای تاریخی ایران و مسایل مربوط به رابطه انسان و محیط از منابع تاریخی و جغرافیایی گذشته استخراج و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در این کتاب به نکات زیر توجه بیشتری مبذول شده است:

- ۱- جغرافیای انسانی ایران و روابط متقابل انسان با محیط در بستر تاریخ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
- ۲- جغرافیای تاریخی این کشور از پیدایش اولین تمدنهای بشری در فلات ایران تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی (نیمه اول قرن بیستم

فصل ششم: در این فصل پیرامون محاسباتی که معمولاً در پروازها و ناوبری کاربرد دارد مطرح شده است مسایل زمان، سرعت و مسافت، محاسبه سوخت، محاسبات مربوط به ارتفاع، تعیین



سرعت باد، و بسیاری مسایل محاسباتی دیگر که توسط برنامه های کامپیوتری محاسبه و اعلام می گردد.

فصل هفتم: این فصل از مباحث بسیار حساس و مهم کتاب است که شامل طراحی قبل از پرواز، محاسبه اوج گیری، دایره تجسس، پروازهای افقی و غیره می باشد.

فصل هشتم: پرواز در هوای آرام، هوای طوفانی و شکل گردش های هوایی مسایل خاص خود را دارد که در طراحی ناوبری حائز اهمیت است. فصل هشتم عمدتاً به مباحث مربوط به گردشهای مختلف در آسمان پرداخته است.

فصل نهم: در آخرین فصل محاسبه ارتفاع پرواز، تعیین مقیاس عکس و نقشه، برای پست ترین و بلندترین نقطه فواصل عکسبرداریهای متوالی، یونش های عرضی در هر نوار، عکسبرداری و محاسبه تعداد تصاویر در هر نوار مورد بررسی قرار گرفته است. رسم نمودارهای متعدد بطور ساده و واضح در این کتاب به فهم آسان مطالب کمک بسیاری نموده است.

چرا شبها تاریک است؟

تألیف: صوفی تاهتا

مترجم: فاطمه ربیعی

ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تاریخ انتشار: ۱۳۷۶

شامل: تصاویر رنگی در ۲۴ صفحه، قیمت: ۱۵۰۰ ریال

کتاب مذکور که بصورت جزوه رنگی و با تصویر زیاد به چاپ رسیده است، به شکل زیبایی، مبحث پیدایش روز و شب، فصول ماه و ستارگان، منظومه شمسی، زندگی شبانه برخی حیوانات و گلها، که متناسب با تغییر روشنایی دگرگون می شود را مطرح کرده و تصاویر همراه بر زیبایی و جذابیت کتاب افزوده است.

چگونگی عمل نور، تداخل رنگها، علت آبی رنگ آسمان و سایه اجسام منجمله سایه ماه و زمین بر یکدیگر، ساعت آفتابی و طرز

فرم اشتراک مجله رشد آموزش جغرافیا



بسمه تعالی

شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سرخه حصار کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال اصل رسید بانکی همراه با فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر انتشارات کمک آموزشی.

۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست است. بدیهی است یک ماه قبل از اتمام مبلغ علی الحساب، به مشترک جهت تجدید اشتراک اطلاع داده خواهد شد.

● نام و نام خانوادگی:	
● تاریخ تولد:	
● میزان تحصیلات:	● تلفن:
● نشانی کامل: استان:	● شهرستان:
● خیابان:	● کوچه: پلاک:
● کدپستی:	● مبلغ واریز شده:
● شماره رسید بانکی:	
● تاریخ رسید بانکی:	
● مجله درخواستی: رشد آموزش جغرافیا	

■ مشخصات و نشانی خود را کامل و خوانا بنویسید. در صورت کامل نبودن نشانی، مسؤلیت برگشت مجله به عهده مشترک می باشد.
■ ارسال اصل رسید بانکی ضروری است.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره چهار آموزش و پرورش، دفتر انتشارات کمک آموزشی، واحد اشتراک
تلفن: ۸۳۵۲۷۹ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

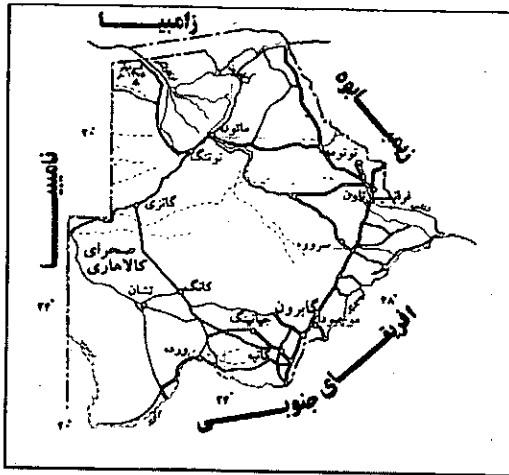
فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی در کنار توسعه روزافزون جاذبه های گردشگری در جزیره کیش موجب افزایش تقاضا برای دریافت اطلاعات از سوی سرمایه گذاران، مجریان طرح های زیربنایی، بازرگانان داخلی و خارجی و گروه بزرگی از علاقه مندان به گردش و سیاحت شده است.

انتشار کتاب جزیره اول به زبانهای فارسی و انگلیسی پاسخی است به نیاز و تقاضای روزافزون علاقه مندان به کیش و کوششی است برای معرفی ظرفیت های عظیم سیاحتی و اقتصادی این جزیره زیبا که با ۹۰ کیلومتر مربع مساحت در فاصله ۱۸ کیلومتری کرانه جنوبی ایران در داخل خلیج فارس قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی این جزیره از یک سو و وضع جزیره ای آن از سوی دیگر سبب شده است که دارای توان بالقوه طبیعی با ارزش خاص برای فعالیتهای جهانگردی باشد.

کتاب کیش، جزیره اول مشتمل بر هفت فصل و بخش ضمیمه ای اطلاعات منطقه آزاد کیش است. عناوین فصول کتاب عبارتند از:

- فصل اول: پیشینه تاریخی و جغرافیایی جزیره کیش
 - فصل دوم: مراحل شکل گیری منطقه آزاد کیش
 - فصل سوم: تشکیلات اداری سازمان منطقه کیش
 - فصل چهارم: زمینه های سرمایه گذاری در منطقه آزاد کیش
 - فصل پنجم: قوانین و مقررات سرمایه گذاری و فعالیت در کیش
 - فصل ششم: جاذبه های سیاحتی و دیدنی های کیش
 - فصل هفتم: امکانات سفر و توصیه هایی به مسافران کیش
- چاپ بخش ضمیمه ای اطلاعات منطقه آزاد کیش و معرفی بازارهای متعدد و مراکز اقامتی و پذیرایی و مراکز خدماتی و اطلاعات ضروری همراه با آدرسها و شماره تلفنهای، کتاب کیش، جزیره اول را به صورت یک کتاب کاربردی و خواندنی برای علاقه مندان و مسافران این جزیره زیبا درآورده است.

آشنایی با کشورهای جهان



نام رسمی: جمهوری بوتسوانا (RB) BOTSWANA

بوتسوانا با ۳۷۲،۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت از ایالت تک‌زاس آمریکا کوچکتر می‌باشد و به لحاظ اندازه و مساحت، چهل و چهارمین کشور جهان است. این کشور بین ۱۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جنوبی و ۲۰ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی قرار دارد. بوتسوانا در جنوب قاره آفریقا واقع شده و با نامیبیا از ناحیه شمال و غرب، کشور آفریقای جنوبی در جنوب و زیمبابوه در شمال شرقی هم‌مرز می‌باشد و همچنین در ناحیه شمال با کشور زامبیا نیز دارای خط مرزی است.

شمال کشور بوتسوانا پهنه وسیعی از دلتای رودخانه اوکاوانگو و تعدادی دریاچه‌های نمک، و مردابها و زمینهای کشاورزی است. در جنوب غربی بوتسوانا صحرای کالاهاری و سایر صحراها قسمت اعظم آن را پوشانیده است، مراتع و چراگاهها هم که عمدتاً در شرق واقعند. همچنین از دریاچه نمک ماگگادیکگادی که در شمال شرقی است باید نام برد و این سرزمین از هیچ سوبه دریای آزاد راه ندارد. آب و هوا: آب و هوای بوتسوانا به دلیل دوری از منابع آب و وجود صحرای وسیع کالاهاری عمدتاً گرم، خشک و کم‌باران است. بلندترین نقطه این کشور قله تسودیلو با ۱۳۷۵ متر ارتفاع می‌باشد و مهمترین رودهای آن مولویو و نوسوب در جنوب، لیمپوپو در جنوب شرقی، شاشی در شرق و رود اوکاوانگو در شمال می‌باشد.

بوتسوانا

سعید بختیاری
سازمان گیاتشناسی

جمعیت: بر طبق آمار سال ۱۹۹۷ جمعیت بوتسوانا ۱،۵۰۱،۰۰۰ نفر می باشد که ۲۹٫۲٪ آن ساکن شهرها و ۷۰٫۸٪ جمعیت روستایی می باشند. تراکم جمعیت ۲٫۶ نفر در هر کیلومتر مربع است.

توزیع سنی: به لحاظ توزیع سنی در سال ۱۹۹۵، ۳۴٫۲٪ افراد زیر ۱۵ سال، ۲۸٫۵٪ بین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۱۶٫۵٪ بین ۳۰ تا ۴۴، ۷٫۹٪ بین ۴۵ تا ۵۹ سال، ۳٫۲٪ ۶۰ تا ۷۴ سال و ۰٫۷٪ را افراد بالای ۷۵ سال در بر می گیرند.

تولد و مرگ و میر: در بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ میزان تولد حدود ۳۷٫۱ نفر در هر هزار نفر بوده، میزان مرگ و میر ۶٫۶ نفر در هر هزار نفر و مرگ و میر کودکان ۳۹ نفر در هر هزار تولد بوده است. عمر متوسط مردان ۵۹٫۹ و زنان ۶۵٫۶ سال می باشد.

ترکیب نژادی: بر طبق آمار سال ۱۹۸۳، تسوانا ۷۵٫۵٪، شونا ۱۲٫۴٪، سان ۳٫۴٪، خوخوین (هنتوت) ۲٫۵٪، ندبل ۱٫۱۳٪ و سایر نژادها ۴٫۹٪ جمعیت را به خود اختصاص داده است.

مذهب و زبان: بیشتر مردم بوتسوانا دارای مذاهب بومی و قبیله ای هستند که حدود ۴۹٫۲٪ جمعیت را شامل می گردند و از دیگر مذاهب پروتستانها با ۲۹٪، مسیحی آفریقایی ۱۱٫۸٪، رومن کاتولیک ۹٫۴٪ و سایر مذاهب ۰٫۶٪ می باشند. از زبانهای اصلی که مردم بوتسوانا بدان تکلم می نمایند ستسوانا و انگلیسی را می توان برشمرد که از زبانهای رسمی و رایج در بوتسوانا هستند.

پایتخت: شهر گابرون با ۸۰۳، ۱۵۶ نفر جمعیت پایتخت بوتسواناست و شهرهای بزرگ آن عبارتند از: فرانسیس تاون ۶۷۸، ۷۵ نفر جمعیت، سلبی پیکوه با ۳۵۰، ۴۲ نفر، موله پول با ۷۳۰، ۴۱ نفر و کانه با ۲۳۳، ۳۴ نفر جمعیت می باشند.

نوع حکومت: حکومت کشور بوتسوانا جمهوری پارلمانی است و تقسیمات کشوری آن شامل ۴ شهر و ۱۰ بخش می باشد. رئیس حکومت و دولت، رئیس جمهوری کوئت ماسیره از سال ۱۹۸۰ می باشد.

قوه مقننه در بوتسوانا از یک مجلس ملی با ۳۴ عضو برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می گردند و احزاب فعال دارای کرسی در مجلس ملی حزب دمکراتیک با ۳۱ کرسی و جنبش ملی بوتسوانا با ۳ کرسی هستند.

تاریخ استقلال بوتسوانا از سرزمین انگلستان روز ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۶ می باشد و سی ام سپتامبر روز ملی استقلال این کشور اعلام گردیده است.

این کشور بعد از استقلال به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد و هم اکنون نیز در سازمانهای زیر عضو می باشد:

موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)، صندوق بی المللی پول (IMO)، سازمان بهداشت جهانی (WHO) و سازمان مشترک المنافع ملت ها.

کشاورزی و دامپروری: محصولات مهم کشاورزی بوتسوانا عبارتند از: سبزیجات و هندوانه به میزان ۱۶،۰۰۰ تن، غله ۱۴،۰۰۰ تن، ارزن ۴،۰۰۰ تن، حبوبات ۸۲،۹۰۰ تن و میوه جات ۱۰،۵۰۰ تن.

فعالیت دامپروری عمدتاً در نواحی شرقی بوتسوانا به جهت وجود چراگاهها و مراتع رونق بیشتری نسبت به سایر نواحی این سرزمین دارد.

صنایع و معادن: مهمترین صنایع کشور نساجی، مواد شیمیایی و صنایع چوبی است و عمده ترین معادن بوتسوانا معادن الماس، مس، نیکل و کوبالت هستند.

انرژی: میزان الکتریسیته تولید شده در سال ۱۹۹۳، ۹۷۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات در ساعت و میزان مصرف آن نیز ۹۷۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات در ساعت بوده است. تولید زغال ۵۴۲، ۹۰۱ متریک تن و میزان مصرف آن اعلام نشده و نامعلوم می باشد. این کشور فاقد نفت خام است.

نیروی کار: طبق برآورد سال ۱۹۹۱ تعداد افراد شاغل ۲۰۳، ۴۴۱ نفر یعنی کلاً ۳۳٫۲٪ شاغل بوده اند که از این عده ۱۵ تا ۶۴ ساله ۵۹٫۶٪، زنان ۳۸٫۴٪ و بیکاران ۱۳٫۹٪ را به خود اختصاص می دهند.

واحد پول: واحد پول بوتسوانا پولا است که هر یک پولا معادل ۱۰۰ تبه می باشد. بر طبق گزارش سوم اکتبر سال ۱۹۹۷ در دلار آمریکا معادل ۳٫۶۸ پولا و هر لیره استرلینگ معادل ۵٫۹۴ پولا است.

بودجه ملی: در سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ بودجه ملی برابر با ۳۰۰، ۴۲۱، ۵ پولا و هزینه ها معادل ۶۰۵، ۰۵۷، ۰۰۰ پولا بوده است و بدهی عمومی کشور ۱۰۰، ۶۸۲، ۰۰۰ دلار آمریکا می باشد.

میزان تولید ناخالص ملی: در سال ۱۹۹۴ تولید ناخالص ملی به ۴، ۰۳۷، ۰۰۰، ۰۰۰ دلار آمریکا بالغ شده که سرانه آن ۲۸۰۰ دلار آمریکا بوده است.

واردات: واردات بوتسوانا در سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۵ میلیارد دلار آمریکا (۵، ۳۰۴، ۸۰۰، ۰۰۰ دلار) بوده که ۲۹٫۶٪ آن شامل وسایل حمل و نقل، ۱۷٫۶٪ آن غذا، آشامیدنی و توتون، ۹٫۷٪ مواد شیمیایی و محصولات پلاستیکی، ۹٫۴٪ محصولات فلزی، ۸٫۹٪ نساجی و کنش، ۵٫۷٪ سوختهای معدنی و ۵٫۸٪ چوب و کاغذ بوده که عمدتاً از کشورهای اتحادیه گمرکی آفریقایی جنوبی با ۷۳٫۹٪، کره جنوبی با ۷٫۱٪، زیمبابوه ۵٫۵٪، انگلستان ۲٫۵٪ و آمریکا ۲٪ انجام پذیرفته است.

صادرات: صادرات بوتسوانا در سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۵ میلیارد دلار آمریکا (۵، ۹۳۱، ۶۰۰، ۰۰۰ دلار) بوده است که شامل الماس ۷۹٫۹٪، وسایل مس و نیکل ۵٫۶٪، محصولات گوشتی ۳٫۷٪ و

نساجی ۳/۸٪ که عمدتاً به کشورهای انگلستان با ۳۷/۵٪، کشورهای آفریقای ۲۱/۵٪، آمریکا ۰/۹٪ و زیمبابوه ۳٪ انجام یافته است.

ارتش: نیروی فعال ارتش در سال ۱۹۹۷ برابر با ۷،۵۰۰ نفر بوده که از این تعداد ۹۳/۳٪ در نیروی زمینی و ۶/۷٪ در نیروی هوایی خدمت می کرده اند. این سرزمین به جهت نداشتن دریای آزاد فاقد نیروی دریایی است. هزینه ارتش بوتسوانا ۵/۳٪ تولید ناخالص ملی و سرانه آن ۱۵۵ دلار آمریکا می باشد.

حمل و نقل: بر طبق برآوردهای سال ۱۹۹۵ طول راه آهن ۹۷۱ کیلومتر و راههای اتومبیل رو ۱۸،۳۲۷ کیلومتر که ۲۵٪ آن آسفالت بوده است. تعداد وسایل نقلیه موتوری (سال ۱۹۹۴) عبارتند از: ۲۷،۰۵۸ دستگاه اتومبیل سواری و ۴۲،۶۹۶ دستگاه کامیون و اتوبوس بوده است. این سرزمین فاقد کشتی و خطوط کشتیرانی است. همچنین ۴ فرودگاه با پروازهای زمان بندی شده در این کشور وجود دارد.

جهانگردی: عواید حاصل از جهانگردی و دریافتی از سیاحان در سال ۱۹۹۱ برابر با ۷۹،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا و هزینه در کشورهای دیگر ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است.

ارتباطات: در سال ۱۹۹۳ در بوتسوانا ۲ روزنامه با تیراژ کلی ۴۹،۷۰۰ (یعنی برای هر هزار نفر ۳۴/۶ روزنامه) منتشر می شده است و در سال ۱۹۹۴، ۱،۴۰۰،۰۰۰ گیرنده رادیو (یک دستگاه برای هر ۱/۱ نفر) و ۱۳،۸۰۰ گیرنده تلویزیون (یک دستگاه برای هر ۱۰/۸ نفر) و تلفن در سال ۱۹۹۳ شامل ۴۳،۵۰۰ دستگاه (یعنی یک تلفن برای هر ۳۳ نفر) بوده است.

بهداشت: تعداد پزشکان در سال ۱۹۹۴، ۳۳۹ نفر (یک پزشک برای هر ۴۳۹۵ نفر) و تخت بیمارستانی حدود ۳۲۲۹ تخت یعنی (یک تخت برای هر ۴۳۴ نفر) بوده است.

تغذیه: مقادیر روزانه کالری مصرفی در بوتسوانا در سال ۱۹۹۵، ۲،۱۵۳ کالری بوده که ۸۳٪ آن از تولیدات نباتی و ۱۷٪ از تولیدات حیوانی بوده است در حالی که ۹۳٪ حداقل نیاز ضروری توصیه شده فائو (سازمان خواربار و کشاورزی جهانی) می باشد.

آموزش: میزان باسوادی در بوتسوانا در سال ۱۹۹۵ کلاً ۶۹/۸٪ بوده که از این مقدار مردان ۸۰/۵٪ و زنان ۵۹/۹٪ آن را شامل می شده اند. جدول زیر خلاصه ای از مقاطع تحصیلی این کشور را نشان می دهد.

سال تحصیلی	مدارس	معلمین	دانش آموزان	نسبت دانش آموز به معلم
ابتدایی ۱۳ تا ۶ سال	۶۶۹	۱۱۶۲۷	۳۱۰،۰۵۰	۲۶/۴
متوسطه ۱۴ تا ۱۸ سال	۱۸۸	۴۷۱۲	۸۶،۶۸۴	۱۸/۴
حرفه ای، تربیت معلم	۴۵	۹۶۶	۶،۳۷۳	۶/۶
عالی	۱	۵۰۷	۵،۰۶۲	۱۰

برخی توصیه های لازم برای مؤلفین و نویسندگان مقالات

خواهشمند است نکات زیر را در مقالات ارسالی برای مجله رشد آموزش جغرافیا رعایت فرمایید:

- ۱- مقاله خود را به صورت تایپ و یا با خط خوانا و تمیز ارسال فرمایید.
- ۲- از ارسال کپی مقالات خودداری فرمایید.
- ۳- شکل های مقاله به صورت نهایی بر روی کاغذ و یا دیسکت رایانه ای ارائه شود و عناوین و شماره های اشکال در زیر آنها نوشته شود. لطفاً همه نمودارها، نقشه ها و تصاویر، تحت عنوان شکل نامگذاری و شماره گذاری شوند.
- ۴- شماره و عناوین جداول در بالای آنها نوشته شود.
- ۵- منابع مقاله در متن مقاله به صورت (نام خانوادگی - سال انتشار، صفحه) نوشته شده و فهرست منابع به شکل الفبایی در انتهای مقاله تنظیم شود.
- ۶- هر مقاله دارای چکیده ای در حداکثر ۱۵۰ کلمه در ابتدای مقاله باشد.
- ۷- در پایان مقاله خلاصه یا نتیجه گیری در چند سطر نوشته شود.
- ۸- مجله رشد آموزش جغرافیا، مقالات را به صورت دیسکت رایانه ای نیز می پذیرد.

اخبار جغرافیایی

مهدی چوبینه

همکاران تحت عنوان درخت سرخدار، واژه ژئوپلتیک، تمرینات ریاضی (برای جغرافیای عمومی)، دریاچه‌ها، اختلاف ساعت، اصطلاحات جغرافیای اقتصادی، سدهای مخزنی ایران، مقیاس نقشه و ...

ب- برگزاری مسابقه علمی جغرافیا بین کلیه دانش آموزان سال چهارم نظام قدیم
ج- برگزاری مسابقه مقاله نویسی جغرافیا بین دانش آموزان دوره متوسطه
د- برگزاری مسابقه عکس جغرافیایی بین دانش آموزان دوره متوسطه
ه- برگزاری نمایشگاهی از کارهای ابتکاری دانش آموزان و همکاران

گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی ضمن آرزوی موفقیت برای همکاران در بسطام امیدوار است سایر گروههای آموزشی استان سمنان نیز گزارشی از عملکرد خود را جهت اطلاع سایرین ارسال فرمایند.

● گزارش تحلیلی از عملکرد انجمن علمی دبیران متوسطه جغرافیا در شهرستان بابل:

در مهرماه سال جاری یک جلد از گزارش تحلیلی عملکرد انجمن علمی دبیران جغرافیای شهرستان بابل واصل شد همکار فعال و

گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی از کلیه گروههای آموزشی در سطح استانها و شهرستانها و مناطق و همچنین گروههای آموزشی جغرافیا در کلیه دانشگاهها دعوت می نماید گزارشهای مربوط به فعالیتهای مهم در گردهمایی های جغرافیایی خود را در کلیه دوره های تحصیلی و همچنین ابتکارات و نوآوریهای آموزشی همکاران را جهت معرفی در این بخش به آدرس مجله رشد جغرافیا ارسال نمایند.

● فعالیتهای انجام شده گروه آموزشی جغرافیای شهرستان بسطام شاهرود- استان سمنان:

همکار گرامی ما آقای نوروزعلی امیرفخریان نماینده گروه آموزشی جغرافیا در منطقه بسطام گزارش مشروحی از فعالیتهای سال تحصیلی ۷۷-۷۶ این منطقه را به همراه تصاویر زیبایی از پدیده های مختلف جغرافیایی به دفتر مجله ارسال نموده اند. رتوس فعالیتهای آموزشی این گروه عبارتند از:

الف- تهیه و گردآوری و تکثیر جزوات کمک درسی برای

زحمتکش ما در شهرستان بابل آقای طهماسبقلی هدایتی ضمن ارایه گزارش مسوولی از فعالیتهای یکساله گروه آموزشی بابل کرویکی ها، تصاویر، مکاتبات و نامه های اداری مربوط به فعالیتهای خود را نیز ارسال نموده اند اهم فعالیتهای یکساله این گروه عبارتند از:

۱- سفر علمی هشت روزه دبیران جغرافیا، تاریخ و علوم اجتماعی به خارج از استان در تعطیلات نوروزی سال ۷۶

۲- تهیه اطلاعات علمی پیزامون اصطلاحاتی از کتابهای درسی

۳- بازدید علمی یک روزه دبیران جغرافیا، زمین شناسی و زیست شناسی از جاده هراز در ۱۹ اردیبهشت ۷۶

۴- برپایی گردهمایی دوروزه اعضای انجمنهای علمی تاریخ، زمین شناسی، جامعه شناسی و زبان با مسئولین محلی

۵- برگزاری جلسه عمومی دبیران جغرافیا و انجام انتخابات انجمن علمی

۶- برگزاری بازدید علمی دبیران جغرافیا از سد شهید رجایی ساری و نیروگاه شهید سلیمی نکا

۷- برپایی مجلس گرامیداشت بازنشستگان گروه جغرافیا

۸- برگزاری جلسه عمومی انجمن در پایان سال ۷۶

و با انجام دهها فعالیت دیگر، کارنامه درخشانی از انجمن علمی شهرستان بابل به نمایش گذاشته اند. گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی

ضمن تشکر و قدردانی از زحمات همکاران محترم در بابل امیدوار است با تشکیل انجمن های علمی در تمامی شهرستانها، ضمن کسب تجربه و برقراری ارتباط، زمینه لازم برای تشکیل انجمن علمی سراسری دبیران جغرافیا فراهم آید.

● برگزاری کلاسهای توجیهی مدرسین جغرافیای اول راهنمایی در استان کردستان

گروه آموزشی جغرافیای استان کردستان ضمن ارسال نامه ای اعلام نموده است که به منظور توجیه مدرسین جغرافیای اول راهنمایی در این استان در تاریخهای هفتم تا دهم شهریورماه ۷۷ دوره ای را در مرکز ضمن خدمت سندج برگزار کرده اند. در این دوره ضمن توجه به روشهای تدریس، چگونگی استفاده از عکس و فیلم در آموزش جغرافیا، بازدید علمی نیز به عمل آورده اند. مجله رشد جغرافیا برای تمامی همکاران این استان از جمله آقای سعید خضری، خانم سهیلا عظیمی وزیری، آقای جمال ایرانی و آقای عادل غربی آرزوی توفیق و استمرار فعالیتهای آنها را می نماید.

● گزارش برگزاری گردهمایی سرگروههای جغرافیای سراسر کشور: گردهمایی سرگروههای جغرافیای سراسر کشور در سال ۷۷ در

روزهای شنبه دوم آبان تا دوشنبه چهارم آبان ماه سال جاری با برنامه ریزی دفتر آموزشهای نظری و پیش دانشگاهی در محل باشگاه فرهنگیان شهر شیراز برگزار گردید این گردهمایی به منظور اجرای طرح جامع گروههای آموزشی در چهار محور طراحی آموزشی، خلاقیت و نوآوری، نقد و بررسی کتب درسی و سنجش و اندازه گیری برگزار شد. مراسم افتتاحیه این گردهمایی در ساعت ۸^۱/_۲ صبح با تلاوت آیاتی چند از کلام ا... آغاز گردید سپس آقای اکبری مدیر کل آموزش و پرورش استان مطالب خود را با عنوان «توسعه آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی» ارایه نمودند پس از ایشان آقای هاشمی معاونت آموزش متوسطه استان فارس، آقای حاج پروانه کارشناس هماهنگی گروههای آموزشی علوم اجتماعی دفتر آموزشهای نظری و پیش دانشگاهی و آقای صدیق ها کارشناس گروههای علوم انسانی مطالبی را در زمینه طرح جامع و عملکرد گروههای آموزشی اظهار داشتند این گردهمایی در سه روز به صورت کارگاهی اجرا می شد که پس از ارایه مطالبی توسط اساتید برگزیده، فعالیتهایی توسط شرکت کنندگان در چهار گروه دنبال می شد. در



پایان اولین روز مجمع، در پی بیانات نماینده دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و درخواست شرکت کنندگان مبنی بر کسب اطلاع از تغییرات برنامه ها و کتب جدید التالیف جغرافیا و برنامه های آتی، درخواست نشست در مورد کتب جدید داشتند که مورد قبول واقع شد و کارشناس مسئول گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و آقای دکتر شایان مدیر داخلی مجله رشد جغرافیا و نماینده دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و آقای حاج پروانه تا ساعت ۲۲ میباحث بسیار ارزشمندی را در زمینه بهبود برنامه های آموزشی و کتب درسی جغرافیا و چگونگی همکاری همکاران با مجله رشد جغرافیا مطرح نمودند در این نشست آقایان احمد کوشکی سرگروه جغرافیای استان لرستان، ابوالحسن خطیبی سرگروه جغرافیای شهرستانهای تهران، صادق ترزبان سرگروه جغرافیای استان مازندران و خانم مهری اذانی سرگروه جغرافیای استان اصفهان علاوه بر طرح سؤالاتی در زمینه های مختلف،

سؤالات کتبی جهت بررسی بیشتر ارایه نمودند که نظر همکاران را به میزگرد آموزش جغرافیا قسمت اول مجله رشد جغرافیا شماره ۴۸ و قسمت دوم شماره ۴۹ جلب می‌نمایم تا علاوه بر پاسخهای شفاهی در آن نشست، این مطالب را جهت پاسخگویی به سؤالات احتمالی همکاران در مناطق مختلف لحاظ نمایند. بهر حال مجموع سؤالات همکاران در دو دسته قابل تقسیم‌بندی است. ۱- حجم کتاب جدید التالیف جغرافیا (۱) اول متوسطه که نگرانی همکاران را به دنبال دارد. ۲- بی‌اطلاعی همکاران از روند تولید برنامه‌های آموزشی جغرافیا و تألیف کتب قبل از اجرای سراسری.

در این زمینه اعلام شد که گروه جغرافیا علاوه بر رفع مشکلات و نواقص چاپ آزمایشی کتاب جغرافیا (۱) به تعدیل حجم این کتاب نیز همت گماشته است و در زمینه اطلاع‌رسانی برنامه‌های جدید آموزش جغرافیا نیز اعلام شد که یکسال قبیل از تألیف کتاب جغرافیا (۱)، راهنمای برنامه درسی آموزش جغرافیا در دوره‌های مختلف جهت بررسی و اظهار نظر به کلیه گروه‌های آموزشی استانهای مختلف ارسال شده بود که متأسفانه به علت عدم آشنایی همکاران با مبانی برنامه‌ریزی درسی چندان باز خوردی از گروه‌های درسی واصل نشده است در حالیکه این عزیزان زمانی قادر به اظهار نظر بوده و می‌باشند که محتوای آموزشی در قالب یک کتاب درسی سازماندهی شده باشد. که چاپ آزمایشی این کتاب و ارسال آن به تمامی گروه‌های آموزشی استانها به همراه پرسشنامه ویژه، این امکان را فراهم آورده است.

در این گردهمایی که با مساعی بسیار از سوی سرکار خانم دکتر فریده عظیمی سرگروه آموزش جغرافیا در استان فارس برپا شده بود افراد دیگری نیز همکاری داشتند که عبارت بودند از: آقایان حسین کریمی کارشناس گروه‌های آموزشی، محسن سپهری منش عضو گروه جغرافیای استان، احمد صالحی پور مدیر اجرایی گروه‌های آموزشی و خانمها شهره ضمیریان و زهره صداقت‌زاده اعضای گروه آموزشی استان فارس که تحت عنوان دبیرخانه مجمع علمی جغرافیا سراسر کشور به فعالیت می‌پردازند. در این مجمع وظایف مشترک کلیه استانها به این شرح اعلام شده است:

- ۱- تشکیل گردهمایی دبیران و دانش‌آموزان در سطح استان، شهرستان و منطقه
- ۲- همکاری در تشکیل انجمن علمی دبیران و دانش‌آموزان (گزارش هر سه ماه یکبار)
- ۳- راه‌اندازی کتابخانه گروه آموزشی یا تکمیل کتابخانه به نشریات و کتب جدید جغرافیایی و ارسال گزارش آن به دبیرخانه
- ۴- تهیه و ارسال مقالات و اخبار جغرافیایی از سطح استان به دبیرخانه جهت درج در نشریه یا ویژه‌نامه خبری

- ۵- فراهم کردن تسهیلات لازم جهت دبیران داوطلب شرکت در طراحی آموزشی
 - ۶- برنامه‌ریزی مسابقات استانی در خصوص طراحی آموزشی
 - ۷- ارزشیابی و انتخاب طرح‌های آموزشی برتر و ارسال آن به دبیرخانه (هر سه ماه یک بار)
 - ۸- پیشنهاد برگزاری کلاسهای ضمن خدمت دبیران بر اساس نظر سنجی سرگروه‌ها (تا آخر سال تحصیلی)
 - ۹- تشکیل سمینار علمی جغرافیا در سطح استان با شرکت اساتید دانشگاه، مؤلفین کتب درسی و دبیران همراه با فراخوان مقاله (هر دو سال یکبار)
 - ۱۰- برگزاری جشنواره دانش‌آموزی در زمینه ارسال مقاله- فیلم- عکس و ساخت وسایل کمک آموزشی (سالیکبار)
 - ۱۱- شناسایی ابتکارات و اندیشه‌های خلاق دبیران
 - ۱۲- شناسایی و معرفی الگوهای برتر تدریس توسط استانها و ارسال آن به دبیرخانه (تا پایان ترم)
 - ۱۳- تهیه لیستی از مکانهای آموزشی و جاذبه‌های توریستی به صورت عکس، فیلم و ارسال یک نسخه از آن به دبیرخانه جهت استفاده همکاران سراسر کشور
 - ۱۴- ارزیابی سؤالات امتحانی پایان ترم در سطح استان و منطقه
 - ۱۵- ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و بررسی علل افت تحصیلی احتمالی و ارسال گزارش آن به دبیرخانه (تا پایان سال تحصیلی)
 - ۱۶- بازدید از مدارس و تهیه گزارش در مقیاس استانی و منطقه‌ای و ارسال گزارش کوتاه به دبیرخانه
 - ۱۷- انجام فعالیتهای محوله بر اساس محورهای مندرج در طرح جامع گروه‌های آموزشی بر طبق تقسیم‌کتاب درسی بین کلیه استانها
 - ۱۸- انجام سایر امور محوله از طرف کارشناس گروه‌های آموزشی استانها
- علاوه بر وظایف مشترک کلیه استانها، دبیرخانه علمی جغرافیا در طول سال تحصیلی با برنامه‌زمانبندی شده وظایف اختصاصی زیر را نیز انجام می‌دهد.
- ۱- تشکیل انجمن‌های علمی دبیران و دانش‌آموزان (به منظور دفاع از جایگاه این علم و بهبود روشهای تدریس) پیگیری اخبار تشکیل این انجمن در سطح کشور جهت گزارش به دفتر آموزشهای نظری و پیش‌دانشگاهی
 - ۲- تهیه لیستی از کتابهای مرجع جغرافیا و نشریات جغرافیایی جهت استفاده گروه‌های آموزشی دبیران و دانش‌آموزان و ارسال آن به کلیه استانها جهت تشکیل کتابخانه
 - ۳- جمع‌آوری و تدوین الگوهای برتر تدریس و ارسال بهترین



طرحها به دفتر آموزشهای نظری

۴- برنامه ریزی مسابقات استانی در خصوص طراحی آموزشی و ارسال بهترین طرحها به دفتر آموزشهای نظری
 ۵- اطلاع رسانی از آخرین یافته های علمی- تخصصی و اخبار مرتبط با درس جغرافیا و ارسال آن به سایر استانها
 ۶- تهیه نشریه جغرافیایی ویژه دبیران و دانش آموزان در سطح کشور با استفاده از مقالات و اخبار ارسالی
 ۷- برگزاری جشنواره های دانش آموزی در سطح کشور در زمینه مقالات، ساخت وسایل کمک آموزشی عکس و فیلم
 گروه جغرافیا ضمن آرزوی توفیق برای کلیه همکاران در سراسر کشور به جهت تعهد خود در اطلاع رسانی نظرات همکاران، تنها نکته مشترک بین کلیه سرگروهها را مطرح می نماید این نکته عدم تطابق بین وظایف محوله به گروههای آموزشی و اعضای این گروه و زمان در نظر گرفته شده است که حداکثر ۱۸ ساعت در هفته می باشد و امیدوار است که با پی گیریهای دبیرخانه انجمن جغرافیا این مسئله مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گیرد تا همکاران گروههای آموزشی استانها بتوانند با دقت بیشتری وظایف محوله را به انجام رسانند.
 جهت اطلاع همکاران، برنامه تقسیم کار و وظایف گروههای آموزشی استانها بر مبنای چهار محور طرح جامع گروههای آموزشی بدین شرح اعلام شده است:

گروه اول استانهای فارس- بوشهر- خوزستان- لرستان- ایلام- کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری
 طراحی آموزشی: کتاب جغرافیای ایران سال دوم
 خلاقیت و نوآوری: کتاب جغرافیای عمومی سال سوم
 نقد و بررسی کتب: جغرافیای دوره پیش دانشگاهی
 سنجش و اندازه گیری: جغرافیای سیاسی و اقتصادی سال سوم.
 گروه دوم استانهای: تهران، مرکزی، قم، سمنان، گیلان، مازندران و قزوین

طراحی آموزشی: کتاب جغرافیای سیاسی و اقتصادی
 خلاقیت و نوآوری: کتاب جغرافیای پیش دانشگاهی

نقد و بررسی کتب: کتاب جغرافیای عمومی
 سنجش و اندازه گیری: کتاب جغرافیای ایران
 گروه سوم استانهای: آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه و همدان
 طراحی آموزشی: کتاب جغرافیای پیش دانشگاهی
 خلاقیت و نوآوری: کتاب جغرافیای ایران
 نقد و بررسی کتب: کتاب جغرافیای سیاسی و اقتصادی
 سنجش و اندازه گیری: کتاب جغرافیای عمومی
 گروه چهارم استانهای کرمان، هرمزگان، خراسان، اصفهان، یزد، سیستان و بلوچستان و گلستان

طراحی آموزشی: کتاب جغرافیای عمومی
 خلاقیت و نوآوری: کتاب جغرافیای سیاسی و اقتصادی
 نقد و بررسی کتب: کتاب جغرافیای ایران
 سنجش و اندازه گیری: کتاب جغرافیای پیش دانشگاهی
 این گروههایی که با بازدیدهایی از آثار باستانی تخت جمشید و دیدنیهای شهر شیراز توأم بود اگر چه هماهنگی قبلی با گروههای درسی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی را در خود نداشت اما سرآغاز فعالیتی است که امید است تا تحقق اهداف آن ادامه یابد.
 به عنوان حسن ختام این گزارش، شعری تحت عنوان «بر تربت حافظ» به مناسبت برگزاری این گروههایی در شیراز تقدیم به خوانندگان مجله رشد جغرافیا شده است:

صبح شد خواجه ز جا خیز که خواب اینهمه نیست
 مستی و نشئه یک جام شراب اینهمه نیست
 بنگر منزل تو وادی خاموشان است
 ورنه در دیر مغان مست و خراب اینهمه نیست
 بر سر تربت خود بانگ دف و نی بشنو
 گوش دادن که به قاری و کتاب اینهمه نیست
 نغمه از کنگره عرش بز ن طایر قدس
 که سزاوار مکان تو تراب اینهمه نیست
 بر در میکده تا چند مقیمی حافظ
 طول یک جرعه زدن از می ناب اینهمه نیست
 شد زیارتگه رندان جهان مرقد تو
 ورنه شیراز که خود جای آیاب اینهمه نیست
 قدسیانند سر کوی تو در جوش و خروش
 نغمه تار و دف و چنگ و رباب اینهمه نیست
 مجمعی هست ز دلهای مَحَبان، زلفت
 بی سبب در سر گیسوی تو تاب اینهمه نیست
 گو به سر حلقه رندان جهان باد صبا
 سرخوش و مست ز جا خیز که خواب اینهمه نیست

«شعر از عزیزالله سرخوش»

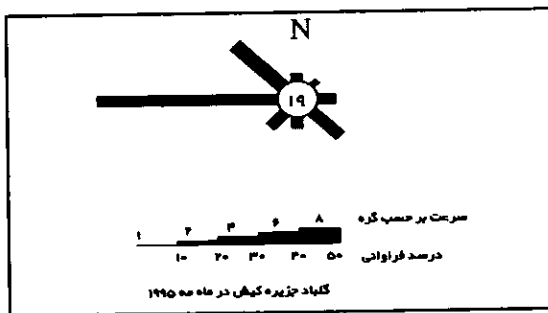
پرسش و پاسخ

می شود. در این گلباد هر گره سرعت با نیم میلیمتر ضخامت شعاع نشان داده شده است. ضخامت شعاع غربی ۳ میلیمتر است. یعنی اینکه سرعت متوسط آن ۶ گره است.

در زیر گلباد مقیاس آن ترسیم شده است. طول مقیاس درصد فراوانی وزش و ضخامت آن سرعت باد را بر حسب گره نشان می دهد.

در ترسیم گلبادهای فصلی و سالانه نیز ابتدا مجموع دیدبانیهای باد ایستگاه را در دوره موردنظر (یک یا چند سال) محاسبه می کنیم. سپس درصد وزش هر جهت را نسبت به کل دیدبانیها محاسبه می کنیم و بر اساس این درصدها گلباد را ترسیم می کنیم.

جهت	آرام	شمال	شمال شرق	شرق	جنوب شرق	جنوب	جنوب غرب	غرب	شمال غرب	جمع
فراوانی مطلق	۲۶	۳	۲	۷	۲۳	۵	۱۳	۱۱۰	۳۹	۲۴۸
درصد فراوانی	۱۹	۱	۱	۳	۹	۲	۵	۲۴	۱۶	۱۰۰
سرعت متوسط بر حسب گره	۰	۲	۵	۵	۵	۳	۲	۶	۷	-



اگر سرعت تمام دیدبانیهای باد هر جهت را داشته باشیم می توانیم فراوانی وزش سرعتهای مختلف را بر روی یک جهت معین نشان دهیم. در این صورت تعداد دیدبانیهای هر گروه سرعتی را به صورت درصدی از کل دیدبانیهای آن جهت محاسبه می کنیم و بر روی شعاع جهت مذکور، اندازه هر گروه را به صورت درصدی از کل شعاع نشان می دهیم. اندازه سرعت هر گروه هم بر اساس ضخامت شعاع معلوم می شود.

گلباد

گلباد نموداری است که فراوانی وزش باد را از جهات مختلف جغرافیایی در یک مکان نشان می دهد. هر گلباد از یک دایره مرکزی و هشت خط شعاعی به منزله هشت جغرافیایی تشکیل شده است. در ترسیم گلباد، مجموع دیدبانیهای وزش باد هر جهت را به درصدی از کل دیدبانیهای وزش باد ایستگاه در دوره موردنظر تبدیل می کنند. طول شعاع هر جهت به اندازه این درصدها تعیین می شود. درصد دیدبانیهای آرام در وسط دایره نوشته می شود. از مقایسه طول شعاع های جهات جغرافیایی باد غالب تعیین می شود. باد غالب جهتی است که بیشترین درصد وزش باد را دارد. اغلب بر روی گلبادها سرعت متوسط باد مشخص می شود. سرعت باد هر جهت ضخامت شعاع آن جهت را تعیین می کند. واحد متداول سرعت باد گره است که معادل ۱۸۵۲ متر در ساعت و یا ۵/۱۴۴ متر در ثانیه است.

برای نمونه بر اساس آمار جدول ۱، گلباد ایستگاه جزیره کیش در ماه مه ۱۹۹۵ ترسیم شده است. ماه مه ۳۱ روز است و هر روز ۸ بار دیدبانی شده است. در مجموع ۲۴۸ دیدبانی در تمام ماه مه انجام شده است. از کل دیدبانیهای ماه ۴۶ دیدبانی هوای بدون باد گزارش شده است که نسبت درصدی آنها ۱۹ درصد می شود و در دایره مرکز نمودار نوشته شده است:

$$\text{درصد } ۱۹ = ۰/۱۸۵۴ \times ۱۰۰ = ۴۶ \div ۲۴۸$$

در نمودار گلباد، هر یک درصد فراوانی وزش، یک میلیمتر منظور شده است. در نتیجه طول شعاع جهت غربی ۴۴ میلیمتر است. با توجه به نمودار، باد غالب جزیره کیش در ماه مه باد غربی است. برای اینکه بیشترین فراوانی وزش را دارد. باد را به جهتی می نامند که از آن می وزد؛ بادی که از مغرب می وزد باد غربی نامیده

پیشنهادات خوانندگان

مجله رشد آموزش جغرافیا

هر ماهه مبلغی را به دفتر مجله ارسال دارند تا بدین وسیله عهده دار پرداخت قسمتی از هزینه های مورد نیاز کلاس شوند. در این کلاسها برخی مهارتهای فنی به صورت عملی توسط اساتید محترم به علاقمندان آموزش داده شود (مانند آموزش چگونگی اجرای بازدید علمی در دوره آموزشی اردبیل) مباحثی چون تکنیکهای تحقیق در جغرافیا، نقشه خوانی، آشنایی با سیستمهای اطلاعات جغرافیایی (GIS)، سنجش از دور، نحوه استفاده از ابزارها مانند قطب نما و غیره.

برداشت من این است که بسیاری از مردم و حتی جوانان و نوجوانان کشور ما به مسائل زیست محیطی جهان امروز در حد یک دغدغه روشنفکرانه می نگرند و انگیزه کافی جهت مشارکت فعال در مسائلی از این دست را ندارند. اما از آنجا که همه ما عناصر وابسته به محیط زیست خود هستیم و مسئولیم تا در بهبود کیفیت زندگی خود تلاش کنیم و از آنجا که معلم جغرافیا سهم مهمی در وسعت بخشیدن به نگرشها، توسعه دیدگاهها و باورهای محیطی نوجوانان دارد مجله رشد جغرافیا اساسنامه ای تنظیم کند تا بر طبق آن دبیران جغرافیا بتوانند دانش آموزان فعال و علاقمند را در انجمن های خاص و مردمی متشکل کرده (مانند انجمن دوستداران زمین در بعضی مدارس تهران) و در طول سال تحصیلی و حتی در فصل تابستان با انجام برنامه هایی از قبیل بازدیدهای علمی، شرکت فعالانه در جشنهای خاص مانند جشن درختکاری و برنامه های جمعی پاکسازی شهرها و کوهستان، تهیه مقالات آموزشی، انجام کمکهای مختلف در زمان بروز بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، ... نوجوانان را در موقعیت های حقیقی و غیر حقیقی قرار داده و از طریق آموزش رسمی و غیررسمی به کسب تجربه در این زمینه که یکی از نافذترین شیوه های آموزش می باشد نائل آیند زیرا درگیر شدن مستقیم نوجوانان و جوانان با این گونه مسائل نقطه حساسی برای شروع فراگیری نظریات و ارزشهای زیست محیطی می باشد و نوجوان در این گونه فعالیت های جمعی می آموزد که زمین خانه اوست و تنها به وسیله شناسایی همبستگی محیط زیست می تواند بر فقر، گرسنگی، سوء تغذیه، بیسوادی، آلودگی و نظایر آن فائق آید و به این طریق عملاً برای آینده ای بهتر و جهانی بهتر پرورش یابد.

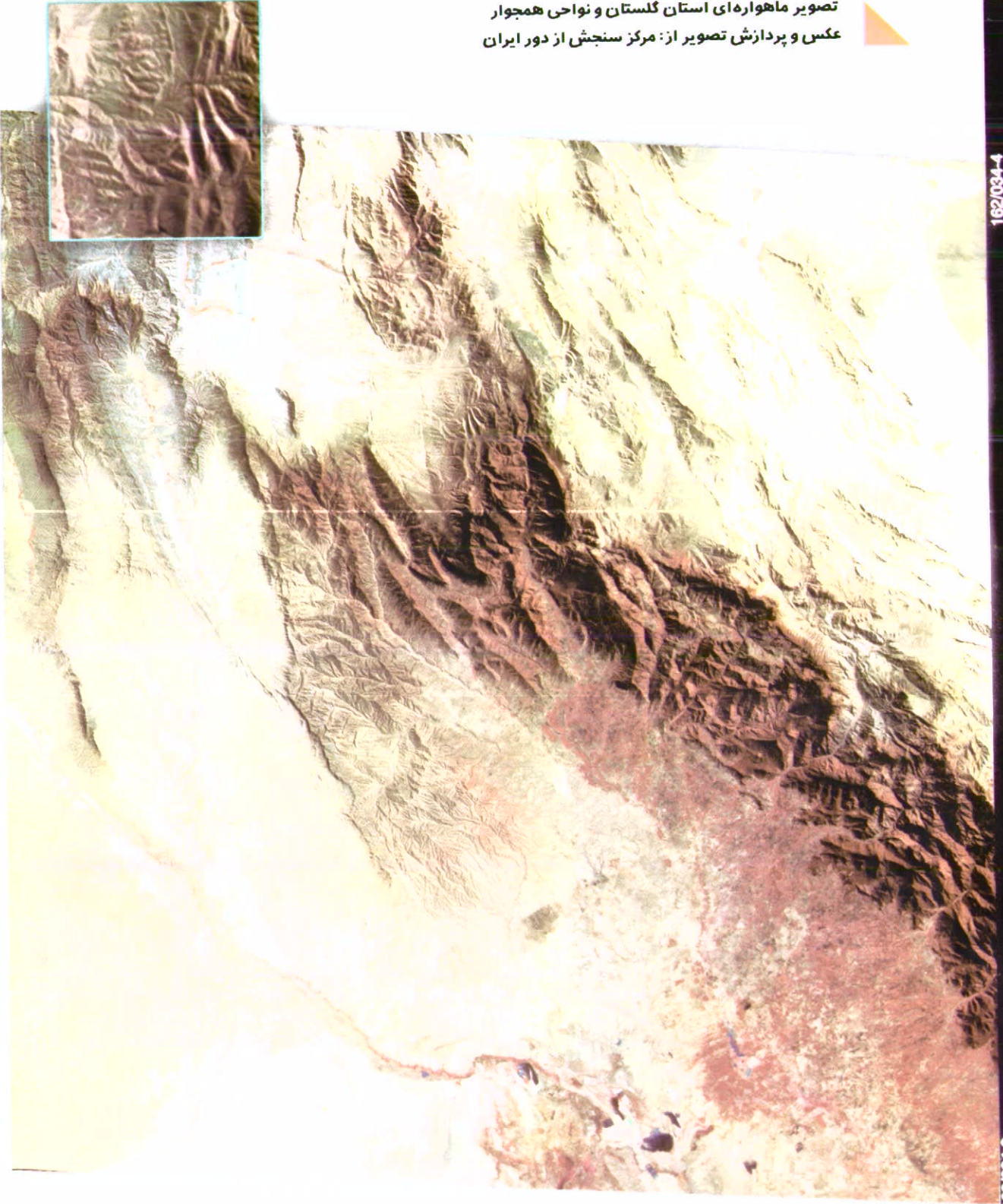
(نیره حاج امینی - کرمان)

مقدمه: مجله رشد آموزش جغرافیا سعی دارد محل تبادل اندیشه ها و پیشنهادات بین دست اندرکاران آموزش جغرافیا در سطوح مختلف آموزشی از دبیرستانها گرفته تا دانشگاهها باشد. در این میان دبیران جغرافیای کشور سهمی ویژه دارند. نمونه ای از پیشنهادات این عزیزان را در شماره های گذشته درباره بازدیدهای علمی ملاحظه کرده اید. اینک سرکار خانم نیره حاج امینی دبیر محترم جغرافیای شهر کرمان، دو پیشنهاد تازه را مطرح کرده اند که در ذیل، آنها را مطالعه می کنید. مجله رشد آموزش جغرافیا از این پیشنهادات استقبال کرده و سعی می کند فضایی را در مجله به پیشنهادات و نظرات خوانندگان اختصاص دهد.

غرض از نگارش این نامه عنوان کردن دو پیشنهاد است که خواهشمندم در صورت امکان مورد بررسی قرار دهید:

با توجه به اینکه دانش جغرافیا در آستانه قرن بیست و یکم در کشور ما در حال یافتن جایگاه اصلی خود می باشد و البته این رشد و اعتلا مرهون زحمات بی شائبه جغرافیدانان و اساتید گرانقدر می باشد و این تلاشهای شبانه روزی در شرایطی انجام می گیرد که بسیاری از فارغ التحصیلان و همچنین آموزگاران و دبیران جغرافیا در حیطه کارهای عملی و مهارتهای فنی از توانایی لازم برخوردار نیستند، و از آنجا که آموزگاران و دبیران بیش از سایر دست اندرکاران تعلیم و تربیت بر رفتار دانش آموز و شکل دادن به شخصیت و اخلاق اجتماعی و توسعه دیدگاههای او تأثیر می گذارند، پیشنهاد می شود در صورت امکان دوره های آموزشی کوتاه مدتی به صورت تعاونیهای آموزشی (نه به سبک تعاونیهای اقتصادی معمول در کشور) یا هسته های مهارتی یا هر نام مناسب دیگر، به مدت حداقل یک هفته در هر تابستان برگزار شود. این کلاسها با مشارکت علاقه مندان دایر شود. به این صورت که مشترکین مجله که تمایل به شرکت در این کلاسها را داشته باشند (اعم از فارغ التحصیلان و دبیران و آموزگاران)

تصویر ماهواره‌ای استان گلستان و نواحی همجوار
عکس و پردازش تصویر از: مرکز سنجش از دور ایران



162/034-3

IRSC

Iranian Remote Sensing Center

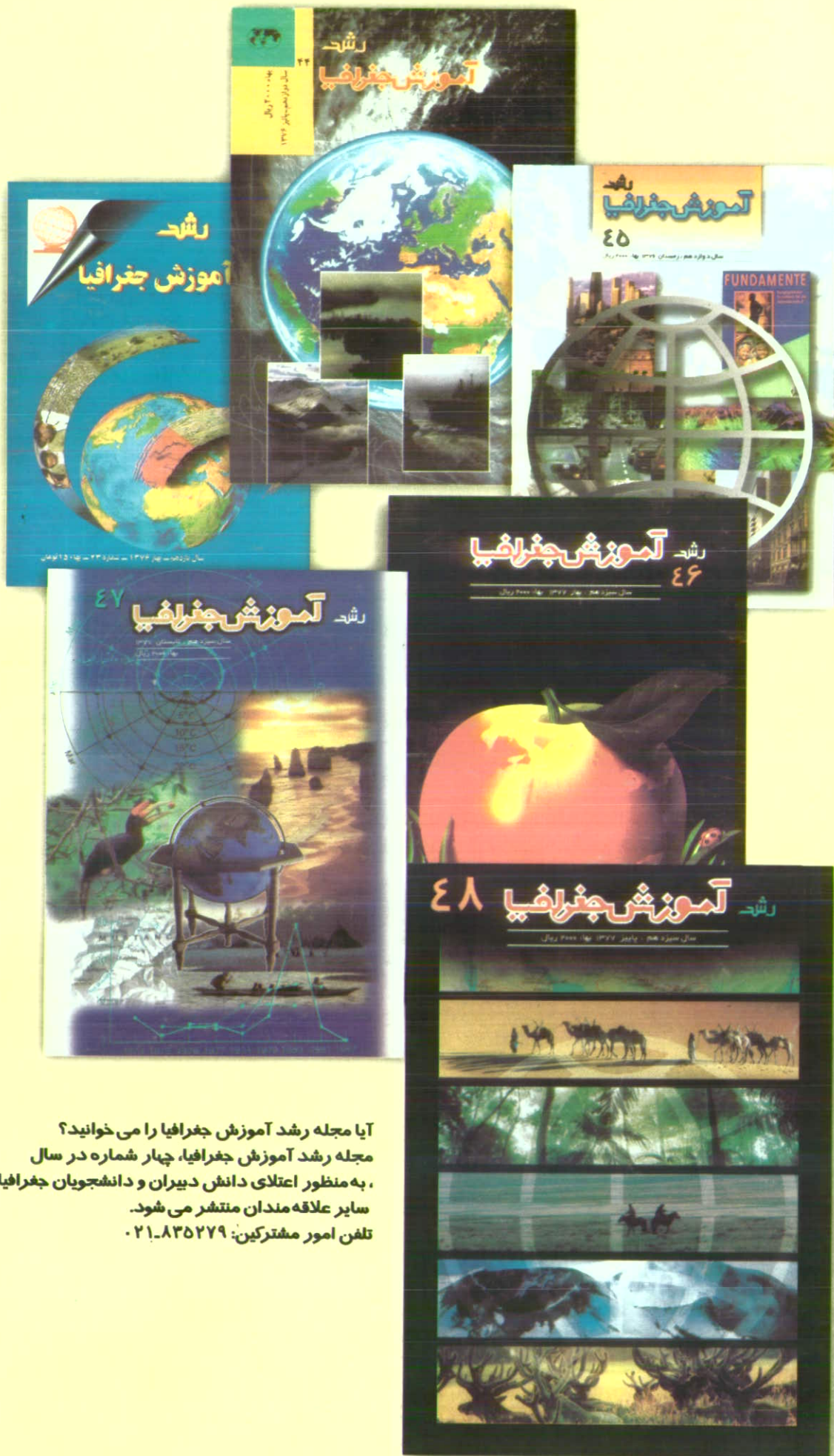
50 km

0

162/034-4

GAF

Image Processing Service
Munich - Germany



آیا مجله رشد آموزش جغرافیا را می خوانید؟
 مجله رشد آموزش جغرافیا، چهار شماره در سال
 ، به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان جغرافیا و
 سایر علاقه مندان منتشر می شود.
 تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۲۵۲۲۹۹